

جدول وجوهاتی که تفکیچیها و اشخاص متفرقه دیگر از مال التجاره راه بسو شهر و
کازرون می گیرند

	شاهی قران	شاهی قرآن	ماه ژون ۱۹۰۹	ماه ژون ۱۹۰۷
۳	برای یک رأس قطر	۱۸	برای یک رأس قطر	۱
	برای ۲۵ رأس قطر	۴	برای ۲۵ رأس قطر	۱۰
	بیرون دروازه چغاوک [= چغاوک]	— —	— —	— —
	امدادی	— —	۲	برای یک رأس قطر
	ایساوندی [= عیساوندی]	— —	۳	برای ۲۵ رأس قطر
	چاهخانی عیسهوندی	— —	۲	برای ۲۵ رأس قطر
	خوشاب	— —	۳	برای یک رأس قطر
	برازجان	— —	۴	برای ۲۵ رأس قطر
	تل برازجان	— —	۳	برای ۲۵ رأس قطر
	جاتا [خطوط؟]	— —	—	برای ۲۵ رأس قطر
	قرابولخانه	— —	۳	برای ۲۵ رأس قطر
	آب گنده	— —	—	برای ۲۵ رأس قطر
	دالکی	— —	۳	برای یک رأس قطر
	برج نمازگاه	— —	۲	برای ۲۵ رأس قطر
	پل دالکی	— —	۲	برای یک رأس قطر
	دریاقلی	— —	۴	
۱۰	کتل ملو	— —	۲	برای ۲۵ قاطر که ۱۳ پوند قند حمل می کند

ماه ژوئن ۱۹۰۷

ماه ژوئن ۱۹۰۹

شاهی قران

شاهی قران

برای یک رأس قاطر بانکی	-	-	برای یک رأس قاطر ۱۰	۱	۵
برای ۲۵ قاطر که ۷	-	-	کنار تخته		
پوند قند حمل می‌کند					
برای یک رأس قاطر جعفر جن	-	-	برای یک رأس قاطر ۲	۲	۰
برای یک رأس قاطر تخت‌کی	-	-	برای یک رأس قاطر -	-	۲
برای یک رأس قاطر [چروم] چرون	-	-	برای یک رأس قاطر ۳	۳	۸
برای یک رأس قاطر کتل کمارج	-	-	برای یک رأس قاطر ۳	۳	۱۵
برای یک رأس قاطر تیگ ترکان	-	-	برای یک رأس قاطر ۴	۴	۸
برای یک رأس قاطر کاروانسرا	-	-	برای یک رأس قاطر ۲	۲	۴
برای یک رأس قاطر دریس	-	-	برای یک رأس قاطر ۲	۲	۱۸
برای یک رأس قاطر قهوه‌خانه	-	-	برای یک رأس قاطر ۲	۲	۱۰
برای یک رأس قاطر کازرون	-	-	برای یک رأس قاطر ۲	۲	۱۱
برای یک رأس قاطر ۱۴					
برای یک رأس قاطر ۱۰	۶۷		برای یک رأس قاطر	۱۰	۳

تقریباً ۱۵ قران برای یک رأس قاطر گرفته می‌شود. جدول فوق نشان می‌دهد که از سال ۱۹۰۷ تا سال ۱۹۰۹ برای یک رأس قاطر مبلغ یازده قران و سه شاهی ترقی کرده است و همچنین راهداری و مالیاتهای غیرقانونی را که تا کازرون گرفته می‌شود ارائه می‌نماید. طریقه دیگری که در سر راهها طایفه دزدان با صاحبان املاک برای خود اتخاذ کرده‌اند اینست برای قاطرچیها اجازه نمی‌دهند تا از جای دیگر حمل علوفه نمایند بلکه مجبورند که از ارباب دهات به قیمت گران خریداری نمایند.

تفصیل عهد نامه‌ای که دولت ایران بسته و هر روز بواسطه مالیاتهای غیرقانونی از آن عهدنامه تخلف می‌ورزند از اینقرار است:

۱) ماده ۴ فرمان اعلیحضرت شاه مورخه ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ که پموجب آن ماده تمام مالیاتهای داخلی از قبیل مالیات خانات — راهداری، میدانداری، قپانداری و نظیر این قسم مالیاتها — بکلی منوع است.

۲) ماده ۳ قوانین گمرکی.

۳) ماده ۴ عهدنامه تجاری ۱۹۰۳ انگلیس و ایران که به موجب آن دولت ایران تعهد کرده که مالیاتهای راهداری را موقوف نموده و من بعد هم از مالیات‌بندی سر راهها ممانعت نماید.

امضاء چیک

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ اهرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل را کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابرہ کرده است: «از ژنرال قنسول روس اطلاع پیدا کردم که یکی از خویشان خان ماکو در بازیزید به ویس قنسولگری روس پناهنده شده و می‌خواهد خوانین ماکو را به حمایت روسیه وارد نماید تا از حملات ملتیان که منظور دارند فراغت تحصیل نمایند.

مسيو سابلین از دولت متبعه خود اجازه خواسته تا بهمراهی من به دولت ایران اصرار نماییم که اعلان عفو عمومی را منتشر نماید تا به این ترتیب اقدامات اغتشاش کارانه ملتیان مثل این که می‌خواهند به خان ماکو حمله نمایند رفع شده و دیگر سفارتین خصوصاً سفارت روس تا به این اندازه از حمایت خواستن مستبدین دچار زحمت نباشند. من کاهلا با این پیشنهاد مسيو سابلین موافق هستم و گمان می‌کنم که خوب است این عفو عمومی بطوری که در پروگرام پیشنهادی ما به محمد علی میرزا بود انجام گیرد.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ امداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران مابین رشت و طهران در منجیل حرکت ظل‌السلطان را توقیف کرده است. پسر ظل‌السلطان بتوسط یک مراسله از من خواهش نموده است که در این امر دخالت نمایم ولی من هیچ اقدامی را قبول نکرم.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ امداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

حکومت فارس

در تلگراف هشتم این ماه تعیین حکومت عین‌الدوله را راپورت دادم. حالا از قرار معلوم دولت ایران بنا به رأی تقی‌زاده که بتازگی از تبریز وارد شده است خیال تغییر آن را در نظر دارد. بدینختانه نتیجه این سلب اطمینان این شده که اوضاع شیراز دوباره قدری مغشوش شده است.

من به دولت ایران اصرار می‌نمایم که بدون تأخیر حکومت مقندری را تعیین نمایند ولی اگر همان حکومت عین‌الدوله تصویب شود بهتر خواهد بود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرن، از وزارت خارجه لندن.
در خصوص پیشنهادی که در تلگراف ۹ ماه اوت از طهران شده بود عقیده دولت روس را تحصیل نمایید.

به کفیل وزارت خارجه اطلاع بدهید که اگر دولت روسیه به نماینده مقیم طهران خود بهمینطور دستورالعمل بدهد دولت اعلیحضرتی به سر بارکلی دستورالعمل خواهد داد که به دولت ایران اصرار نماید که پیشنهاد عفو عمومی را به موقع اجراء بگذارند. به نظر من این پیشنهاد خیلی مفید باشد.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۹ امداد ۱۲۸۸؛ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

ملتیان ظل‌السلطان را به رشت عودت دادند و در آنجا توقیف نمودند. دو مرتبه پسر

ظل‌السلطان از من در خواست دخالت نموده و اظهار داشت که دولت می‌خواهد وجهه نقدیه از او جبرآ بگیرد. اگر چه به عقیده من ظل‌السلطان در صورتی که برخلاف نصایح ما عمل نمود قانوناً نمی‌تواند از ما تقاضای حمایت نماید ولی با وجود این خیال دارم به دولت ایران اطلاع بدهم که خوب است بگذارند ظل‌السلطان سالم‌آ از ایران برگردد. در موقع ارسال این نوشه خیال دارم که از همکار رسم استمداد نمایم.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

همانطوری که در تلگراف ۱۰ این ماه خود پیش‌بینی کرده بودم دولت ایران حکومت فارس را تغییر داد و در عوض عین‌الدوله سهام‌الدوله را که تاکنون به حکومتهای جزو منصوب می‌شد به جای او معین نمود.

علاماتی هقارن ورود تقی‌زاده ظهور کرده است: من جمله در جای اینکه حکومتها را به اشخاص تجربه‌دیده قدیم بدهند، می‌خواهند اشخاصی را سر کار بیاورند که دخیل حکمرانی سابق نبودند و امیدوارند که به این ترتیب می‌توانند از رشوه‌گیری حکام که از قدیم‌الایام در ایران حکم‌فرما بوده جلوگیری نمایند.

نمره - ۱۹۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۹ [۲۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که امیدوار است تا فردا امپراتور اقام شاه مخلوع را در کی‌یف^{۱)} تصویب نماید. دولت روسیه متهم مخارج آن اعلیحضرت خواهد شد. کشتی حاضر خواهد بود تا او را به پتروفسکی حرکت بدهد و به مسیو سابلین به مضمون فوق دستور العمل داده شده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما می‌توانید با معیت همکار روس خودتان تحصیل اعفو عمومی نمایید.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۲ امداد ۱۲۸۸؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(خواهش دارم تلگراف ۱۲ ماه اوت مستر اوبرن را ملاحظه فرمایید). ما به دولت ایران اعلان خواهیم کرد که اعیینحضرت شاه سابق در ۱۸ ماه حرکت خواهد کرد و درخواست می‌نماییم که تهیئة حمل و نقل را آماده نمایند.

نمره - ۱۹۸

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(راجح است به مراسله مورخه ۱۷ ماه ژون) افتخار دارم که لفاظ ترجمه قانون انتخابات جدید را که به تاریخ اول ژوئیه [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] منتشر شده است تقدیم دارد.

ضمیمه در نمره ۱۹۸

قانون انتخابات

مقدمه

چون بر حسب اقتضایات وقت پاره‌ای از مواد نظام‌نامه انتخابات اعضاء مجلس شورای ملی لازم‌التعییر دیده شد بموجب امر اعیینحضرت شاهنشاهی جمعی از خیرخواهان ملت با تفاق اعضاء مجلس شورای مملکتی کمیسیونی مرکب از ۲۰ نفر به اکثریت آراء تشکیل دادند که نظام‌نامه جدیدی ترتیب دهند. چون در قانون اساسی به چهار ماده راجع به امر انتخابات اشاره شده بود و تعییر آن مواد با اصول مذبور مخالفت می‌نمود محض رفع این محظوظ کمیسیون مذبور مواد مهم نظام‌نامه را که تنظیم کرده بود [به] آراء خیراندیشان ممالک همۀ ایران عرضه داشت. هرگز همۀ مملکت در این باب حق نظر خودشان را به مرکز آذربایجان تفویض نمودند. عقاید آن مرکز عمدۀ تعییر مواد اربعه را تصویب و ملاحظات خود را در مواد مهمۀ دیگر پیشنهاد کردند. علیه‌هذا با رعایت ملاحظات مرکز آذربایجان این نظام‌نامه تحریر و تنظیم شد در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بعد از آنکه بمبارکی افتتاح یافت به موجب اختیاری که در قوانین اساسی برای او مقرر است در استقرار یا جرح و تعدیل هر یک از مواد نظام‌نامه آنچه صلاح داند منظور فرماید.

فصل اول

عدد نمایندگان ملت و تقسیم آن به ایالات و ولایات

ماده ۱) عدد نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در ممالک ایران ۱۲۰ نفر تعیین می‌شود.

ماده ۲) تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی از قرار شرح جدولی است که به آخر نظامنامه منضم شده است.

ماده ۳) چون بواسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط در شهرهای بزرگ و کوچک خواهد بود لهذا از غالب بلوکات و ایالات که حاکم نشین آنها شهریت ندارد در این نظامنامه اسم برده نشده. لیکن اهالی بلوک و ایالات هر ولايت با داشتن شرایط مقرر می‌توانند در یکی از شهرهای آن ولايت حاضر شده به انتخابات شرکت نمایند.

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

ماده ۴) انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:

۱) تبعه ایران باشند.

۲) لااقل ۲۰ سال داشته باشند.

۳) معروفیت محلی داشته اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لااقل ۶ ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنا داشته باشند.

۴) لااقل دارای ۲۵۰ تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات بده باشند یا ۵۰ تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.

ماده ۵) اشخاصی که از حق انتخاب نمودن مطلقاً محروم‌اند:

۱) نسوان.

۲) اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیومت شرعی هستند.

۳) تبعه خارجه.

۴) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد.

۵) اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال داشته باشند.

۶) ورشکستگان بتقصیر.

۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرينی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.

۸) اهل نظام بیزی و بحری که مشغول خدمت‌اند.

ماده ۶) اشخاصی که بشرط از انتخاب نمودن محروم‌اند:

۱) حکام و معاونین حکام در قلمرو مأموریت خود.

۲) مستخدمین نظمه و ضبطیه در محل خدمت.

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۷) انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقامات ذیل باشند:

- ۱) متدين به دین حضرت محمدبن عبدالله(ص) باشند مگر نمایندگان همل مسیحی و زردهشتی و یهود که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند.
- ۲) تبعه ایران باشند.
- ۳) لاقل خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند.
- ۴) معروفیت محلی داشته باشند.
- ۵) در امور مملکتی بابصیرت باشند.
- ۶) معروف به امانت و درستکاری باشند.
- ۷) سن آنها کمتر از ۳۰ و زیاده از ۷۰ سال نباشد.
- ۸) اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند:
- ۱) شاهزادگان بالفصل، یعنی ابناء و اخوان و اعمام پادشاه.
 - ۲) نسوان.
 - ۳) تبعه خارجه.
 - ۴) اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت‌اند.
 - ۵) اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند مگر اینکه برای مدت نمایندگی از شغل استعفای دهنده.
 - ۶) ورشکستگان بتقصیر.
 - ۷) مرتكبین قتل و سرقت و هقصربینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.
 - ۸) کسانی که سن شان از ۳۰ کمتر و از ۷۰ بیشتر باشد.
 - ۹) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حكام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد و یا متظاهر به فسق باشند.

فصل چهارم در تشکیل انجمن نظارت

- ۱۰) در هر مرکز انتخاب هیئتی به اسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل می‌شود که مراقب و مسؤول صحت انتخابات خواهد بود.
- ۱۱) انجمن نظارت در محله‌ایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است مرکب خواهد بود از ۳ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از محتربین محل در تحت ریاست حاکم. این چهار نفر محتربین را انجمن ایالتی یا ولایتی به تصویب حاکم از غیر اعضای خود تعین خواهد کرد.
- ۱۲) در محله‌ایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون هنوز تشکیل نیافته انجمن نظارت مرکب [است] از علماء معروف محل و یک نفر از شاهزادگان و دو نفر از معتبرین تجار (در هر جا که یکی از اشخاص مذکوره نباشد) تعوض او از اعیان یا تجار تعین می‌شود).

، ماده ۱۲) در شهرهای بزرگ به جهت دادن تعریفه، انجمن نظارت می‌تواند در هر محله شعبهٔ جداگانه تشکیل نماید مرکب از کدخدا و ۵ نفر از معتمدین محل.

ماده ۱۳) انجمن نظارت از میان اعضاء خود یک یا دو نفر منشی انتخاب می‌نماید.

ماده ۱۴) انجمن نظارت یک هفته بعد از انجام انتخابات متفرق می‌شود.

فصل پنجم طریقہ انتخاب

ماده ۱۵) انتخاب در کلیه ممالک ایران بطرز دو درجه خواهد بود.

توضیح اول: مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتداء در محله‌های یک شهر یا در شهرهای یک حوزهٔ انتخابیه عدهٔ معینی را انتخاب می‌نمایند که هنرمند نامیده می‌شوند و بعد این انتخاب شدگان درجهٔ اول در مرکز حوزهٔ انتخاب جمع شده از میان خود عدهٔ مطلوبه را ثانیاً انتخاب می‌کنند و این انتخاب شدگان درجهٔ ثانی نمایندهٔ خوانده می‌شوند.

توضیح دوم: مراد از حوزهٔ انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظامنامه یک یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستد اعم از اینکه آن قسمت در تحت یک یا چند حکومت باشد مرکز حوزهٔ آن نقطه است که انتخاب درجهٔ ثانی حوزهٔ درآنجا واقع می‌شود.

ماده ۱۶) انتخاب درجهٔ اول و ثانی کلیتاً به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محله‌ای که موافق تقسیم نظامنامه بیش از یک نفر حق انتخاب ندارند. در این صورت به انتخاب فردی عمل می‌شود.

توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است [که] هر یک از انتخاب‌کنندگان در ورقهٔ رأی به عدهٔ مجموع انتخاب‌شوندگان آن محل اسامی اشخاص [را] می‌نویسند. مراد از انتخاب فردی آن است [که] هر یک از انتخاب‌کنندگان در ورقهٔ رأی اسم یک شخص را می‌نویسند.

ماده ۱۷) انتخاب درجهٔ اول به اکثریت نسبی و انتخاب درجهٔ ثانی به اکثریت تام خواهد بود.

توضیح: مراد از اکثریت تام آن است که بیشتر از نصف رأی دهنده‌گان دربارهٔ کسی رأی داده باشند.

ماده ۱۸) در انتخاب درجهٔ اول اشخاصی که نسبت به عدهٔ کلیه انتخاب‌کنندگان حوزهٔ انتخابیه اکثریت تام حاصل کنند مستغنى از انتخاب درجهٔ ثانی بوده بسمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند.

ماده ۱۹) در انتخاب درجهٔ ثانی اگر دفعهٔ اول و دوم دربارهٔ کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعهٔ سیم همان شخص به اکثریت نسبی منتخب خواهد بود.

ماده ۲۰) در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هرگاه انتخاب یک نفر از آنها محل حاجت باشد آن یک نفر به حکم قرعه معین می‌شود.

ماده ۲۱) در انتخاب درجه اول عده انتخابشوندگان هر حوزه انتخابیه سه مقابله عده نمایندگانی خواهد بود که برای آن حوزه در ماده دوم معین شده است.

ماده ۲۲) در حوزه انتخابیه طهران انتخاب درجه اول از ۵ محله که هر یک در تحت ریاست یک کدخدای است بعمل خواهد آمد موافق تقسیمی که انجمن نظارت معین خواهد گرد.

ماده ۲۳) در حوزه انتخابیه ایالات و ولایات انتخاب درجه اول در تمام شهرهای آن حوزه به اکثریت نسبی بعمل خواهد آمد. بعد این منتخبین درجه اول در موعدی که انجمن نظارت مرکزی معین می کند در مرکز حوزه حاضر شده مجتمعاً از میان خودشان به عده‌ای که در ماده دوم به جهت آن حوزه تصریح شده است به اکثریت تام نماینده انتخاب خواهند گرد.

ماده ۲۴) پنج ایل عمده شاهسون، آذربایجان، بختیاری، قشقائی، ایالات خمسه فارس، و ترکمان موافق تقسیم نظامنامه هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می فرستد. طرز انتخاب ایالات هم دو درجه است لیکن عده منتخبین درجه اول هر ایل و مرکز انتخاب درجه ثانی را وزارات داخله معین خواهد گرد. در این مورد انتخاب درجه ثانی به حکم قرعه خواهد بود.

ماده ۲۵) در صورتی که انتخاب شدگان شهرهای جزو در موعدی که انجمن نظارت مرکزی برای حضور آنها معین گرده در مرکز آن حوزه حاضر نشوند برای آن دوره حق انتخاب از آنها ساقط است و همان عده‌ای که در سر موعد حاضر شده‌اند نمایندگان آن حوزه را از میان خودشان انتخاب خواهند گرد.

ماده ۲۶) هر یک از انتخاب‌کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

ماده ۲۷) در درجه اول انتخاب‌کنندگان مجبور نیستند که حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

فصل ششم

دادن تعریفه برای تشخیص انتخاب‌کنندگان

ماده ۲۸) انجمن نظارت اعلانی هرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ۵ الی ۱۵ روز قبل از موعد انتخاب اشاعه می‌دهد.

ماده ۲۹) اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود:

۱) شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان.

۲) محل و اوقاتی را^۱ که انجمن نظارت یا شب آن ورقه تعرفه خواهد داد.

۳) مکان و زمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود.

۴) عده نمایندگانی را^۲ که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

^۱) بهمین گونه است در اصل ولی گویا از ۵ الی ۱۵ روز درست باشد. - ۳

^۲) بهمین گونه است در اصل. - ۳

ماده ۳۰) اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت به جهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند حق انتخاب برای آن دوره از آنها ساقط است.

ماده ۳۱) تعرفهای که به انتخاب کنندگان داده می‌شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود:

۱) نمره و تاریخ.

۲) اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او.

۳) شغل و منزل.

۴) زمان و مکانی که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

۵) ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب.

۶) مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده ۳۲) انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفهایی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت خواهد نمود.

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخابشده‌گان

ماده ۳۳) بمناسبت اهمیت محل مدت اخذ رأی از یک الی سه روز خواهد بود به تعیین انجمن نظارت.

ماده ۳۴) پس از انقضای موعده که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین می‌کند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد.

ماده ۳۵) دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول به مجلس انتخاب اسم یک یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده‌ای که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان نوشته لوله کرده با خود داشته باشد.

ماده ۳۶) پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع به گرفتن ورقه رأی رئیس انجمن نظارت جعبه‌ای را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می‌نماید.

ماده ۳۷) هریک از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود به مجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را به یکی از اعضاء که برای این کار تعین شده می‌دهد.

ماده ۳۸) گیرنده تعرفه نمره تعرفه را به صوت بلند می‌گوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند. پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آن را ابطال نموده به صاحبی رد می‌نماید و ورقه رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می‌اندازد. صاحبان تعرفه باحتیاط هواردی که تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت.

ماده ۳۹) انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه رأی و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب به امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند

شد.

ماده ۴۰) در محلهایی که انتخاب در یک روز تمام نمی‌شود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه درب جعبه را مهر کرده روز بعد همان اعضاء آن را باز می‌کنند.

ماده ۴۱) بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبه انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین انتخاب کنندگان خالی نموده امر به استخراج آراء می‌نماید.

ماده ۴۲) یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عده آن را با عده رأی دهنده‌گانی که تعریف آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق می‌کنند در صورت زیادی اوراق رأی به عده اوراق زایده از کلیه برداشته شده باطل می‌شود و نتیجه در صورت مجلس نوشته می‌شود.

ماده ۴۳) اوراق انتخاب را یکی از اعضاء به صوت بلند یک یک خوانده به یک نفر دیگر از اعضاء می‌دهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسامی را به ترتیبی که خوانده می‌شود در ورقه بزرگی می‌نویسد.

ماده ۴۴) هرگاه در اوراق انتخاب زیاد یا کمتر از عده معینه اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد. در صورت اول آن عده اسامی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد.

ماده ۴۵) از اوراق رأی آنچه سفید یا لایقرع باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضا انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از یک ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۶) بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را به صورت بلند اعلان می‌نماید و اوراق انتخاب را معدهم می‌کند. با استثناء آنهایی که در ماده قبل ذکر شده که ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۷) صورت مجلس انتخابات را منشی در سه نسخه تحریر نموده به امضا انجمن نظارت می‌رساند، یک نسخه به حکومت، نسخه دیگر بتوسط حکومت به مجلس شورای ملی و نسخه ثالث با کتابچه ثبت اوراق تعرفه به انجمن ایالتی یا ولایتی مرکز حوزه فرستاده می‌شود.

ماده ۴۸) اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق دخول به مجلس انتخاب ندارند.

ماده ۴۹) دخول بر محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

ماده ۵۰) اسامی انتخاب شدگان درجه اول و دوم بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم محل در روزنامه اعلان می‌شود.

ماده ۵۱) انتخاب شدگان در شهرهای جزو باید به امضا انجمن نظارت آن محل اعتبارنامه در دست داشته باشند و به انجمن نظارت مرکزی ارائه بدهند و همچنین نمایندگانی که در مرکز حوزه انتخابیه برای عضویت مجلس شورای ملی منتخب می‌شوند باید به امضا انجمن نظارت مرکزی اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند.

فصل هشتم

در شکایات راجعه به انتخابات

ماده ۵۲) اگر از انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان کسی حین انتخاب شکایت یا ایرادی راجع به انتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.

ماده ۵۳) شکایات و ایرادات راجعه به انتخابات باید درظرف یک هفته بعد از ختم انتخابات به انجمن نظارت اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نمایند.

ماده ۵۴) متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظارت راضی نباشند می‌توانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایت خود را درظرف ماه اول به مجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود.

شکایات راجعه به انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل می‌آید باید در ظرف ماه اول بعد از وقوع آن انتخابات به مجلس شورای ملی بررسد.

ماده ۵۵) هرگاه یکی از منتخبین یا نمایندگان بوسیله تطمیع یا تهدید انتخاب شود پس از ثبوت به انجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده علاوه بر مجازاتی که قانون درباره او معین خواهد کرد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۵۶) حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن داشته باشند.

فصل نهم

در موارد مختلفه

ماده ۵۷) همینکه نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان ملت که ۶۱ نفر باشد در طهران حاضر شدن مجلس افتتاح می‌باید و رأی آنها به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است.

ماده ۵۸) ابتدای دوره انتخابیه دو ساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح می‌شود.

ماده ۵۹) پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هریک از منتخبین سابق را که بخواهند دوباره انتخاب نمایند.

ماده ۶۰) مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب مجلس است.

ماده ۶۱) مخارج مسافرت انتخاب‌شده‌گان درجه اول و دوم را ذهاباً و ایاباً حکومت هر محل به اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی ۵ قران اداء خواهد کرد بعلاوه ۵ تومان مخارج توقف ۵ روزه در مرکز حوزه.

ماده ۶۲) هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفاء یا فوت نماید و بیش از سه ماه به انقضای دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یک نفر به جای او به اکثریت تام انتخاب خواهد کرد.

ماده ۶۳) در طهران ده روز بعد از توشیح این نظامنامه به دست خط همايونی و در

ولایات روز بعد از وصول نظامنامه، انجمن نظارت به انتخابات خواهد کرد.
 روز پنجمینه ۱۲ شهر جمادی الآخر تفاوقی ۱۳۲۷ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ ژوئیه ۱۹۰۹]
 امضاء اعضاء کمیسیون تحریر نظامنامه انتخابات
 فرمانفرما مشیرالدوله مؤتمن‌الملك مستوفی‌الملک صنیع‌الدوله معین‌
 الدوله مهندس‌الملک مستشار‌الدوله حاج سید‌نصرالله اسدالله میرزا
 حسینقلی‌خان‌نواب مستشار‌السلطان مخبر‌الملک کاشف‌السلطنه نظم‌الدوله
 امین‌دربار.

www.adabestaneKave.com

انتخابیه حوزه اول در هر محل	درجه اول	دستگاه انتخابی	محل انتخاب	دستگاه انتخابی	دستگاه انتخاب	دستگاه انتخاب	حوزه مرکز
محله دولت							
محله سنگلچ و شهرنو		موافق تعیین					
انجمن نظارت		طهران	۴۵	۱۵	۴۵	۱۵	طهران و توابع
محله بازار و چالمیدان							
شهر تبریز	۲۶						
اروهیه	۰						
خوی	۴						
دیلمقان	۱						
ماکو	۱						
مراغه	۲						
بناب	۱						
میاندواب	۱						
ساوجبلاغ	۲						
تبریز	۱	۵۷	۱۹				آذربایجان
هرند	۱						
اهر	۲						
اردبیل	۴						
مشکین	۱						
آستانه	۱						
خلخال	۱						
سراب	۱						
میانج	۱						
صاین قلعه	۱						

شاهسون به تعیین ۱ به تعیین آذربایجان وزارت داخله وزارت داخله وزارت داخله وزارت داخله

به تعیین وزارت داخله

حوزهٔ مرکز عدد انتخاب شوندگان
انتخاباییه حوزه نمایندگان درجه اول در هر محل

۱۲	شهر مشهد						
۳	قوچان						
۲	بنجورد						
۱	دره جز						
۱	جام و باخرز [= باخرز]						
۴	نیشابور	مشهد مقدس	۱۱	۳۴۳			
۱	سبزوار						
۱	خاف						
۱	ترشیز						
۳	ترمت حیدری						
۱	تون						
۱	طبس						

۱	نصرت‌آباد و سیستان	۳	۱	سیستان	بیرجند		
۲	بیرجند						

۱۰	شهر شیراز						
۲	کازرون						
۳	بهبهان						
۱	تبریز						
۱	آباده						
۴	لار	شیراز	۲۴	۸			
۱	فسا						
۱	جهرم						
۱	گله‌دار						
۱	دارابگرد						

قشقایی به تعیین ۱ به تعیین وزارت داخله
وزارت داخله وزارت داخله ایلات خمسه ایضاً ایضاً
ایلاً ایضاً

انتخابیه حوزه نمایندگان در جدال در هر محل	عدد انتخاب شوندگان	محل انتخاب درجه اول	عدد منتخبین درجه اول	حوزه مرکز عدد منتخبین در جهاد
بوشهر	۲	برازجان دشتستان [=برازجان - دشتستان]	۱	بوشهر ۶
بندر عباس	۱	بندر خمیر و جزائر	۱	بندر عباس
بندر لنگه	۱		۱	بندر لنگه
شهر کرمان	۸			کرمان ۱۵
رفسنجان	۲		۰	
سعیدآباد سیرجان	۱			
خبیص	۱		۰	
راور	۱			
زرند	۱			
اقطاع و افشا	۱			
بم	۲			بلوچستان به
بلوچستان	۱		۳	بم و فرماسیر به
شهر استرآباد	۳		۱	استرآباد استرآباد
به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱	ترکمان به تعیین وزارت داخله
شهر اصفهان	۰			
قمشہ	۱			
نجفآباد	۱		۹	شهر اصفهان ۳
قمپایه	۱			
ارdestan	۱			
بختیاری به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱	بختیاری به تعیین وزارت داخله

حوزه مرکز	عدد منتخبین	حوزه نمایندگان	عدد منتخبین	حوزه انتخاب شوندگان	عدد انتخاب	محل انتخاب	درجه اول	درجه اول در هر محل
بروجرد	۶	بروجرد	۶	بروجرد	۶	بروجرد	بروجرد	
خمسه و طارم	۱	زنگان	۲	زنگان	۲	زنگان	ابهر	۴
ساوه و زرند	۱	ساوه	۳	ساوه	۱	ساوه	زرند	۲
سمنان دامغان	۱	سمنان	۳	سمنان	۱	سمنان	دامغان	۲
شاھرود و بسطام	۱	شاھرود	۳	شاھرود	۱	شاھرود	بسطام	۱
عراق	۱	سلطان آباد	۶	سلطان آباد	۲	سلطان آباد	آشتیان	۴
عربستان	۱	شوشتر	۹	شوشتر	۳	شوشتر	دزفول	۲
فیروزکوه و دماوند	۲	محمره و عشایر					محمره و عشایر	۳
فیروزکوه و دماوند	۲	بندر ناصری					بندر ناصری	۱
قزوین	۱	قزوین	۶	قزوین	۲	قزوین	طارم سفلی	۱
قزوین	۱	خرقان					خرقان	۱
قم	۳	شهر قم	۳	قم	۱	قم		۳

انتخابیه حوزه نمایندگان درجه اول	محل انتخاب درجه اول	عدد انتخاب شوندگان مرکز حوزه	انتخابیه حوزه نمایندگان درجه اول
----------------------------------	---------------------	------------------------------	----------------------------------

www.adabestanekave.com

حوزهٔ مرکز عددٌ منتخب شوندگان
انتخاباییهٔ حوزهٔ نمایندگان درجهٔ اول
درجهٔ اول در هر محل عددٌ منتخبین

لرستان خرمآباد خرمآباد و پشتکوه ۲ ۶

۲	ساری	۱۲	ساری	۴	نیزه
۳	بارفروش				
۳	آمل و تکابن				
۱	سجادکوه				
۱	اشرف				
۱	مشهدسر				
۱	بلدهٔ نور				

۳	دولتآباد	۶	دولتآباد	۲	نیزه کان
۲	نهاوند				
۱	توبیسرکان				
۰	همدان	۶	همدان	۲	همدان
۱	اسدآباد				اسدآباد

۴	یزد	۹	یزد	۳	یزد و توابع
۲	نائین				
۱	شهر بابک				
۱	اردکان				
۱	عقدا				
					ارامنه
					کلدانی
					زردشتی
					کلیمی

جناب سعدالدوله رئیس الوزراء نظامنامه انتخابات مبعوثین که برحسب ارادهٔ علیهٔ ما در کمپیون مخصوص ترتیب داده شده و مشتمل بر ۶۳ مادهٔ هی باشد صحیح است فوراً بدھید به طبع رسانده و منتشر نمایید. وزیر داخله نیز بلا فاصلهٔ ذر صدد تهیهٔ لوازم انتخابات در طهران و ولایات باشد.

محمدعلی شاه قاجار

۱۳۲۷ جمادی الآخر

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۹۹

مراسله سردار کلى به سر ادوارد گرى مورخه ۲۲ زويه ۱۹۰۹ [۳۱ تير ۱۲۸۸ ج ۴ - ۲] از قلهك [۱۳۲۷ آقا

در اتمام مراسله ۱۲ اين ماه خود افتخار دارم از راپورت اينکه قشون ملتیان در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه [۲۲ تير ۱۲۸۸ ج ۴ - ۲] وارد طهران شدند. يادداشت ملفووف هسترن چرچيل و قایع و اتفاقات ورود و جنگ بعد از ورود قشون ملي را متضمن است.

بعد از اينکه بتوسط تلفون اين واقعه به من اطلاع داده شد من هاژور استوكس و مسيو چرچيل را به شهر فرستادم. مأموريت اولی آن بود که نظارت در ورود متحصنيں نماید و مأموريت شخص ثانی آنکه از اتفاقات اطلاع حاصل نموده راپورت آنها را برای هن بفرستد. به هر دو نفر گفته شد اگر ممکن بشود نزد سپهدار و سردار اسعد رفته و لزوم نگاهداری نظم را به آنها خاطرنشان نمایند.

چيزی که بتوسط تلفون پيش از قطع سيم آن به من رسيد اطلاع مى داد که ملتیان شهر را تصرف نموده و نظم بخوبی برقرار است. بعد معلوم شد که اين مطلب صحیح نبوده فقط قسمتی از شهر در تصرف آنها است و در نقاط دیگر شهر جنگ در کوچه ها شدت دارد.

چندی بعد مسيو چرچيل و مسيو اورنو را که مسيو سابلین به شهر فرستاده بود راپورت دادند که سپهدار و سردار اسعد اطمینان کاملی از بابت امنیت متعلقات اتباع خارجه که در تصرف ملتیان است به آنها داده اند. در تمام مدت جنگ البته خطر خوردن تیره است ولی آنقدری که من اطلاع دارم فقط يك نفر خارجه آنهم اطريشی تير خورده و زخم او هم خيلي جزئی بوده است.

ملتیان ابداً غارت نمی کردند ولی سوارهای غیر منظم شاه يك خانه انگلیسی را بکلی غارت کردند و فقط همین سوارها بودند که مرتكب چیاول می شدند.

به اين ترتيب اطمینانی که از طرف رؤسای ملتیان به نمایندگان سفارتین داده شده بود بموقع ثبوت رسید. بعد از اينکه جنگ در شهر شروع شد راپورت به من رسيد که شاه خيال توب بستن طهران را دارد: مسيو سابلین و من متفق شديم که متعددآ در اين خصوص به شاه پروتست نمایيم. من سوادی از مضمون آن پروتست نوشتم و بعد با تفايق پاکتنيس نموديم. در اين ضمن اطمینان خصوصی از طرف شاه به همکار روس من داده شد که شهر را به توب نخواهد بست. ليکن در صبح زود فرداي آن روز ما صدای توب را از طرف قصر قجر شنيديم و معلوم شد که شاه نقض قول کرده است.

چند ساعت بعد اعليحضرت شاه پيغام به ما فرستاد که خيال داشته است قبل از توب

بستن به شهر ۲۴ ساعت به اتباع خارجه وقت بدهد برای اینکه از شهر خارج بشوند ولی چون رولوسيونرها به عمارت او حمله آورند لهذا مجبور شد که فوراً شروع به بمباردها نماید.

من و همکار روس من فوراً به سلطنت آباد رفته و استدعا از شاه نمودیم که دست نگاه داشته و اعلان متارکه بدهد تا اینکه شروع به مذاکرات شود. در جواب شاه شروع به شکایت نمود از اینکه ما مکرر دست او را بسته و نگذاشتیم که به رولوسيونرها حمله بیاورد. آنها حالا به طهران وارد شدند و حمله به عمارت او می‌آورند و گفت آیا شما در این موقع هم می‌گوئید که من آنچه از دستم برمی‌آید نکنم؟ و بالاخره شاه اظهار نمود که او فقط در صورتی اعلان متارکه خواهد داد که رولوسيونرها ترک اسلحه نمایند. جز برای خلاصی تبریز ما در موقع دیگر ممانعت از شاه ننمودیم که اقدامی برای دفع رولوسيونرها بنماید ولی هن مباحثه در این مطلب را لازم نمی‌دانستم و فقط به شاه خاطر نشان نمودم که کار سفارتین از وقتی که او مشروطه را برقرار ساخته جز صلح دادن طرفین نبویه است. بدختانه رولوسيونرها نصیحت ما را قبول ننموده‌اند. حالا باید که رفع غائله بشود و به عقیده ما فقط امیدواری همان اعلان متارکه از طرف آن اعیان‌حضرت است. شاه گفت این ممکن نیست چون او نمی‌تواند با قشون خود که اتصالاً دچار حملات هستند مذاکره نماید.

در اینصورت ناچار باید اول رولوسيونرها ترک سلاح نمایند. ما جواب دادیم بی‌فایده است انتظار اینکه فاتح راضی به این اقدام شود ولی اگر آن اعیان‌حضرت اعلان متارکه برای مذاکرات بدهد ما گمان می‌کنیم که بتوانیم این پیغام را هم به قشون دولتی و هم به رولوسيونرها برسانیم. شاه ابدآ قبول این مطلب ننموده و دو مرتبه اظهار داشت که رولوسيونرها باید اول تسلیم بشوند.

در موقع خارج شدن از سلطنت آباد ما سعدالدوله را ملاقات نمودیم و بعد از اینکه او از حاصل نشدن نتیجه از این ملاقات اطلاع یافت از ما خواهش نمود که نتیجه این ملاقات را به سپهبدار و سردار اسعد اطلاع ندهیم تا اینکه او اعیان‌حضرت شاه را ملاقات نماید.

مستر چرچیل و هسپو بارنوسکی که از صبح زود آن روز بنا به خواهش شاه بطرف شهر رفته بودند تا شاید بتوانند ملتیان را وادار به مذاکره نمایند مجبور شدند بواسطه جنگ سختی که در این موقع در کار بود مراجعت کنند.

نتیجه ملاقات سعدالدوله با شاه این شد که تشکیل یک هیئتی برای مذاکره با ملتیان داده شود ولی اشکال اول این بود که بعضی از اعضاء قبول این مأموریت رانمی نمودند. بعد از اینکه بالاخره این هیئت تشکیل یافت بدوانستند که داخل شهر شوند. دو روز بعد وقتی آنها توانستند داخل شهر بشوند که شاه به سفارت روس متخصص گردیده و کولونل لیاخف تسلیم شده بود.

چند ساعت بعد از ملاقات ما با شاه اخبار شیوع پیدا نمود که کولونل لیاخف که مشغول دفاع قزاقخانه بود نمی‌تواند بیش از این دفاع از آنجا نماید. همکار روس من امیدوار

بود که قبل از اینکه کولونل لیاخف تسليم بشود شاه متحصن گردید که در آن صورت مأموریت کولونل لیاخف به این عمل تمام شده و پیش از آنکه او مجبور تسليم واقعی گردد بتواند با رئسای ملتیان قراری در کار خود بدهد. و در واقع وقتی که من همیو سابلین را در عصر ملاقات نمودم گمان می‌کرد که شاه در همین شب متحصن خواهد شد. مشارالیه به من گفت که او همیو اورنو را برای گفتگوی در تسليم کولونل لیاخف نزد سرداران فرستاده است. همیو اورنو به بهارستان که مرکز ملتیان بود رفت و خواهش از سرداران نمود که از حمله به قزاقخانه دست نگاه دارند و از آنها سؤال نمود که در صورتی که قزاق و صاحب منصبان آنها ترک اسلحه نمایند در حق آنها چه رفتار خواهد شد. آیا اجازه داده خواهد شد که باز هم در خدمت دولت آینده ایران باشند؟ و آیا رئسای ملتیان می‌توانند تا آن اندازه که ممکن است ضمانت امنیت آنها را بنمایند؟ به این سؤالات سرداران جواب دادند که ملتیان همیشه مشغول دفاع از خود بودند و بعد از اینکه صاحب منصبان و تابیین بریگاد قزاق اسلحه خود را تسليم نمایند دیگر برای ملتیان لازم نخواهد بود که دفاع از خود نمایند. قزاقها آزاد خواهند بود یا به منزلهای خود بروند و یا اینکه در قزاقخانه بمانند و بعلاوه سرداران اظهار نمودند که دولت مشروطه قشون منظم را لازم خواهد شد و بعد از اینکه اسلحه خود را نگاه خواهند داشت و مثل سابق و واجب به آنها داده خواهد شد و بعد از اینکه اسلحه خود را تسليم نمودند تا آنقدری که ممکن است امنیت آنها حمایت می‌شود. همیو اورنو با این جواب به زرگنده مراجعت نمود ولی بواسطه بمباردها از قصر قجر نتوانست روز بعد که ۱۵ بود برای اتمام مذاکرات به طهران برسد و جنگ در قسمتی از نقاط شهر مداومت داشت.

همیو سابلین از این ترتیبی که ملتیان نسبت به بریگاد قزاق اظهار داشته بودند راضی نشده ما قراردادیم مستر چرچیل و بارنوسکی در صبح زود فردای آن روز که ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] باشد خود را هر طور است به بهارستان رسانیده و سعی نمایند که قول کتبی صحیحی تحصیل نمایند.

مقارن با حرکت آنها شاه با خانواده خود و عدهای از اتباع او که نایب السلطنه، امیر بهادر جنگ، مفاخر الملک، مجلل السلطنه داخل آنها بودند به سفارت روس متحصن شدند. ما فوراً سپهبدار و سردار اسعد را از این مطلب بتوسط تلگراف مطلع ساخته و سعی نمودیم که این فقره هر قدر بیشتر ممکن است انتشار یابد. در این موقع مأموریت کولونل لیاخف دیگر تمام شد و می‌توانست با افتخار تسليم شود.

همیو چرچیل و بارنوسکی موفق شدند که خود را به بهارستان رسانیده و از رئسای ملتیان یک سند کتبی تحصیل نمایند. که صاحب منصبان روسی و بریگاد قزاق عجالتاً مثل سبق در تحت فرمان وزیر جنگ مشغول خدمت به دولت جدید باشند.

مستر چرچیل و بارنوسکی کولونل لیاخف را از این نوشته مطلع ساخته و از او تقاضا نمودند که به بانک شاهنشاهی رفته یک نفر از رئسای بختیاری به آن نقطه فرستاده خواهد شد که او را همراهی تا بهارستان نماید. بانک برای این کار نقطه مناسبی بود به جهت آنکه مابین محل نو دسته مخالف واقع شده بود.

کولونل لیاخف با مستحفظین فراز به بانک رفت و بعد از اینکه یوسفخان، برادر سردار اسعد هم به آن نقطه وارد گردید کولونل لیاخف با او در یک کالسکه نشسته بهمراهی بختیاری و فداییها و دو ترجمان سفارتین به بهارستان رفته خود و بریگاد فراز را به خدمت دولت جدید واگذار نمود.

این مطلب قابل ذکر است که در تمام طول راه تا بهارستان مردم فریاد تمجید به او می نمودند. تا مدتی در بعضی نقاط شهر تیر انداخته می شد ولی تا شب شهر کاملا خاموش گردید.

مجلسی از رؤسای ملتیان که اسم آن را مجلس عالی فوق العاده گذارده بودند عصر در بهارستان تشکیل یافت. این مجلس مصمم اعلام خلع محمد علی و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه به جانشینی او و نیابت سلطنت عضدالملک بطور موقعی گردید. همین مجلس سپهبدار را به وزارت جنگ و سردار اسعد را به وزارت داخله منصوب نمود و بعلاوه یک کمیته ۲۵ نفری از ملتیان مهم [هم؟] برای راهنمایی وزراء انتخاب شدند.

اعلان تغییر سلطنت فوراً منتشر نگردید به جهت اینکه کمیته هایل بود که بدوان محمد علی را بتوسط یک هیئتی از این تغییر مطلع سازد. خیال کمیته در فرستادن این هیئت برای فردای آن روز بود و در صبح فردای آن روز سپهبدار و سردار اسعد تلگرافی به سفارتین فرستاده و از خیال کمیته اطلاع دادند و از ما خواهش کردند که اطلاع از محمد علی میرزا حاصل نماییم که چه وقت هیئت مذکوره را خواهد پذیرفت. همکار روس من این پیغام را به شاه سابق اظهار نمود شاه جواب داد که رفتن من از سلطنت آباد استعفاء است و به این جهت برای من لازم است که پذیرایی از هیئت نمایم. ما این جواب را به رؤسای ملتیان تلگراف نمودیم.

هر چند که در تلگراف سردار آن اسم جانشین شاه برده نشده بود ولی محمد علی اطلاع داشت که ولیعهد انتخاب شده است.

یک صورت خیلی رقت‌انگیزی ظاهر شد وقتی که اعلیحضرت به همکار روس من اظهار نمود که نخواهد گذاشت پسر محظوظ او از پدر و مادر خود جدا شود و تا یک مدتی واقعاً همچو به نظر می‌آمد که او در این خصوص ایستادگی خواهد کرد.

مادر ولیعهد که گاهی بزدیک در پیدا می‌شد از غصه بکلی از خود رفته بود. بالاخره شاه از مسیو سابلین تقاضا نمود که یکی از این دو قسم را با رؤسای ملتیان قرار بگذارد. ۱) اینکه اگر ولیعهد را به تخت خواهند نشانید اجازه به او داده شود چند وقتی با هادر خود مسافرت نماید.

۲) اینکه اگر ممکن می‌شود پسر دوم را به شاهی انتخاب نمایند.

مسیو سابلین از نزد آن اعلیحضرت خارج شد و بطوری به شاه معلوم نمود که او سعی خواهد کرد رضایت کمیته را به یکی از دو شق تحصیل نماید. ولی بعد از آنکه ما این مطلب را با هم مذاکره گردیم تصور نمودیم که این اقدام اسباب خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود و دلیل بیم ما آن بود که بواسطه تردید محمد علی میرزا در اینکه پسر بزرگ خود را اجازه قبول پادشاهی دهد ممکن است ملتیان موقعي بدست آورده دیگری را برای

این مقام پیدا کنند.

ما حس نمودیم که مسافت و لیعهد را ابدآ قبول نخواهند کرد به جهت اینکه ما اطلاع داشتیم که ملتیان ساعی هستند این طفل را از نزد اشخاصی که فعلا در اطراف او می باشند خارج کنند و ترتیب ثانی را چنانچه ملتیان هم قبول نمایند ممکن است خود و لیعهد بعدها از اقدام پدر خود متأسف شده و در آنصورت شاید در چندین سال دیگر به ادعای تاج و تخت خود برخیزد.

باين جهت ما هضم شدیم که این پیشنهادهای محمد علی را مطرح مذاکره قرار ندهیم و زود معلوم گردید که ما خوب شد این اقدام را نکردیم به جهت اینکه شاه چندی نگذشت که به مسیو سابلین اطلاع ناد که بهیچوجه در این خصوص اقدامی ننماید که احتمال خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود.

اعلان تغییر سلطنت در عصر آن روز انتشار یافت و اطلاع رسمی در روز بعد که ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۲] باشد به سفارتین داده شد. سوادی از هردو اعلان لفا فرستاده شد، ملاحظه خواهید نمود که در مراسله سفارت نوشته شده است که محمد علی خلع گردید در صورتی که در اعلان اظهار شده است که محمد علی به میل خود استعفاء کرد.

در همان روز که ۱۸ ماه باشد شاه کوچک از سفارت روس خارج شد و با همراهی مستحفظین سفارتین به سلطنت آباد حرکت نمود و در آنجا پذیرائی از هیئت مجلس عالی نموده و به او رسمآ اعلان شد که به مقام شاهی رسیده است.

وقایع این مجلس رسمی را که به قلم ماژور استوکس نگاشته شده در صورتی که شخصاً حضور داشته است لفا ارسال می دارم.

سه روز بعد که ۲۱ ماه باشد همکار روس من و من رسمآ به وزارت خارجه اطلاع دادیم که دولتین سلطان احمد را به شاهی ایران خواهند شناخت.

پیش از اتمام این مراسله من مایلم که اظهار رضایت خود را از خدماتی که ماژور استوکس و مستر چرچیل و ماژور اوکونر (قنسول اعلیحضرتی مقیم سیستان که در این موقع در طهران بود و خود را برای خدمات حاضر نمود) در این اغتشاش اخیر کرده اند بنمایم. هر سه این اشخاص کارهای خیلی مغاید در شهر نمودند در صورتی که خطر زیادی محتمل بود. همچنین من مایلم که ذکری از خدمات دکتر اسکات (اجزاء کمپانی هند واروپ) بنمایم. بواسطه واقع شدن خانه او در محلی که متصل تیر به آنجا انداخته می شد، به سفارت آمده و در آنجا خدمت خوبی به زخم خوردگان که به سفارت آورده بودند نمود. من اجازه به دکتر نلیکان ندادم که به کمک دکتر اسکات برود زیرا که دخول به سفارت خیلی خطرناک بود و من مایل نبودم که کسی بی فایده مورد خطر واقع گردد. بهمین جهت دکتر اسکات بستهایی کار می نمود. بالاخره من مایلم که تذکاری از عقل و آرایی اتباع انگلیس بنمایم در صورتی که چندین خانه اتباع انگلیس در معراج جنگ واقع شده بود و خسارت فوق العاده به آنها وارد آمد مع ذلك در این مدت سه روز جنگ یک خبر وجب نگرانی از اتباع

انگلیس به من را پورت داده نشد.

امضاء بارگلی

www.adabestanekeave.com

ضمیمه ۱ در تصریح ۱۹۹

یادداشت هستر چرچیل مورخه ۱۶ ماه ژویه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در ۹ ماه ژویه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] سپهبدار با ۱۰۰۰ نفر تمام از کرج بطرف جنوب شرقی که رباط کریم باشد حرکت نمود. در آن نقطه سردار اسعد را که با ۱۰۰۰ نفر بختیاری اردو زده بود ملاقات کرد. امیر مفخم که یکی از رؤسای بختیاریهای طرفدار شاه بود با ۲۰۰ نفر در همان موقع برای مصادف سپهبدار پیش آمد. صبح زود روز این قشون مختلط سپهبدار که مرکب از فرقا زی و ایرانی بود (من اینها را بواسطه نبودن اسم بهتری فدایی می نامم) با بختیاریهای امیر مفخم مصادف شده بودند و گمان کردند که ایشان بختیاریهای سردار اسعد هستند. این بختیاریهای دولتی که بیرق قرمز ملتیان را همراه داشتند سعی نمودند که فداییها را گول زده و آنها را مجبور به خلع سلاح نمایند ولی این خدعة آنها فوراً معلوم گردید. جنگ سختی در گرفت و دولتیان عقب نشستند. در عصر همان روز سردار اسعد به آن نقطه وارد گردید. فداییان گمان کردند که آنها همان بختیاریهای دولتی هستند و شروع به تیر انداختن بطرف آنها نمودند ۵ نفر از آنها را مقتول و عده زیادی را هم مجروح کردند. اشتباه زود معلوم گردید و دو قشون ملی در بادامک ملاقات نموده و در روز ۱۱ و ۱۲ [۲۰ و ۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ و ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] ایشان با حملات پی در پی قشون دولتی را که مرکب بود از ۴۰۰ نفر قزاق در تحت فرمان کاپیتن زپولسکی با عده‌ای از سوارهای غیر منظم شاه و بختیاریهای دولتیان و چندین عزاده توب پس نشاندند و با وجود شلیک توب سختی که از طرف دولتیها به ایشان می‌شدن نقاط خود را بخوبی نگاه داشتند. در شب ۱۲ ماه ژویه [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی را مایین قزاقها و سوارهای شاه که در شاه‌آباد و احمد‌آباد و یافت‌آباد گذاشته شده بودند گذشتند و توanstند که بی‌خبر قشون دولتی عبور نمایند و در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی از دروازه یوسف‌آباد که در شمال شهر واقع است وارد طهران شدند.

آنها به ردیف سه نفری از سفارت انگلیس گذشتند و بعد به سه دسته قسمت شده و بطرف بهارستان رفته بدون هیچ مصادمه به آنجا رسیدند. از سربازانی که در قراولخانه‌ها بودند بی‌اشکال خلع سلاح نمودند اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس سه نفر کشته شدند.

سربازانی که قراول میدان توپخانه بودند تیر بطرف دستهٔ فداییان که از سفارت انگلیس بطرف میدان می‌رفتند انداختند و دروازه‌های میدان را هم فوراً بستند. بختیاریها سه دروازه شمالی و سه دروازه غربی شهر را تصرف نمودند ولی سه دروازه شرقی شهر در دست قزاقها ماند.

در صبح همان روز کاپیتن زپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق از یکی از دروازه‌ها داخل شهر شد و خود را به کولونل لیاخف که در تمام این مدت در قزاقخانه با ۴۰۰ نفر قزاق بود ملحق ساخت. مابقی قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند در تحت ریاست کاپیتن پریبینوزف در سلطنت آباد پیش شاه بودند.

بعلاوهٔ قزاقها ۲۰۰۰ نفر قشون دیگر که در تحت ریاست امیر بهادر بود ابدأً داخل جنگ نشده و نزد شاه بودند.

در تمام مدت این سه روز جنگ ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج - ۱۳۲۷] قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و ۳۰۰ نفر قشون غیرمنظم شاه میدان توپخانه را در دست داشتند و قشون عمدۀ سپهدار و سردار اسعد مابقی شهر را متصرف بودند و مرکز آنها در بهارستان بود. در صورتی که یک دستهٔ فداییان از جان گذشته متدرجاً هرچه ممکن بود نزدیک قزاقخانه آمده و وزیر خود را با اثر زیاد بکار می‌بردند و در شب هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه شاه اظهار نمود که خیال دارد با تمام قوای خود حمله به شهر بیاورد و اگر موقیت حاصل نکرد متحصن به سفارت روس خواهد گردید. این حمله مبدل به شکست شد به این شکل که کاپیتن پریبینوزف از تپه‌های قصر قجر محلۀ بهارستان را بتوب بست و با کملک توب عده‌ای از سوارهای غیرمنظم شاه یورش به دروازه دوشان تپه آوردند ولی بختیاریها طوری مدخل دروازه را حفظ کردند که سوارهای شاه با کمال بی‌نظمی فرار نمودند در صورتی که بمباردمان هم ابدأً اثری نبخشید. در همان موقع کولونل لیاخف سعی نمود که بهارستان را به توب بینند و لی درجه‌بندی توپچیان بایستی خیلی ناصحیح بوده باشد که چندین گله‌های در بالای بانک شاهنشاهی ترکید و یک گله‌ای اطاقی را که من در آن بودم سوراخ کرده داخل شد بدون آنکه خرابی زیادی وارد آورد.

من شب را در بانک شاهنشاهی بسر بردم و از روی تجربه دانستم که بمب‌انداختن فداییها در شب هنگامی که آنها بنزدیک نقاط دولتیان رفته و بمب می‌انداختند چگونه طرف مقابل را مرعوب و ضایع می‌ساخت.

جنگ سختی در نزدیکی خانهٔ مستر باکر واقع شد (که خسارت فوق العاده بواسطه گله‌های توب به آنجا رسید) در این حمله فداییها خانه‌ها را تصرف کرده بودند و به نزدیکی قزاقخانه حمله می‌آوردند.

برای کسی که در طهران بود و اوضاع را مشاهده می‌نمود خوب واضح می‌گردید که برای قشون شاه اگرچه ممکن بود بواسطهٔ زد و خورد مختصراً جنگ را طولانی نمایند ولی غیرممکن بود که ملتیان را از نقاط خود خارج سازند در صورتی که عدهٔ کثیری از طرفداران شهری هم به ملتیان ملحق شده بودند ولی صاحب‌منصب ایرانی باز هم به شاه اطمینان می‌دادند که فتح با او خواهد بود و بهمین جهت روز بعد که ۱۵ باشد سوارهای شاه مجدداً سعی نمودند که هجوم به دروازه‌ها بیاورند اما قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر حمله‌ای دولتیان می‌نمودند فداییان آنان را با خسارت فوق العاده پس می‌نشانندند.

در همان روز عده‌ای از بختیاریهای دولتی خواستند خود را به یک خانه‌ای که نزدیک

سفارت انگلیس بود بر ساخته. جنگ سختی مایین آنها و فداییها در گرفت. رئیس غلام‌های سفارتی که در دم درب معمولی سفارت ایستاده بود تیری به رانش خورد ولی خوشبختانه زخم خطرناک نیست و رو به بهبودی است.

تقریباً ۱۵۰ نفر از ارامنه که در این محله سکنا دارند چون خود را در معرض خطر بیدند به سفارت متخصص شدند.

ماژور استوکس و ماژور اوکونر (قنسول اعلیٰ حضرتی هقیم سیستان) که از راه طهران می‌خواست به مأموریت خود بروید) مأمور نظم در سفارت شده بودند. دکتر اسکات و مستر باکالی با عیال و اطفال خود به سفارت آمدند چون خانه‌های ایشان در محل دعوا واقع شده بود و برای آنها تا یک اندازه احتمال خطر می‌رفت.

مقتولین و مجرو حبین این نقطه شهر زیاد بودند و مجرو حبین را متصل به سفارت می‌آوردند و دکتر اسکات هریضخانه موقتی در سفارت ترتیب داده بود. من در ۱۵ ماه به آنجا رفته و در آنوقت ۱۰ نفر تحت معالجه بودند ولی روز بعد عده ایشان به ۱۵ نفر رسید و بعضی از آنها هم در این بین مردند. زخم بعضی از آنها خیلی سخت بود و من می‌توانم بگویم آن طرز شایسته‌ای که دکتر اسکات به این مجرو حبین رسیدگی می‌کرد و بتنهایی هر قدر برای او ممکن بود درد و الم آن بیچارگان را تخفیف می‌داد زیاده از حد قابل تمجید است. در ۱۵ ماه چند گلوله توب بیرون باع سفارت ترکید و یکی از آنها در خود باع افتاد ولی نترکید. خسارت به عمارت سفارتی وارد نیامده است. در ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه به سفارت روس متخصص شد و جنگ خاتمه پذیرفت.

من هایلیم این مطلب را اظهار دارم که در تمام مدت این سه روز جنگ عموم اتباع انگلیس در طهران آرامی فوق العاده‌ای از خود بروز دادند. اجزاع بانک شاهنشاهی و اداره تلگرافخانه هند و اروپ و همچنین کمپانی هند و اروپ تمام در شهر بودند و اغلب آنها مثل همیشه به اداره خود می‌رفتند. با وجودی که در آن محلات جنگ بود ولی من از هیچ‌کدام آنها یک کلمه شکایت نشنیدم.

خبرنگاران جراید مستر فریزر مخبر «تايمز» و ملونی مخبر «رويتر» در تمام این مدت در شهر بودند حتی در سنگرهای هم رفته و جنگ را تماشا می‌کردند. من می‌توانم این عقیده ثابت خود را اظهار بدارم که در هیچ وقت هیچ خارجه‌ای در هر چیزی اتفاق نگرددیم است بغير از امکان خوردن تیر هوائی که آنهم با احتیاط معموله خوف مخاطره نبود.

فداییها و بختیاریها احترام فوق العاده از خارجه می‌نمایند. وقتی که من از بازیک به سفارت می‌رفتم یک طرف راه را دولتیان و یک طرف آن را ملتیان در دست داشتم و ابدآ احتمال خطر برای هن نمی‌رفت. در سه موقع که من به بهارستان رفتم خیلی سلوک محترمانه از طرف ملتیان مشاهده نمودم. جمعیتی که در درب مجلس جمع شده بودند همیشه «هورا» برای غلام و سوارهای سفارت می‌کشیدند.

ضمیمه ۳ در نمره ۱۹۹
اعلامنامه

چون اوضاع مملکت ایران نشان می‌دهد که استقرار نظم و امنیت مملکت و برقراری حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت ممکن نبود و چون شاه سابق از تغیر ملت نسبت به خود کاملاً آگاه بود به این جهت در سفارت روس در تحت حمایت انگلیس و روس متخصص گردیده و به میل خود از تاج و تخت ایران استعفاء نموده است.
لهذا در نبودن سنا و مجلس شورای ملی نظر به لزوم موقع مجلس فوق العادة عالی در جمعه ۲۷ جمادی‌الآخره ۱۳۲۷ (۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹) [۲۵ تیر ۱۲۸۸] در عمارت بهارستان طهران تشکیل یافت. اعلیحضرت همایونی (سلطان احمد میرزا) ولی‌عهد ایران به شاهنشاهی ایران انتخاب گردیده است.

عجالتاً نیابت سلطنت به جناب عضد‌الملک واگذار شده تا اینکه بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون مشروطه راجع به نیابت سلطنت و بر حسب مقتضیات وقت ترتیب قطعی داده شود.

امضاء سپهبدار اعظم وزیر جنگ
علیقلی وزیر داخله

www.adabestane-kave.com

ضمیمه ۳ در نمره ۱۹۹
اخطار رسمی از طرف دولت ایران

چون اغتشاش ایران و بی‌نظمی ولایات محتاج به تشکیل ادارات دولت بود و در این عقیده تمام ایرانیان متفق بودند و نظر به مقتضیات زمان و اوضاع مملکت و تغیر مردم از محمد علی میرزا ممکن نبود که حقوق و امنیت ملت را بدون تغییر سلطنت تحصیل نمود باین‌جهت در نبودن سنا و مجلس شورا یک مجلس فوق العاده عالی در ۱۶ ماه ژویه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج - ۱۳۲۷] در بهارستان طهران تشکیل یافت. اعضاء این مجلس که رؤسائے مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عدهای از وکلاء سابق هستند به اکثریت آراء مصمم خلع محمد علی میرزا شدند و به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد میرزا را به سلطنت انتخاب و نیابت سلطنت موقتاً به عضد‌الملک داده شد. بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی راجع به نیابت سلطنت داده خواهد شد.

لهذا به موجب این مراسله رسفر به شما اطلاع از خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا بسلطنت ایران می‌دهیم.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۹۹

یادداشت ماژور استوکس در تفصیل پذیرایی نمودن هیئتی از طرف دولت وقتی از سلطان احمد شاه.

بعد از آنکه محمد علی به سفارت روس متحصن گردید و قبول ننمود که پذیرایی نماید از هیئتی که مأمور اعلام جلوس پسر او سلطان احمد به سلطنت ایران بودند در روز ۱۷ ماه ژویه [۲۶ تیر ۱۲۸۸ - ۲۸ ج ۱۳۲۷] سلطان احمد به شاهی ایران اعلان گردید. در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ ماه ژویه هیئتی از طرف دولت جدید در سلطنت آباد منتظر ورود سلطان احمد شاه شدند. هیئت مذکوره مرکب بود از نایب‌السلطنه عضد‌الملک و علماء و اعیان ذیل:

آقای بهبهانی (پسر سید عبدالله مجتبه)

آقای امام‌زاده (پسر مرحوم امام جمعه و برادر امام جمعه حالية طهران)
نظام‌الملک

وثيق‌الدوله (سابقاً ناظر مظفرالدین شاه بود)
عالی‌الدوله
عالی‌الملک.

سلطان احمد شاه با مستحفظین قزاق روس و سوار هندی از سفارت روس در کالسکه حرکت نمود. در کالسکه دوم موافق‌الملک ناظر ولیعهد و ظل‌السلطنه^۱ پسرعموی محمد‌علی و دو نفر شاهزاده قاجار دیگر بودند. مسیو اسمیرنوف که دو سال است معلم شاه جدید است در کالسکه خودش همراه مرکب سلطنتی بود و محض این آمده بود که به مستحفظین بگوید چه موقع مراجعت نمایند.

در ورود به سلطنت آباد مستحفظین مراجعت کردند. اعلی‌حضرت شاه درب عمارت از کالسکه درآمده و بطرف عمارت پیاده حرکت نمود. تقریباً سی ذرع به عمارت مانده عضد‌الملک رئیس ایل قاجار شاه را پذیرایی کرد و با یک طرز خوش و همربانی چند کلمه نطق نموده شاه را به دخول عمارت دعوت نمود.

رفتار شاه جوان خیلی موقرانه بود ولی در اول یک اندازه به نظر عصبانی (نرو) می‌آمد. این هیئت اعلی‌حضرت شاه را در عمارت ملاقات کردند و فقط ایرانی در آنجا اجازه دخول داشت و خطابه ذیل را برای او قرائت نمودند:

به اعلی‌حضرت همایونی سلطان احمد شاه خلد‌الله ملکه و سلطانه
چون سلطان شما والاحضرت شاهزاده محمد علی میرزا از شغل مهم سلطنت به موجب
ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی معاف شده‌اند مجلس فوق‌العاده که در ۲۷ جمادی‌الآخر (۱۶
ژویه) [۲۵ تیر] در عمارت بهارستان منعقد گردید سلطنت را به اعلی‌حضرت همایونی شما
تفویض کرده است. اعلان در این خصوص منتشر و نیابت سلطنت هم موقتاً به جناب
عضد‌الملک واگذار شده است تا اینکه بعد از انعقاد مجلس شورای ملی به موجب ماده ۳۸

^۱) در اصل ظل‌السلطنه. - ۳.

قانون اساسی ترتیب قطعی در این خصوص داده شود.
این ابلاغ را نمایندگان مجلس فوق العاده عالی از طرف مجلس مذکور به پایه سریر اعلیحضرت همایونی شما آوردند و ما که اینجا حاضریم از طرف تمام رعایای شما تبریکات صمیمی خود را تقدیم نموده و از خداوند درخواست می‌نماییم که سلطنت مشروطه اعلیحضرت شما با هر نوع خوشی و آسایش برای ابناء ایران زینت بخش گردد و ترقی و سعادت مملکت در زیر سایه عنایت شما به سرحد ازدیاد و تکمیل برسد.

این پذیرایی بسیار ساده بود و اشخاصی که حضور داشتند هیچیک باللباس رسمی نبودند. رویهم رفته بیش از ۳۰ نفر حضور نداشتند و چنین به نظر رسید که بغیر از دو نفر علماء اشخاصی که انتخاب شده بودند و حضور بهم رسانیدند یا از ایل قاجار یا از درباریان بودند. سرداران ملی و رئسای هلتیان حضور نداشتند. بعد از این مجلس شاه چند روزی در سلطنت آباد اقامت کرده و بعد به طهران عزیمت نمود.

نفره - ۴۰۰

تلگراف سر بار کلی به سر اداره گری مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قله‌ک.

دو مطلب دیگر راجع به حرکت شاه سابق بعلاوه مطالبی که مربوط به مستمری و جواهرات سلطنتی است بتازگی روی داده است: آن دو مطلب یکی قروض شخصی شاه سابق به بانک روس است، دیگری تقصیرات و دعاوی اتباع او است. مطلب آخری در مجلسی که مابین نماینده دولتین و نمایندگان دولت ایران که در ۱۵ و ۱۶ ماه اوت منعقد گردید بالآخره تسویه شد. مطلب اول را نمایندگان دولت ایران باینطور قبول نمودند که اعلیحضرت شاه تمام املاک خود را به دولت ایران واگذار نماید و در عوض دولت ایران جزئی اضافه برمستمری او نموده و قروض او را هم به بانک استقراضی قبول نماید. بدینختانه اشکالی روی داده است که ما مجبور به خواستن دستورالعمل از دولتین خود شده‌ایم و من و همکار روس من با نمایندگان دولت ایران قرار گذاشتیم که حرکت شاه سابق وقتاً به عهده تعویق بماند.

دولت ایران از ما تقاضا نموده است که ما قراردادی بنماییم که هرگاه به دولتین ثابت شود که شاه هنفی [= مستعفی؟] مشغول تحریکات در ایران است دولت ایران از اداء مستمری او معاف باشد.

طبیعی است که دولت ایران سعی می‌نماید که جلوگیری از این قبیل احتمالات بشود ولی مسئله امر مشکلی است و من گمان نمی‌کنم که دولت روسیه این پیشنهاد را قبول بنماید زیرا اولاً ممکن است به این ترتیب مستمری شاه سابق قطع گردد و دولت روسیه مجبور به نگاهداری از او بشود. بعلاوه این مطلب ممکن است به عدم خلوص نیت روسیه تعبیر گردد.

نمره - ۴۰۱

هراسله سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ اهرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰] از وزارت خارجه لندن.
آقا

سفیر ایران امروز از من ملاقات کرد و از احساساتی که در ایران بواسطه مداومت توقف قشون روس در مملکت و مخصوصاً در قزوین ظهور بهم رسانیده است بیان نمود و شکایت کرد که قشون روس در قزوین مورد سوء ظن واقع شده‌اند از اینکه شاید بطرف طهران حرکت کنند. و این سوء ظن بواسطه اردو زین آنها در ۸ میلی خارج قزوین بطرف طهران است در صورتی که اگر مقصود حفظ الصحیح باشد ممکن بود که قشون اردوی خود را در ۸ میلی از قزوین بسمت رشت قرار دهند.

من به سفیر ایران گفتم که این مسائل کاری است که باید بین دولت ایران و دولت روسیه مذکور شود ولی همینقدر می‌توانم بگویم که وقتی مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اینجا بود اظهار میل در خارج کردن قشون روس از قزوین می‌نمود و توضیح داد که اشکال اقدام به این کار این است که هیچ‌کس هنوز هم مطمئن از استقرار نظم ثابتی نیست و مشارالیه گمان می‌نمود که خیلی کار بدی خواهد شد بعد از آنکه قشون خارج شدند ثانیاً مجبور به عودت نادن آنها بشویم و نمی‌خواست چنین اتفاقی روی دهد. با وجود آنکه خیلی از اتباع روس در ایران اظهار خوف کرده‌اند و اصرار نمودند که قشون روس به طهران فرستاده شود ولی دولت روس انتنائی نکرده است و خودداری آن دولت به موقع ثبوت رسیده است. باز هم در ایران بی‌نظمی بسیار است، مثلاً شکایات زیاد از ناامنی راههای جنوب و خساراتی که به تجارت انگلیس وارد می‌شود به من می‌رسد. اگر به همین قسم شکایات از شمال ایران برای روسیه برسد خیلی برای او مشکل خواهد بود که قشون خود را خارج نماید.

من به سفیر ایران گفتم که دولت متبعه او خوب است اقدامات لازمه را با دولت روس مذکور نماید هرچند محتمل است که دولت روسیه بعد از این اغتشاشاتی که روی داده است مایل به اقدام در این خصوص نباشد تا آنکه مسیو پاکلاؤسکی [پاکلاؤسکی] بعداز رسیدن بطهران راپورتی از اوضاع بدهد.

سفیر ایران اهمیت زیاد به انتظام کاملی که در طهران و قزوین برقرار است می‌داد. من گفتم که اگر اوضاع سابقه هم بطور حالیه بود هیچوقت دولت روسیه قشون نمی‌فرستاد ولی چون قشون فرستاده شده است و آنها هم در آن نقطه هستند دولت روسیه ملاحظه از خارج کردن آنها دارد تا آنکه مطمئن شود که اوضاع همینطور رو به بہبودی خواهد رفت.
ادوارد گری
امضاء

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
اگر شما ایرادی نمی‌بینید ایستادگی کنید که گرفتن راهداری فوراً برداشته شود
(مراجعه کنید به مراسله ۱۸ ماه گذشته ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر).
من اقدامی نخواهم کرد تا اینکه اطلاعی از مذاکرات شما با ژنرال قنسول حاصل
نمایم ولی اتمام این مسئله اهمیت فوق العاده دارد.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ اوت ۱۹۰۰ [۱۶ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
محمد علی میرزا قبول نمی‌کند که املاک خود را به ترتیبی که در تلگراف سابق ذکر
شد واگذار نماید. هفاد آن ترتیب محملاً از اینقرار است:
دولت ایران قروض او را که تقریباً ۱۴۰۰۰۰ تومن از قرار فرع صد ۱۲ است به عهده
خود می‌گیرد و مستمری او را ۹۰۰۰ تومن در سال قرار می‌دهد. اعلیحضرت در عوض
املاک خود را که عائدی آن از ۵۰ الی صد هزار تومن تخمین شده است به دولت ایران
واگذار می‌نماید.

از نقطه نظر مالیه این ترتیب خیلی به حال شاه سابق مفید خواهد بود و چیزی که
دولت ایران را مجبور به قبول این ترتیب نمود اولاً ترس اینکه شاید شاه سابق بواسطه
املاک خود تحریکات در ایران بنماید، ثانیاً احتراز از آنکه املاک به دست خارجه بیفتند.
به این ترتیب منافع مشروع شاه سابق محفوظ مانده و در عوض این ضرر مالی منافع
سیاسی زیادی به دولت ایران رسیده است. بانک روس هم صرفه برده است برای اینکه
دولت ایران ضمانت قرضی را نموده است که رهن آن آنقدری که به نظر می‌آید کفايت
فرع آن را نمی‌داند، و بعلاوه از زحماتی که این نوع ضمانتها حتماً دارا خواهد بود
راحت شده‌اند.

اعلیحضرت باز هم قبول نمی‌کند در صورتی که ما سعی کرده و به او حالی نمودیم
که این ترتیب شخصاً به حال او مفید خواهد بود.

همکار روس من و من امیدواریم که از دولتين متیوعتین خودمان برای ما دستور العمل
برسد که ما اعلیحضرت را مجبور به قبول بنماییم مسیو سابلین هم که کاملاً موافقت با
این عقیده ما دارد تلگراف به پطرزبورغ نموده و اجازه برای این اقدام خواسته است.
باید به اعلیحضرت یادآوری شود که حمایت متحداهای که به ایشان کرده شده است
راجع به شخص او بوده و به این جهت ما می‌توانیم به او بفهمانیم که اگر باز هم این ترتیب
را قبول نکند نه فقط از اضافه مستمری محروم خواهد بود بلکه اگر دولت ایران خود را
مسئل قروض او به بانک روس نماید همینطوری که دولت ایران الان هم با بعضی شرایط

مايل است اجازه به دولت ايران داده خواهد شد که املاک او را توقيف نماید بدون اينکه از طرف سفارتین پروتست بشود.

نمره - ۴۰۴

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۱۹ آوت ۱۹۰۰ [۲۷ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

دولت اعليحضرتی کاملاً شريک عقیده سر بارکلی است که در تلگراف ۱۸ ماه خود درخصوص املاک شاه سابق اشعار داشته بود.

شما خوب است اين مطلب را به دولت روسیه اطلاع داده و تقاضا نمایند که به شارژ دافر خودشان اجازه بدنهند متعدد مذاکره‌ای را که در جمله آخر تلگراف مذکور بود به اعليحضرت بنمایند.

نمره - ۴۰۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ماه آوت ۱۹۰۰ [۳۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] از قاهره.

فرمانفرمای جدید مخبر السلطنه به تبریز وارد گردید.

نمره - ۴۰۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ماه آوت ۱۹۰۰ [۳۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از قاهره.

تبریز

کفیل ژنرال قنسولگری اعليحضرتی به من اطلاع داده است که ۳ دسته قشون روس که هر دسته ۸۰ نفر بودند از تبریز به قردااغ رفته‌اند. این استعداد که رئیس اتابه‌ژور و صاحب‌منصبان اتابه‌ژور داخل آن هستند برای حمایت از دهاتی که اقوام رحیم‌خان غارت می‌نمایند عازم شده‌اند. احکام اکیده به صاحب‌منصبان صادر شده است که اسباب هیجان اهالی نشوند و مداخله در کارهای اداری ننمایند.

نمره - ۴۰۷

مراسله سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۳ ماه آوت ۱۹۰۰ [۳۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آقا

مراсалات ۱۲ و ۱۳ ماه گذشته، شما که راپورت حوادث اخیره ایران بود از زمان قبول شاه پروگرام رفورم دولتین انگلیس و روس را تا خلع او، واصل گردید. من اظهار تشکر زیاد خود را از این راپورتهایی که با دقت کامل خوانده‌ام می‌نمایم و بعلاوه رضایت خود را از اعلیٰ مرتبه لیاقتی که شما در تمام این مدت نشان داده‌اید اظهار می‌دارم.

من با امتنان از خدمات شایان آقایان مذکور در مراسله آخری شما اطلاع حاصل نمودم. چون اغلب این اشخاص مستخدم دولت هندوستان هستند من مطلب را به استحضار «ویکنتمورلی بلاکبرن» رسانیدم. حرکات عاقلانه و اطوار مردانه اتباع انگلیس هقیم طهران در این مدت پرزحمت تأثیر زیادی به دولت اعلیٰ حضرتی نموده است.

ادوارد گری

امضاء

نمره - ۳۰۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ اوت ۱۹۰۰ [۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس به من اطلاع داد که به عقیده ژنرال قنسول روس در تبریز املاک شاه سابق در آذربایجان بیش از ۴۰۰۰۰ تومن در سال عائدی ندارد و تسليم نمودن شاه املاک خود را به شروطی که پیشنهاد شده است تسهیل در حرکت او خواهد داد به جهت اینکه ما آنوقت می‌توانیم به دولت ایران اصرار نماییم که ترک بعضی دعاوی متفرقه خود را از قبیل جواهرات، تفنگ، اسب، الاغ و زین و غیره که در صورتی که نزد هافرستاده شده درج است بنماید. ترتیب دیگر غیر از این شکل اینست که اجازه به شارژ دافر روس داده بشود که مسئله قرض بانک روس را برای بعد بگذارد تا در آن قراری داده شود.

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قلهک.

عفو عمومی

(راجع به تلگراف ۱۳ ماه اوت شما)

در جواب یادداشت متحده سفارتین مراسله طولانی و غیرشافی از طرف دولت ایران فرستاده شده است. دولت ایران اظهار می‌دارد که اهمیت عفو عمومی بر آنها واضح است و در موقع اعلان خواهند نمود.

نمره - ۴۱۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

خواهش می‌کنم به تلگراف من مورخه ۲۴ ماه اوت رجوع نمایید.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول تبریز رسیده است:

عائیدی املاک آذربایجان بر حسب تسعیر غله تفاوت پیدا می‌کند. من از منبع وثقی اطلاع حاصل نموده‌ام که در موقع نظم و آسایش عائیدی املاک تخمیناً ۵۰،۰۰۰ تومان است. از این ۵۰،۰۰۰ سی‌هزار تومان جنس و مابقی نقد است. ژنرال قنسول روس اینطور تلگراف می‌نماید قیمت گندم بعد از استقرار مشروطیت به نرخ معمولی برگشت نمود و عایدی شاه از این املاک فقط قسمت اربابی است.

نمره - ۴۱۱

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۶ اوت ۱۹۰۰ [۳ شهریور ۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما خوب است با تفاق همیو سابلین به دولت ایران اصرار در دادن عفو عمومی بکنید (مالحظه نمایید تلگراف دیروز خودتان را).

نمره - ۴۱۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت تلگرافی به من نموده مشعر بر اینکه ظل‌السلطان را خلاص کرده‌اند. مشهور است که شاهزاده ۳۷۰،۰۰۰ تومان به عنوان ضمانت پرداخته است.

نمره - ۴۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

مجلس عالی پسر کوچک محمد علی، محمد حسن میرزا را به ولیعهدی انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۷ آوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

وضعیت تبریز

اعضاء کمیته به من اطلاع دادند که ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی و تقریباً ۱۰۰ نفر سوار بیگر در هفتۀ آتیه برای حکومت به تبریز حرکت خواهند نمود. آنها به من اطمینان دادند که تنخواه لازمه برای فرستادن این قوه داده خواهد شد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۲۷ ماه آوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس راپورتی برای دولت روسیه فرستاده است مشعر بر اینکه دولت ایران حالا راضی شده است که در صورت فوت محمدعلی‌میرزا سالی ۲۰۰۰۰ تومان به خانواده او مستمری بدهد.

کفیل امور وزارت خارجه به مسیو سابلین تلگراف نموده است که دولت روسیه این ترقیب پیشنهاد شده را در تسليم املاک به دولت ایران قبول می‌نماید هشوط براینکه دولت ایران مسائل راجعه به مستمری و غیره را کتبأً قبول نماید.

مسیو سازانوف به من گفت بمحض اینکه دولت ایران قول لازمه بدهد دستور العمل به مسیو سابلین خواهد فرستاد که همانطور که سر بارکلی در تلگراف ۱۸ خود پیشنهاد نموده بود به شاه فشار بیاورد.

www.adabestanekev.com

نمره - ۲۱۶

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۸ ارداد ۱۲۸۸؛ ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که راپورت بدhem امروز صبح در ساعت ۱۱ اعلیحضرت سلطان احمد شاه دفعه اول بود که از سفراء پذیرائی نمود.

نایب السلطنه عضد الملک رئیس محترم ایل قاجار تقریباً ۸۰ سال دارد و با یک طرز هوقرانه از طرف شاه جوان ۱۳ ساله مشغول پذیرایی بود. سفیر آلمان از طرف سفرای بیگر در یک نقط مختصری تبریکات همکارانش را به حضور شاه تقدیم نمود و بعد از طرف امپراتور و دولت آلمان دو مرتبه شاه را تبریک گفت. نایب السلطنه از طرف شاه با چندین الفاظ پسندیده از اظهارات دوستانه ادائی تشکرات صمیمانه نمود و به مقدم السفراء

(دوداین) اطمینان داد که مقصود بزرگ دولت شاه عبارت از دوام و تقویت روابط دوست‌انهای است که خوشبختانه مابین دولت ایران و دول خارجه برقرار است.

بعد نایب‌السلطنه شاه را نزد یک به یک از سفراء برده و آنها نیز اجزاء خود را به شاه معرفی نمودند و از طرف پادشاهان خود جواب احوال‌پرسی رسمی را دادند.

وقتی که نوبت به من رسید موقع را غنیمت شمرده تبریکات صادقانه اعلیحضرت پادشاه و دولت اعلیحضرتی و نایب‌السلطنه هندوستان را تقدیم حضور شاه نمودم. نایب‌السلطنه در جواب از من خواهش نمود که تشکرات صمیمانه شاه را در عوض به اعلیحضرت پادشاه انگلستان تقدیم نمایم و بعلاوه نایب‌السلطنه اظهار نمود که در ۳۰ سال قبل در یکی از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به فرنگ افتخار داشتم که با اعلیحضرت پادشاه انگلیس ملاقات کرده در حضور ملکه «ویکتوریا» معرفی شده‌ام.

بعد در اطاق دیگر دو مرتبه نایب‌السلطنه از سفراء پذیرایی نمود. باید این ملاقات والاحضرت عضدالملک در این سن زیاد و معتاد نبودن به زندگانی رسمی و عدم معاشرت با خارجه خیلی اسباب زحمت ایشان شده باشد با وجود این با یک طرز دربایی ممتاز و شایان دقت نظر از سفراء پذیرایی نمود.

غیبت درباریان عمدۀ که دائمًا در این قسم مجالس حضور داشتند و اسباب کلی اضمحلال سلطنت ظالمانه محمد علی را فراهم نمودند بی‌اندازه در این موقع آشکار بود.

دو نفر رئیس‌ملت که این تغییرات کلی را به ظهور رسانیدند حضور نداشتند.

۴۱۲ - نفره

مراسله سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ ارداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

پس از آنکه ملتیان طهران را تصرف نمودند در واقع زمام دولت به دست کمیته ۲۵ نفری افتاده است که برای راهنمایی وزراء ایشان را مجلس عالی انتخاب نموده است. کابینه تشکیل شده ولی هیچ‌یک از وزراء بدون مشورت کمیته نمی‌تواند در امری اقدام نماید. این کمیته روی هم رفته خوب از عهده اداره امور برآمده است. پس از اختتام جنگ قورآ نظم را برقرار نمودند و تا به حال بغیر از حرکات قشون شاه که متفرق شده‌اند و در بعضی از نقاط اسباب اغتشاش را فراهم می‌نمایند کسی در مقام اغتشاش نیست و نظم برقرار است.

وقت انعقاد مجلس هنوز تعیین نشده ولی کمیته لزوم انعقاد فوری مجلس را بخوبی حس کرده و انتخابات بر وفق قانون جدید در جریان است.

در عموم ولایات تغییر دولت از طرف اهالی بخوبی پذیرفته شده است. عجالتًا دولت نظر به تضییق مالیه نمی‌تواند برای رفع اغتشاش بعضی نقاط اقدامات مجداده نماید ولی بواسطه بعضی تدابیر در شهرهای عمده ایالات اشخاصی را که احتمال

فساد و اغتشاش درباره آنها می‌رفت ساکت نموده و در بعضی مواقع خطرات بزرگ قریب الوقوع را به همین ترتیب رفع کرده است. تعیین حکام ولایات برای دولت مسئله مشکلی شده است و جهت اشکال این است که درمیان اشخاص لایق بندرت کسانی پیدا می‌شوند که عاری از دزدی و تقلب بوده و به درستی و جدیت خدمت نمایند.

عجالتاً آراء به دو طریق تقسیم شده است. بعضیها مایلند که اشخاص قدیم با تجربه را بومرتبه انتخاب نموده و بعضی دیگر گمان می‌کنند اشخاص جدید که سابقاً در کارهای عمده دولتی نبوده معین شوند. اشخاصی که دارای عقیده اولاند دلیل و برهانی که اقامه می‌نمایند این است که تا چندین سال دیگر نظم ولایات را فقط بتوسط نفوذ شخصی می‌توان نگاهداری کرد و اشخاصی که سابقاً متصدی امور مهمه بودند البته نفوذشان زیادتر از کسان جدید خواهد بود و کسانی که دارای عقیده ثانوی هستند می‌گویند که بتوسط اشخاص جدید عادات بد را از قبیل رشوه‌گیری و چیزهای دیگر آسانتر می‌شود رفع کرد و نظر به این اختلاف آراء تعیین حکومت فارس هنوز تعویق افتاده است.

پس از آنکه معلوم شد که قشلاقیها علاوه‌الدوله را نمی‌پذیرند عین‌الدوله را به حکومت فارس تعیین نمودند. لیکن پس از ورود، تقی‌زاده نفوذ خود را فوراً بکار برد و اظهار نمود که عین‌الدوله مجسمه اوضاع سابق است که ما می‌خواهیم آن را اصلاح نماییم. حکومت تبریز هم به همین اشکالات دچار است و ملتیان اصرار دارند که مخبر‌السلطنه را تعیین نمایند هر چند که همکار روس من اظهار عدم رضایت از تعیین او نموده و من هم با او همراهی نمودم ملتیان همان اعتراض که به عین‌الدوله می‌نمایند در حق علاوه‌الدوله هم دارند. ولی در این موقع صلاح دولت ایران این بود که برخلاف میل روسیه حرکت نموده علاوه‌الدوله را به حکومت می‌فرستاد.

دولت ایران در مسئله تعیین حکام به عقیده من بطور عاقلانه رفتار نکرده است. هرچند مسائل دیگر هم هست که اسباب عیجوبی شده است از آنجمله بزور پول گرفتن از بعض مستبدین است که سابقاً متصدی امور بودند و اعدام شیخ فضل‌الله و اشخاص دیگر. من صحیحاً اطلاع ندارم که از کسی جبراً پول گرفته باشند ولی بالفرض هم اگر این مطلب صحیح باشد بطريقی که این اشخاص پول‌ها را جمع نموده‌اند این اقدام در حق آنها ظلم نیست بعلاوه اینکه دولت در این موقع ابداً عائدی ندارد.

نظر به اغتشاش ولایات چیزی از مالیات وصول نمی‌شود و تا مدتی هم نخواهد شد و در واقع بیشتر از مالیات امساله تاکنون خرج شده است و سایر منابع عایدات هم در رهن است.

در ابتداء دولت ۲۰,۰۰۰ تومان باشکال زیاد از تجار داخله قرض کرد و تا به حال آن پول تمام شده است.

دو هفته قبل یکی از اعضای هم کمیته به من اظهار نمود که دولت به یکی از این دو اقدام مصمم شده است: اولی توجیه^۱ اجباری و دومی استقراض از بانک. هشارالیه اظهار

^۱) توجیه - در اینجا به معنی پول (وجه) گرفتن آمده است. -

نمود که برای هر دو این اقدام ممکن است اعتراض بشود. اقدام اول اثر بد خواهد بخشید و وسیله به دست مفسدین خواهد افتاد و اقدام ثانی برخلاف قانون است برای اینکه بدون تصویب مجلس نمی‌توان عقد استقراض را بست.

ازقرار معلوم بعد از این ملاقات دولت مصمم شده است که بطريق اول رفتار نماید و باین ترتیب تا یک مدتی می‌توانند امور دولت را اداره نمایند ولی اغلب اشخاصی که مستحق پول گرفتن می‌باشند در تحت حمایت خارجه هستند و گمان می‌کنم که پیش از انعقاد مجلس دولت مجبور بشود که استقراض نماید.

اشخاصی که اعدام شده‌اند عبارت از مفاخر الملك، صنیع‌حضرت، میر‌هاشم، شیخ‌فضل‌الله، و آجودانیاشی است. اشخاص فوق در محکمة مخصوص که حالاً منحل شده است محاکمه شدند و هرچند راپورت محاکمه آنها که چاپ شده بود کافی نبود لیکن انسان می‌تواند اطمینان نماید که به استثناء آجودانیاشی که تقصیر او فقط عبارت از این بود که در بمباردهان مجلس سال گذشته او اول شخصی بوده که شلیک کرده است سایر اشخاص دیگر مستحق رحم نبوده‌اند.

مفاخر الملك، صنیع‌حضرت، میر‌هاشم، تمامًا متهم به قتل بودند. شیخ‌فضل‌الله مرتكب این جنایت نشده بود ولی یکی از نشمنان بزرگ مشروطیت بود و هرچند که راپورت محاکمه او چاپ نشد ولی گمان می‌شود که برای استقرار محمد علی میرزا مشغول تحریکات بوده است. مخاطرات چنین تحریک پر واضح است.

شیخ‌فضل‌الله برای هملکت خود خطر بزرگی بود خوب شد که ایران او را از میان برداشت.

امضاء بارکلی

نمره - ۳۱۸

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ امرداد ۱۲۸۸ - ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که سوادی از مراسله کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز راجع به عقیده عموم بعد از بهم خوردن دولت شاه سابق و تأثیرات این خبر در اوضاع تبریز را لفآ برای شما ارسال دارم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۳۱۸

مراسله هستر اسمارت کفیل ژنرال قنسول گری تبریز به سر بارکلی مورخه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ [۲۰ امرداد ۱۲۸۸ - ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از تبریز.

آقا

استعفاء محمد علی شاه از طرف عموم طبقات مردم در کمال خوشوقتی پذیرفته شد.

چون مردم آنقدر متفرق و مسلوب‌الاطمینان بودند که ابدآ امید صلح باقی نبود. در ۲۲ ماه زویه اجلال‌الملک کفیل حکومت، مهمانی رسمی به افتخار جلوس سلطان احمد شاه داد و از آن روز به بعد شب و روز مردم مشغول خوشحالی و چراغانی و آتشبازی هستند.

ستارخان و باقرخان که باتفاق محمد علی بیگ ژنرال قسول سابق عثمانی برای تهیه بیرون رفتن از تبریز از ژنرال قسول‌گری عثمانی خارج شده بودند بعد از این واقعه خیالات خود را تغییر داده‌اند.

محمد علی بیگ در ۲۲ این ماه بتهائی حرکت کرد. ستارخان و باقرخان عجالتاً در خانه‌های خود ساکت نشسته و از قرار معلوم خیال خارج شدن ندارند. تمام محترمین ملت به خروج ایشان مایل هستند. خیلی خوب است به یک بهانه و ترتیبی آنان را خارج نمایند. در تبریز عده زیادی از ملتیان معتقد هستند که اگر ستارخان و باقرخان بیرون بروند می‌توانند جلوگیری از اراذل که بیشتر آنها فدائیهای مسلح هستند بنمایند.

عجالتاً بر ضد روسها هیجانی نیست و احتمال هم نمی‌رود که این مخالفت عمومیت پیدا نماید مگر اینکه قشون روس پس از ورود حکومت با استعداد کافی شهر را تخلیه نکنند.

انجمن که در اوائل این ماه انتخاب شده، با کفیل حکومت، شهر را بطور نفاق اداره می‌نمایند ولی حضور قشون روس عجالتاً کافی است که از اغتشاش جلوگیری نماید. تعیین مخبر‌السلطنه به حکومت رضای خاطر عموم را تحصیل کرده است چونکه معروف به کفایت و تجدیپروری است. ظاهراً مخبر‌السلطنه از برلن از راه جلفا مستقیماً به تبریز خواهد آمد و امید است که استعداد کافی از طهران برای او فرستاده شود. البته بدون استعداد نمی‌تواند از فدائیهای تبریز جلوگیری کرده و نظم را در ایالت برقرار نماید.

اووضع ایالت خیلی ناگوار است. باستثناء راه جلفا تمام راهها نامن و شاهسونها تمام عرض راه طهران را از میانه تا حاجی‌آقا چاپیده و اطراف اردبیل را غارت کرده‌اند. محمد قلی خان که یکی از رؤسای شاهسون و قاچاقچی معروفی است از طرف سپه‌دار به حکومت اردبیل منصب گشت و با ایل خود وارد شهر گشته و خیال چپاول داشته است. عده زیادی از مردم با رشید‌الملک حاکم سابق که از طرف محمد علی میرزا منصب بود به قسولخانه روس متحصن شدند و شهر را به تصرف قلی خان دادند ولی ورود صد نفر قزاق روسی عجالتاً از اغتشاش جلوگیری کرده است.

مابین رحیم‌خان و شاهسونها در قردادغ مختصر جنگی روی داد ولی صلح در میان ایشان برقرار گردید.

اسمارت

نمره - ۲۱۹

مراسله سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم سوادی از پروتوكل که در تلگراف پنجم ماه اوت ذکر کرده بودم برای شما بفرستم.

لازم نیست شما را زحمت داده تمام مذاکرات را که نتیجه آن اعضاء این پروتوكل ما است برای شما بنویسم. همینقدر کافی است که در اوایل مذاکرات من و همکار روسم حتی الامکان خود را کنار کشیده و کاز را به عهده نماینده ایران و نماینده شاه سابق و اگذار کردیم که خودشان ترتیب بدھند.

پس از آنکه مذاکرات آنان ابدآ منتج نتیجه‌ای نشد آنوقت ما دخالت نمودیم. اهمیت خارج شدن فوری محمدعلی میرزا بر هیچ‌کس پوشیده نیست و به همین ملاحظه به طرفین اصرار کردیم که ترتیب فوری داده شود.

قسمتی از جواهرات سلطنتی را شاه سابق با اسباب شخصی خود به سفارت روس برد و جز اینکه جواهرات مذکور را جبراً از شاه بگیریم چاره دیگر نبود مگر اینکه به دولت ایران اصرار نماییم که واجب او را زیادتر نمایند. پولی که دولت ایران بدوان پیشنهاد کرده بود عبارت از مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان است. این پول با وجود فقر ایران کم است و بالآخره نتیجه این می‌شود که شاه سابق قهرآ محتاج روسیه شده و دولت روسیه هم قبل قول همراهی داده بود.

در جواب نصایح ما کمیته قبول نمود که در صورت قبول پروتوكل موافق شاهرا [نا] ۷۵۰۰۰ تومان اضافه نماید. از آنطرف شاه سابق به اصرار ما تسلیم شده و چندین جعبه که قسمتی از جواهرات سلطنتی در آن بود برای تفتیش به دولت ایران و اگذار نمود. هنوز نتیجه به ما گفته نشده ولی ها می‌ترسیم که قسمتی از این جواهرات سلطنتی را گرو گذاشته یا فروخته باشد. در این صورت نمایندگان مجبور خواهند شد توضیحات و اسناد جواهرات گروی را از شاه مطالبه نمایند.

من امیدوارم که دولت ایران چون مایل به حرکت فوری شاه سابق است چندان سختگیری نکرده در انجام ترتیبات تأخیر ننمایند.

پیش از اینکه پروتوكل را اعضاء نماییم اصرار خواهیم نمود که وزرای ایران آن را بدوان اعضاء نمایند و برای نیل به این مقصود رفتن محمدعلی را به عنوان گرو نگاه خواهیم داشت. چونکه اگر وزرا این پروتوكل را اعضاء نمایند آنوقت مشکل است که مجلس این ترتیب را بهم بزنند.

مسائل دیگر هم هست که باید ترتیبی به آنها داده بشود از قبیل ادعای شاه سابق از نرسیدن حقوق سالهای گذشته خود و مطالبات باشکها از شاه سابق.

ادعای شاه سابق برای نرسیدن حقوق او در زمانی که بطور استبداد سلطنت می‌نمود از طرف دولت ایران قبول نخواهد شد.

از قراری که می‌گویند شاه سابق ۳ کرور تومان به بانک روسی و ۱۵۰ هزار تومان هم به بانک شاهنشاهی مقروض است. در مقابل مطالبات اولی املاک شخصی خود را گروگذاشته و طلب دومی چون در زمان انعقاد مجلس گذشته بوده است لذا در جزء قروض دولتی حسوب خواهد گردید.

در صورتی که مجلس طلب بانک شاهنشاهی را قبول ننمود ناچار مبلغ فوق را از واجب سالانه شاه کسر خواهد کرد.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۱۹

پروتوکل مورخه ۲۱ ذویه ۱۹۰۹ (۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ رجب).

نظر به فوریت حرکت محمد علی میرزا، شاه سابق ایران که در این موقع در تحت حمایت روس و انگلیس است نمایندگان دولت ایران و نمایندگان سفارتین موافقت می‌نمایند که پروتوکل ذیل را ترتیب بدنهند:

این پروتوکل منوط به تصویب دولت ایران از یک طرف و دونفر نمایندگان دولتین از طرف دیگر است.

ماده ۱) محمد علی میرزا تمام جواهرات و اشیاء دیگر سلطنتی که هنوز هم در تصرف او است به دولت ایران رد خواهد کرد. جواهراتی که باید به دولت ایران رد بشود پس از رسیدگی در حضور نمایندگان دولتین معلوم خواهد شد.

ماده ۲) محمد علی میرزا تمام اسناد راجعه به جواهرات سلطنتی که در بانکها یا محلهای دیگر رهن گذارده و در مقابل پول گرفته است آنها را به دولت ایران رد خواهد کرد. دولت ایران می‌تواند به میل خود آن جواهرات را پول داده و پس بگیرد.

ماده ۳) دولت ایران برای محمد علی میرزا مستمری سالیانه که مبلغ آن ۷۵۰۰۰ تومان است تعیین خواهد نمود که هر شش ماه به شش ماه پیتوسط بانک استقراضی ایران در طهران پیشکی کارسازی دارد.

ماده ۴) پس از آنکه دولت ایران از تمام جواهرات و اشیایی که به تصرف او داده شد صورتی ترتیب داده فهرست ثانوی از اشیاء مفقوده را به سفارتین ارائه خواهد داد سفارتین از محمد علی میرزا توضیحات دقیقه و تمام جزئیات ممکنه را در خصوص همین جواهرات و اشیاء مفقوده خواست و در صورتی که از آن جواهرات و اشیاء در پیش محمد علی میرزا و یا اتباع او که در سفارت روس متخصص هی باشند پیدا بشود و یا اینکه آن توضیحات صحیح نباشد سفارتین هرچه از دستشان برآید مضایقه نخواهد کرد تا آن جواهرات و اشیاء سلطنتی را تحصیل و به دولت ایران تسليم نمایند.

ماده ۵) هر گاه پس از تاریخ این پروتوکل در محضر سفارتین معلوم گردد که محمد علی میرزا جواهر و یا اشیاء سلطنتی را فروخته است پول آن را دولت ایران از مستمری او کسر خواهد نمود. (از تاریخ پروتوکل)^{۱)}

(۱) بهمین گونه است در اصل.

ماده ۶) محمد علی میرزا هرچه زودتر ممکن بشود از طهران به خارجه حرکت خواهد کرد و لی زیاده از ۱۵ روز بعد از تاریخ پروتوكل دیگر در طهران اقامه نخواهد نمود. [حریراً در زرگنده بتاریخ سوم ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷]

اعضاء مجلس فوق العاده

وثوق الدوله

حسینقلی

دکتر ابراهیم

دکتر حکیم‌الملک

اسدالله

مشارالسلطنه کفیل وزارت امور خارجه

موثق الدوله وزیر دربار

چرچیل

بارنوسکی

www.adabestane-kave.com

نمره - ۴۴۰

هراسله سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۳ اوت ۱۹۰۹ [۲۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

افتخار دارم که لفاظ مجملی از حوادث چهار هفتۀ اخیر را بطور معمول تقدیم نمایم.
بارکلی

ضمیمه در نمره ۴۴۰

حوادث اخیره از ۱۹ ژوئن الی ۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد تا ۲۴ امرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ تا ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷]

طهران

کایینه سعدالدوله از ترس خبر ورود قشون ملی اصفهان و قزوین در ۲۴ ماه ژوئن [۳ تیر؛ ۵ ج ۲] استعفاء نمودند ولی نظر به حکم شاه که وقتاً مشغول باشند عجالتاً در سر کار خود هستند.

سفارتین مترجمین خود را نزد وزراء فرستادند که مابین آنها اتفاق را پایدار نمایند چونکه فرمانفرما مخصوصاً بطور دیوانگی رفتار می‌نمود.

ژنرال قنسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان در ۲۶ ماه [۵ تیر، ۷ ج ۲] به قم وارد شدند تا سردار اسعد را وادارند که از پیش آمدن خود صرف نظر نماید. ولی حوادث متعاقبه نشان داد که اقدامات آنها منتج نتیجه نشده است. در ۲۸ ماه قشون سپهبدار که هر کب از مجاهدین قفقازی و ایرانی رشت و قزوین بود به یئنگی امام که در ۴۵ میلی مسافت طهران

واقع است رسیدند. چهار روز قبل هم یک اردوی قزاق در تحت فرمان کاپیتان زاپولسکی به کرج فرستاده شده است.

در اول ماه ژویه [۱۰ تیر؛ ۱۲ ج ۲] سردار اسعد از قم حرکت نمود و این حرکت اسباب تعجب عموم گردید برای آنکه گمان می‌شد اخطارشديد سفارتین او را از حرکت باز خواهد داشت.

در طهران بازارها بسته و عموم به خارج شهر حرکت می‌نمودند. روز بعد نمایندگان روس و انگلیس ملاقات حزن‌آمیزی در سلطنت‌آباد از شاه نمودند و به آن اعیان‌حضرت اظهار داشتند که اگر نصایح دولتین را زودتر قبول می‌کردید کار به اینجا نمی‌کشید با وجود این سعی کامل خواهند نمود که این بحران به صلح و مسالمت خاتمه پذیرد.

در ۳ و ۴ ماه ژویه [۱۲ و ۱۳ تیر؛ ۱۴ و ۱۵ ج ۲] اتفاق مهمی روی داد: سردار اسعد به رباط کریم وارد گردید و به قزاقها فرمان دادند که از کرج عقب نشینند و بهمحل اینکه قزاقها از کرج عقب کشیدند فوراً سپهدار آن نقطه را تصرف نمود. نظر به اینکه قشون ملی سریعاً به نزدیک پایتخت رسیدند نمایندگان مصمم شدند که مطابق دستور العمل دولتین خود بنزد دو نفر رئیس نمایندگان اعزام دارند. لذا مستر چرچیل و رومانوسکی نزد سردار اسعد و هژور استوکس و بارانوسکی به پیش سپهدار فرستاده شد.

ساعت یک بعد از ظهر روز چهارم ماه ژویه [۱۳ تیر؛ ۱۵ ج ۲] نمایندگان حرکت کردند ولی آنها یکه نزد سپهدار می‌رفتند در شاه‌آباد که در پانزده میلی شهر واقع است (و محلی است که قزاقها در آن نقطه اردو نزدیک دیدند که دسته‌ای از قشون سپهدار به قزاقها حمله‌ورند و در این بین قزاقها چند تیری بطرف نمایندگان شلیک کردند. این بود که مجبور شدند از حرکت دست کشیده توقف نمایند).

از قرار معلوم این زد و خورد فقط عبارت از یک نزاع پیش‌کراولی بوده. قزاقها محل خود را نگاه داشته و خسارت کلی به ملتیان وارد آورده و یک عراده توب هم تصرف گردند. نمایندگان پیغام خود را به سردار اسعد و سپهدار اظهار کردند ولی ثمری نبخشید.

در ۶ ماه ژویه [۱۵ تیر؛ ۱۷ ج ۲] سفارت روس به دولت ایران اطلاع داد که قشون روس به قزوین وارد خواهند شد نه برای اینکه در این نزاع داخلی دخالت کرده بلکه حافظت اتباع روس و خارجه را به عهده خواهند گرفت.

در ۹ ماه ژویه [۱۸ تیر؛ ۲۰ ج ۲] سپهدار با هزار نفر از کرج بطرف ریاط کریم حرکت نمود. این قشون از سمت قزاقها که در شاه‌آباد بودند گذشته و از طرف جنوب شرقی به ریاط کریم که سردار اسعد با هزار و دویست نفر بختیاری در آن نقطه بود وارد شدند. با وجود اینکه امیر مفخم اقدامات خادعانه برای حمله به قشون سپهدار نموده بود این دو دسته قشون ملتیان متعدد تا سه روز در آن محل مشغول دفاع بودند. با وجود اینکه بمباردة سختی از طرف قشون دولتی به آنها می‌شد در شب ۱۲ ماه ژویه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] تمام قشون ملتی از میان قزاقها و سایر قشون دولتی بدون اینکه آنها خبردار شوند گذشته و در ساعت ۶ صبح روز ۱۳ ماه ژویه [۲۲ تیر؛ ۲۴ ج ۲] از دروازه یوسف‌آباد داخل طهران شده و از مقابل سفارت انگلیس گذشته و به سه قسم منقسم و بدون هیچ ممانعتی به بهارستان رسیدند.

سریازهایی را که مستحفظ قراولخانه‌ها بودند بدون هیچ اشکالی خلع سلاح نمودند، اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس دو سه نفر مقتول و مجروح شدند. سربازهایی که در میدان توپخانه بودند به دسته‌ای از قشون ملتیان که از خیابان علاءالدوله بطرف میدان رفتند شلیک کردند و تمام درهای میدان را بستند. بختیاریها فوراً سه دروازه شمالی و سه دروازه شرقی شهر را متصرف شدند ولی سه دروازه غربی در تصرف قزاقها ماند.

در صبح همان روز کاپیتن زاپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق ازیکی از آن دروازه‌ها داخل شهر شده و خود را به کولونل لیاخف که با ۴۰۰ نفر قزاق در قزاقخانه بود ملحق نمود. بقیه قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند می‌حضر محافظت شاه به سلطنت‌آباد رفتند. بعلاوه این قزاقها دو هزار نفر قشون دیگر که در تحت فرمان امیر بهادر در سلطنت‌آباد بودند ابدأ دخیل جنگ نشدند.

در تمام مدت ۳ روز جنگ که ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ژویه [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج ۲] باشد، قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و تقریباً ۵۰۰ نفر هم از قشون غیرمنظم شاه میدان مشق را متصرف بودند. قشون سپهدار و سردار اسعد بقیه نقاط شهر را متصرف [= تصرف] نموده و بهارستان را مرکز خود قرار داده بودند. عده‌ای از مجاهدین جسور نزدیک قزاقخانه رفته و با موخر که خوب بکار می‌برند خسارت کلی بطرف مقابل وارد می‌آورند و شبهای هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج ۲] شاه اظهار نمود که می‌خواهد با تمام قوّه خود حمله آخری را به شهر کرده در صورتیکه موفقیت حاصل نگردد به سفارت روس متحصن گردد. این حمله ابدأ اثری نبخشید کاپیتن پریینیزوف از تپه‌های قصر قجر بهارستان را بمبارده می‌کرد و به حمایت توپ عده‌ای از قشون به دروازه دوشان تپه حمله آوردند. بختیاریها دروازه را فتح کردند و دسته قشون شاه که حمله‌ور بودند بکلی متفرق شدند و از آنطرف هم بمباردهان بهارستان ابدأ نتیجه نبخشید. در همین موقع کلnel لیاخف سعی داشت که بهارستان را بمبارده نماید لیکن توپچیها خیلی ناقابل بودند چونکه اغلب گلوله‌ها به بانک شاهنشاهی می‌خورد بدون اینکه خسارت زیاد وارد بیاورد.

با وجود این صاحب‌منصبان ایرانی به شاه اطمینان می‌دادند که فتح بالآخره با او خواهد بود و به این جهت روز بعد (یعنی ۱۵ ماه ژویه) [۲۴ تیر؛ ۲۶ ج ۲] باز قشون شاه به دروازه‌ها حمله کردند ولی قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر دفعه که از قشون شاه حمله می‌شد با خسارت زیاد پس می‌نشستند. در همان روز عدهٔ قلیلی از بختیاریهای دولتی سعی نمودند که خود را به خانه‌ای که نزدیک سفارت انگلیس بود برسانند و به این جهت جنگ طولانی مابین آنها و فدائیها در گرفت.

عدهٔ مقتولین در این سه روزه جنگ معلوم نیست ولی گمان نمی‌شود که زیاده‌از ۳۰۰ نفر باشند.

در ۱۶ ماه ژویه [۲۵ تیر؛ ۱۲۸۸ - ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه در تحت حفاظت مستحفظین روس و انگلیس در سفارت روس متحصن گردید و مترجمین سفارتین برای صلح مابین کولونل لیاخف و ملتیان به طهران فرستاده شدند و آنها در اقدام خود موفقیت تحصیل نمودند.

در همان روز هابین قزاقها و بختیاریها صلح برقرار گردید و روز بعد شهر به حالت معمولی خود عودت کرد.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج] مجلس عالی خلع محمد علی و انتخاب سلطنت و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه را اعلان نمود. عضدالملک موقتاً به نیابت سلطنت منصوب و کابینه ذیل را عجالتاً تا افتتاح مجلس شورای ملی تعیین نمودند:

- ۱) وزیر جنگ سپهبدار
- ۲) وزیر داخله سردار اسعد
- ۳) وزیر امور خارجه ناصرالملک
- ۴) وزیر مالیه مستوفی‌المالک
- ۵) وزیر عدلیه فرمانفرما
- ۶) وزیر علوم صنیع‌الدوله
- ۷) وزیر دربار موثق‌الدوله
- ۸) وزیر پست و تلگراف سردار منصور.

تلگرافی به ناصرالملک مخابرم شده و او را به مراجعت ایران برای اشتغال به کار خود دعوت نمودند. در غیاب ناصرالملک کفالت وزارت امور خارجه را رسمآ به عهده مشار السلطنه همراه وزارت خارجه واگذار نموده و سفارتخانه‌ها را هم از این مطلب مطلع ساختند.

چندین انتخابات خوبی هم صورت گرفت از قبیل انتخاب رئیس معروف رولوسیون‌های قفقاز هوسوم به پیغم به ریاست پلیس. علاوه‌الدوله که چند روز قبل وارد طهران شده بود به حکومت فارس معین گردید. مخبر السلطنه که در موقع بمباردمان مجلس در ماه ژوئن (۱۹۰۸) حاکم آذربایجان بود در این موقع دو مرتبه به حکومت آن ایالت منصوب و تلگرافی به او مخابر نمودند که مستقیماً از اروپا به تبریز عازم گردید. حکومت اصفهان صمصم‌السلطنه تصدیق شد.

سعددالدوله و مخبرالدوله به سفارت انگلیس متحصن شدند لیکن پس از تحصیل اطمینان که کسی با آنها کاری ندارد از سفارت خارج گردیدند ولی سعدالدوله بعد از آن خود را در تحت حمایت روسیه در آورده است. دولت رسمی تغییر سلطنت را به سفارتخانه‌ها اعلان نمود.

سفارتین روس و انگلیس شناسایی خود را در خصوص سلطان احمد شاه رسمآ اظهار کردند، سفارتخانه‌ای دیگر نیز به همین منوال عمل نمودند.

در ۲۱ و ۲۲ ماه ژویه [۳۰ و ۳۱ تیر؛ ۳ و ۴ ربیع] شهر را چراغانی و روزنامه‌ها دوباره شروع به انتشار گردید.

در ۲۶ ماه ژویه [۳ ارداد ۱۲۸۸؛ ۸ ربیع ۱۳۲۷] مفاخرالملک را که یکی از مستبدین معروف بود دستگیر و دو روز بعد از محاکمه در محضر محکمه مخصوص در باغ شاه تیربارانش کردند. در همان محاکمه سه نفر دیگر از مستبدین معروف را که عبارت از صنیع حضرت، رئیس ازادل مسلح که محمد علی جمع کرده بود و شیخ فضل الله بود محاکمه و در

محضر عام در میدان توپخانه بدار آویختد^{۱)}. چند نفر دیگر هم دستگیر شدند که در میان آنها حاجی مجدالدوله و امیر نظام وزیر مالیه ساقب بود.

در این ضمن کمیته ملتبیان که حسینقلی خان نواب روح آن است، از طرف دولت برای تصرف جواهرات و سایر اشیاء متعلق به دولت اقدام نمودند که محمدعلی میرزا آنها را همراه خود به سفارت روس برد. قسمت زیادی از آن جواهرات را بی‌رحمت از محمدعلی میرزا پس گرفتند ولی او می‌خواست که قسمت دیگر از جواهرات را نزد خود نگاه دارد. کمیته پیشنهاد نمود که مبلغ ۵۰۰۰ لیره مواجب سالیانه به محمدعلی میرزا خواهد داد ولی بعد از مذاکرات طولانی که سفارتین نمودند در ۳ ماه اوت پروتکل اهضاء گردید که بموجب آن سالی پانزده هزار لیره به محمدعلی میرزا داده خواهد شد و باید در مقابل این، او هم تمام جواهرات سلطنتی را تسليم داده و در ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید. در ۴ ماه اوت محمدعلی میرزا بقیه جواهرات سلطنتی را تسليم دولت نمود. در ۳۱ ماه ژوئیه اعلیحضرت سلطان احمد شاه با همراهی عضدالملک نایب‌السلطنه که از طرف آن اعلیحضرت سیزده ساله نطق می‌کرد از سفراء اولین دفعه پذیرایی را نمودند. در ۴ ماه اوت کلتل لیاخف از طهران به روسیه حرکت کرد.

اغلب از اتباع مستبد محمدعلی همراه وی به سفارت روس آمدند که در میان آنان امیر بهادر و نایب‌السلطنه هم هست.

عده‌ای سیلاخوری در زمینهای اطراف سفارت چادر زده بودند، با اشکال آنها را خارج کردند و برخی از آنان در خیال غارت دهات اطراف بودند و بدینجهت عده‌ای بختیاری برای امفرق ساختن آنها از شهر فرستاده شدند.

اوپایع معمولة شهر برقرار و انتخاب پانزده نفر و کیل طهران موافق قانون انتخابات جدید در جریان است.

در ۵ ماه اوت ظل‌السلطان به رشت وارد شد و بطرف طهران عزیمت نمود ولی در منجیل از طرف دولت توقيف گردید.

در ۶ ماه اوت تقی‌زاده وارد طهران شد.

چرچیل

۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۴ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ربیع ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

مخبر‌السلطنه که به حکومت آذربایجان منصوب شده است هنوز وارد تبریز نگشته. انجمن مایل است صمد خان را که یکی از رؤسای ایلات و از سردارهای شاهی است از حکومت مراغه معزول نماید. چونکه صمدخان حاکم خوب و مراغه فقط نقطه آرامی است در آذربایجان لهذا سفارتین نصیحت نمودند که او را در مأموریت خود باقی گذارند.

۱) بهمین گونه است در اصل و از نفر سوم پدار آویختگان نام برد نشده است. —

اردبیل

در اوایل ماه اوت دولت روسیه به دولت ایران اطلاع داد که اگر تا چهارم ماه اوت یک حاکم مقنن با استعداد کافی به اردبیل اعزام نشود برای استقرار نظم دولت روسیه مجبور است که آن نقطه را با قشون خود منظم نماید. لهذا در دوم ماه «اویت»، فاتح السلطنه به حکومت اردبیل منصوب و از تبریز به منطقهٔ مأموریت خود عازم گردید.

رشت

در نهم ماه ژویه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] ۳ عدد کشتی روسیه به انزلی وارد و قشون خود را پیاده کرد؛ در دهم همین ماه سه عدد کشتی دیگر قشون وارد نمود. در دهم ماه، ۶۲۵ نفر قزاق از رشت به قزوین حرکت و مجاهدین مسلح ترک اسلامخان نمودند. در ۱۳ ماه، هزار نفر پیاده با چهار عراده توب از انزلی به رشت عازم شدند و در ۱۶ ماه به قزوین رسیدند؛ در نوزدهم ماه، سه کشتی دیگر که حامل آذوقه بودند به انزلی وارد شدند. به فاصلهٔ یک روز آذوقه‌ها را بتوسط ۱۵۹ نفر ضابط از کشتیها خارج گردند.

در ۳ ماه اوت [۱۱ امرداد؛ ۱۶ ربیع] ۵۰ نفر سرباز روسی وارد انزلی و بهویس قنسول اعلیحضرتی اطلاع داده شد که باز دستیجات کوچک وارد خواهد شد. اتفاقات طهران اسباب خوشوقتی عموم اهالی رشت را فراهم نمود. در ۳ ماه اوت تقیزاده که از تبریز می‌آمد از رشت گذشته و بطرف طهران حرکت کرد.

استرآباد

خبر استعفای محمدعلی هیرزا با هسرت فوق العاده شنیده شد. شهر را سدش بچراغانی کردند و توب انداختند.

اصفهان

چون بختیاریها زیاده از حد مرتكب انواع و اقسام شرارت می‌شدند لذا ژنرال قنسولهای روس و انگلیس یادداشت سختی به کارگزار فرستادند. نتیجهً اقدام این شد که رئیس نظمیهٔ معزول و غریب‌خان به جای او منصوب گردید. این شخص سعی کامل نمود که نظم را برقرار نماید صهصام‌السلطنه هم برای نیل به همین مقصد اقدامات لازمه نموده است.

صهصام‌السلطنه اعلامی منتشر نمود که هر بختیاری از اهالی جبراً پول بگیرد یا اینکه زنها را اذیت نماید مجازات سخت خواهد دید و بموجب اعلان دیگری که منتشر نمود تیراندازی در شهر را بکلی غدغن کرده است و اگر کسی در شهر تیراندازی نماید خانه او را خراب خواهد کرد. نظر به این اقدامات اصفهان آرام است.

ورود قشون ملتیان به طهران بتوسط شلیک توب در ۱۳ ماه ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] اعلان گردید و دو شب بازارها را چراغان نمودند. در ۱۶ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۷ ج ۲] خبر تحصن شاه به سفارت روس در اصفهان منتشر گردید

و در ۱۶ ماه [۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲۹] تعیین صهیمان‌السلطنه به حکومت اصفهان اعلام شد. چند روز بعد آقا نورالله را مجبور کردند که از ریاست انجمن استعفای بدهد. مابین ملاها و صهیمان‌السلطنه نقار زیادی جریان دارد.

در ۲۰ ماه ژویه [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] جلوس سلطان احمد شاه بتوسط شلیک توپ اعلام شد. در اصفهان و جلفا چراغانی بود و در آن شب خوانین مهمان رئیس روحا نیان ارامنه بودند.

هسته گراهم راپورت می‌دهد که حوادث طهران تأثیرات زیادی در عموم اهالی اصفهان نکرده است. اکثر مردم که عبارت از تربیت‌شدگان و تجار محلی هستند مایل مشروطیت ولی عده زیادی نیز در ضد مشروطیت می‌باشند و این اشخاص هرکب از علماء و مأمورین دولتی هستند. علماء از بیم آنکه نفوذ آنان کاسته‌گردد و مأمورین دولتی از این می‌ترسند که راه مداخل آنها مسدود شود.

چند هفته بود که راه طهران و اصفهان بسیار ناامن بود و از قرار معلوم قشون دولتی و ملتی هر دو شریک دزدی بودند ولی پس از آنکه سردار اسعد وزیر داخله شد فوراً حکم کرد که بختیاریها تمام راهها را محافظت نمایند و نتیجه این شد که در ۲۴ ماه ژویه بنا به راپورت راهها امن و از دزدی محفوظ بود.

به‌وجب راپورت، راه اهواز خیلی ناامن است و دو کاروان بزرگ را دزدان به یغما برده‌اند.

انتخابات مجلس شورای ملی در ۲۹ ماه ژویه [۶ امرداد؛ ۱۱ ربیع] شروع و باید تا ۱۲ ماه تمام شود.

یزد

در ماه ژویه راه یزد امنیت تحصیل نکرد. باز در راهها دزدیهای زیاد گرده می‌شود. ورود پست بسیار غیرمرتب و در شهر و اطراف یهودیها و پارسیها متصل در تحت فشار و آزار مسلمانها هستند.

ظرز جدید استبداد یزد عبارت از این است که دوشیزگان پارسی را جبراً داخل دین اسلام نمایند. سه چهار فقره چنین قضیه اتفاق افتاد و نتیجه این شد که مدرسه دختران پارسی بسته شده و دیگر جرئت ندارند که از منازل خود بیرون بیایند. بدین‌گونه پارسیهای این نقطه در مسئله انتخاب رئیس روحا نیز نفاق دارند. رئیس سابق فوت شده و الان نزاع در این است که کدام یک از پسران او در جای پدر بنشینند. عدل‌الدوله که از حکومت استعفاء داده بود دو مرتبه به حکومت منصب گردید.

کرمان

ابدا آثار بهبودی اوضاع در این ماه آخر مشهود نیست. حکومت نظام‌السلطنه از طرف دولت جدید تصدیق شد ولی هنوز از طهران به کرمان حرکت نکرده است.

کرمانشاهان

بواسطه نزاع مابین علماء، اهالی کرمانشاهان به دو قسم تقسیم شده‌اند. ریاست یک دسته از اینها با سید کمال الدین است که یکی از علماء طهران و اغلب اشخاص هم شهر با او همراه هستند و دسته دیگر در تحت ریاست معین‌الرعايا است که علماء محلی نیز مخفیانه با او همراهی دارند. ترا ۱۴-ماه زویه مابین دو دسته جنگ شروع شد. ظهیر-الملک که رئیس قشون سید کمال است معین‌الرعايا را شکست داد. روز ۱۵، صبح، معین‌الرعايا با ۲ نفر دیگر به زمینهای قنسولگری انگلیس بدون اجازه کاپیتان کراسل (قنسول انگلیس) متحصن شدند. نظر به اینکه ممکن است بعد از این هم اینطور اتفاقات روی بدهد کاپیتن کراسل حکم کرد که هیچکس را به قنسولخانه راه ندهند. ولی چون زمین قنسولخانه باز است لذا ابدآ ممکن نیست که در شب از دخول کسی ممانعت نمود. کاپیتن کراسل از حکومت خواهش نمود که برای اتباع انگلیس مستحفظ فرستاده شود. حاکم جواب داد که این اقدام برای من ممکن نیست چونکه ابدآ قدرتی نمانده و ظهیرالملک قورخانه را تصرف کرده است. کاپیتن کراسل بعد از ملاقات از متحصنین بی‌میلی خود را از آقاوت آنها ظاهر نمود ولی آنان خارج شدن را قبول نکردند و اظهار داشتند که بمجرد خروج کشته خواهیم شد. کاپیتن کراسل کاغذی به حکومت نوشته و اطلاع داد که این اشخاص به قنسولخانه متحصن شدند و خواهش نمود که ترتیبی برای حرکت اینها داده شود. کارگزار از طرف حکومت نزد کاپیتن کراسل آمد و کاپیتن از آقاوت این اشخاص در قنسولخانه پرست نمود و از کارگزار درخواست کرد که ترتیب فوری برای خارج شدن این اشخاص بدهد و باز اظهار کرد که مکرر برای قراول نزد حاکم فرستاده و حکومت امتناع ورزیده است. کاپیتن کراسل به کارگزار اظهار کرد که هیچ وقت مایل نیستم که در امورات محلی که ابدآ رابطه به منافع ما ندارد دخالت کرده باشم.

کارگزار از بی‌اقتداری حاکم اظهار تأسف کرده و پس از ملاقاتی از متحصنین قبول کرد که از ظهیرالملک ملاقات کرده و بدآ او اطلاع بدهد در صورتی که از اعدام متحصنین صرف‌نظر نمایند آنان حاضرند که از شهر خارج بشوند. در این بین ظهیرالملک از بلوای شهر استفاده کرده خانه معین‌الرعايا را آتش زده و چندین خانه‌های دیگر را نیز غارت نمود. در شب آن روز ظهیرالملک پیغام فرستاد که متحصنین باید بدون هیچ شرطی تسليم بشوند تا آنها را زنجیر کرده و بعد از محاکمه به مجازات برستند و اظهار نموده بود که از جمله تقصیرات معین‌الرعايا یکی این است که به نظر علی خان و پسر داود خان کلهر که بر ضد پدر خودش هست کاغذ نوشته و هر دو آنها را به اهداد خود دعوت نموده است. معین‌الرعايا این مطلب را تکذیب کرد و در همان وقت به هر دو آنها کاغذی نوشته و خواهش نمود که از برای مساعدت و اهداد به کرمانشاهان بیایند. با پیغام ظهیر-الملک جمعیت زیادی نیز آمده بودند و اظهار می‌کردند که مقصود آنان اخراج متحصنین است و در صورت لزوم عنفاً آنها را بیرون خواهند کرد.

چون معلوم بود در صورت بیرون رفتن متحصنین فوراً کشته خواهند شد کاپیتن کراسل

اظهار نموده بود تا اطمینان داده نشود که به متحصنهن اذیتی نخواهد رسید به آنها اجازه بیرون رفتن را نخواهد داد. در ۱۶ ماه [۲۵ ج ۲۷ تیر] حکومت به کاپیتن کراسل کاغذی نوشه و در آن مراسله اظهار نموده بود که از حکومت استغفاء داده است. اگرچه به مشارایه اصرار شد که در این خیال خود دقت نظری نماید ولی بهیچوجه او خیال خود را تغییر نداد و به منشی قنسولگری اظهار نموده بود تا وقتی که از طهران استعداد فرستاده نشود و تا مدتی که ظهیرالملک در سر نزاع شخصی خود سرباز و تنفس دولتی را بکار می‌برد ابدأ متصدی امور حکومتی نخواهد گردید. روز ۱۷ [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] طرف صبح، داود خان رئیس ایل کلهر با ۲۰۰ سوار برای کمک ظهیرالملک وارد شد. از قرار راپورت، داود خان اظهار کرده بود که اگر معینالرعايا بدون هیچ شرط تسليم نشود شهر را غارت خواهد نمود. در همان روز خبر استغفای محمد علی میرزا رسید و این مطلب خیال عموم را به خود متوجه ساخت.

در شب آن روز منشی قنسولگری از داود خان ملاقات نمود و اوضاع را به او حالت کرد و نتیجه این شد که در آن شب حادثه رخ نداد و شهر آرام ماند. در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] ظهیرالملک با اتباع خود از داودخان ملاقات نمود و به او اظهار داشت که سوارهای، خود را مرخص کردمو فقط ۳۰ نفر همراه خود نگاه دارد. داود خان این پیشنهاد را قبول نموده و به سپهبدار تلگراف کرد که باید معینالرعايا بدون هیچ شرطی تسليم شود. در ۲۹ ماه [۶ امرداد؛ ۱۱ ربیع] یکی از متحصنهن قنسولخانه بیرون رفت. حکومت دو مرتبه استغفا داد و در ۳۰ ماه دوباره مشغول حکومت گردید. در ۳ ماه اوت [۱۱ امرداد؛ ۱۶ ربیع] سایر متحصنهن به میل خود از قنسولخانه خارج شدند. در ۵ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۱۸ ربیع] نماینده وزارت خارجه ایران در خصوص نگاهداری متحصنهن در قنسولخانه به وزیر مختار انگلیس در طهران پرست نمود و به او جواب داده شد که دیگر آنان در قنسولخانه نیستند.

وزیر مختار اعلیحضرتی موقع را غنیمت شمرده از حرکات حکومت و داود خان و ظهیرالملک پرست خیلی سخت نمود و اظهار داشت که بهیچوجه امکان پذیر نبود که او بگذارد متحصنهن جز به میل خود از قنسولخانه خارج بشوند چراکه معلوم بود قطاع الطريق و وحشیها مانند ظهیرالملک در پی اعدام آنها هستند.

از حوادث طهران آثار کمی در کرمانشاهان تظاهر نموده شهر مشغول امور داخلی خود بوده است. عجالتاً کالسکه از همدان به قزوین راه افتاده و مسافت ۴۸ ساعت طول می-کشد. تقریباً ۱۰ ماه زویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] حاکم قصر شیرین تلگرافاً [=تلگرافی] به حکومت کرمانشاهان اطلاع داد که آقا ملا احمد یزدی از طرف رئیس روحاوی کربلا به آن نقطه وارد شده و با نایب السلطنه عمومی شاه مشغول مخابرات تلگرافی است و مقصد علماء این است که از خیالات شاه کسب اطلاع نمایند. آقا احمد اظهار نموده بود که اگر مشروطه طلبها موفقیت تحصیل ننمایند رئیس روحاوی کربلا خود به ایران آمده و زمام امور را در دست خواهد گرفت.

همدان

در این مدت ساکت بوده ظاهراً برای اعزام مستجات برای کمک ملتیان که روبه‌طهران هی روند نهیه دیده می‌شود ولی اگر استعدادی هم فرستاده شده باشد خیلی کم بوده است.

شیراز

در ۱۱ ماه ژویه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] آصف‌الدوله به قنسولخانه‌های انگلیس و روس اطلاع داد نظریه اینکه بهیچوجه مایل خونفریزی نیستم لذا از حکومت‌فارس استغفایداده‌ام. در ۱۲ ماه [۲۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] کلیه قشون شیراز در دو قنسولگری متخصص و از نرسیدن مواجب اظهار شکایت نمودند در صورتیکه حکومت مرتبأ به قشقاویها پول می‌رساند. ایل عرب پیغام داده بودند در هر موقعی که قوام‌الملک حکم بددهد آنها حاضرند که به شیراز حمله‌ور شوند. در ۱۳ ماه [۲۴ تیر؛ ۲۴ ج ۲] خبر رسید که سید عبد‌الحسین لاری با شیخ زکریا و ۴۰۰ نفر دیگر در نزدیکی داراب هستند. قنسولها پیغام سفارتین را به آصف‌الدوله مذاکره نموده و از او درخواست کردند که به سید لاری و صولت‌الدوله حکم قطعی صادر نماید که ابدأ بطرف شیراز حرکت ننمایند. آصف‌الدوله اظهار کرده بود که او در شرف حرکت از شیراز است و قول داد که قشقاویها را از شهر خارج نماید.

در همان روز تعیین ظل‌السلطان به حکومت فارس اعلان و از طرف اهالی در کمال خوشوقتی پذیرفته شد. در ۱۴ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۵ ج ۲] منشی قنسولخانه از آصف‌الدوله ملاقات نمود و مشارالیه از خبر عزل خود بی‌اطلاع بود و از استماع این خبر تعجب نمود. بدیختانه تعیین ظل‌السلطان از طرف دولت جدید تصویب نگردید. در همان روز به قنسول اعلی‌حضرتی راپورت رسید که سید عبد‌الحسین لاری در طاهرون [طاحون- طاحونه؟] در مسافت صد میلی از بندر عباس ناخوش است. عدم تصویب تعیین ظل‌السلطان و انتشار این مطلب بتوسط مشیر‌الملک که بموجب اعلان رسمی تازه وزیر شده، دو مرتبه هیجان را بر ضد آصف‌الدوله تحریک کرد و سید محمد به قنسولها کاغذی نوشته و اشعار می‌دارد جمعیتی که در مسجد شاه‌چراغ اجتماع نموده‌اند از ریقه اطاعت او خارج و اگر میل دارند از اغتشاش جلوگیری نمایند باید آصف‌الدوله را فوراً معزول و از شهر خارج نمایند.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] خبر تعیین عطا‌الدوله به سمت نیابت حکومت موقتی تا ورود بهرام میرزا واصل گردید. قنسولها غیررسمی از او ملاقات نمودند و اصرار کردند که برای برقراری نظم اقدامات لازمه را بنماید و او قول داده است که اقدامات مجددانه نماید.

آصف‌الدوله با وجود اظهارات سابق خودش که می‌خواست حرکت نماید در این موقع ابدأ قبول این مطلب را ننموده و اظهار می‌دارد ظل‌السلطان را محمد علی میرزا تعیین کرده و حالا خود او از سلطنت مخلوع است.

خبر اشاره شایعه شهری تعیین حکومت ظل‌السلطان را تکذیب می‌کرد و می‌گفتند تلگرافی که در این خصوص عطا‌الدوله اظهار می‌کند از طرف قنسولگریها مجعلو و ساختگی

است برای اینکه متحصّنین قنسولگریها را ساخت نگاه دارند. در ۱۷ ماه قنسولگریها بتوسط کاغذ به عطاءالدوله اصرار نمودند که گوش به این انتشارات نداده و تا هدّتی که دستور العمل ثانوی برسد، قطع نظر از هر ترتیبی که در مرکز داده شده باشد او مسؤول نظم شیراز خواهد بود. در همان روز قاصدی از جهرم رسید و اظهار داشت سیدعبدالحسین به آن نقطه‌آدم فرستاده تا به هر قیمتی که ممکن است برای او فشنگ خریداری نمایند.

از سپهدار و سردار اسعد بتوسط تلگراف اعلان وزارت جنگ و داخله ایشان رسید. در ۱۸ ماه [۲۹ تیر؛ ۲] تلگرافی از سردار اسعد به صولتاالدوله مخابره شد و در آن تلگراف وزیر داخله قدغن کرده بود که از محل خود بطرف شیراز حرکت نکند. در همان روز اعراب از ده بیهده قوام تلگراف نموده و به او اصرار می‌کردند که در بیضایا با قشقاچیها جنگ نماید. قوام کاغذی به قنسولها نوشت که چون صولةالدوله از بیلاق خود بطرف شیراز حرکت کرده است لذا آنها هم مجبورند که اعراب را خبر نمایند. در جواب به او گفته شد خوب است قوام احتیاط را منظور داشته و اقدامی که صولتالدوله بتواند آن را دستاویز آمدن خود کند ننماید. و باز به او گوشزد شد که صولتالدوله هنوز ۸ منزل از راه سرحد دور است پس دلیلی بر اینکه خطر نزدیک است ندارد. پس قوام سؤال کرد آیا قنسولها اجازه می‌دهند که برای محافظت املاک خود که الان مشغول غارت آنها هستند از ده بیهده آدم اعزام دارد، به او جواب داده شد که این مسئله راجع به قنسولها نیست فقط تکلیف قنسولها این است که به قوام و صولةالدوله اخطار نمایند که هر کدام از آنها بدواند به شیواز قشون وارد نمودند مسؤول خسارت جان و مال اتباع خارجه خواهند بود که از دعوای در شهر روزی خواهد داد. در ۱۹ ماه [۲۸ تیر؛ ۱ رجب] تلگرافی از طرف سردار اسعد و تلگرافی از سید اسدالله از بوشهر به صولتالدوله و سید عبدالحسین لاری مخابره و به آنها اصرار شده بود که ساخت بنشینند. در ۲۰ ماه [۲۹ تیر؛ ۲ رجب] مردم به اطمینان اینکه آصفالدوله معزول شده از شاه چراغ خارج شدند. در ۲۱ ماه [۳۰ تیر؛ ۳ رجب] انتخاب علاءالدوله اعلان شد. عقیده مردم در خصوص این انتخاب مختلف است. محترمین شهر خوشحال هستند ولی اشخاصی که کارشان برپا کردن هیجان است بنای ضدیت را گذارده‌اند. در ۲۲ ماه [۳۱ تیر؛ ۴ رجب] هیجان بر علیه [= علیه] علاءالدوله و برله (=له) ظل‌السلطان شروع و بازارها بسته شد.

در ۲۳ ماه [۳۲ تیر؛ ۵ رجب] صولةالدوله تلگرافی به آصفالدوله مخابره کرد مشعر براینکه نباید از شیراز حرکت نماید و الا او یعنی صولةالدوله آصفالدوله را هراجعت خواهد داشت.

در ۲۴ ماه [۱ امرداد؛ ۶ رجب] آصفالدوله از شیراز حرکت و دارالحکومه را به دست قراولهای قشقاچی سپرد. در ۲۵ ماه [۲ امرداد؛ ۷ رجب] از آباده برای مستریبل تلگراف رسید که صولةالدوله با عده زیادی سوار برای شیراز حرکت نموده است و عده سواری هم به آباده برای همافعث از ورود علاءالدوله به شیراز فرستاده است. به همین

ملاحظه هسته بیل از وزیر مختار اعلیحضرتی خواهش نمود که برای اعزام استعداد از بوشهر اجازه بدهد و این اقدام تصویب شد.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج] قنسول روس به مستر بیل اطلاع داد [میوود] که او برای قنسولخانه خود از اصفهان قزاق خواسته است. در همان روز قراولهای قشقائی را از دارالحکومه خارج کردند و در ۲۷ ماه ژویه [۴ اهرداد؛ ۹ رب] راپورت رسید که صولت‌الدوله در پنج منزلی شیراز است. قوام هم در همین موقع از شیراز بطرف اعراب عزیمت نمود.

به موجب پیشنهاد هسته بیل، مستر کرستمس که یکی از اجزاء تلگرافخانه است نزد صولت‌الدوله فرستاده شد که شاید از پیش‌آمدن او جلوگیری نماید. مستر کرستمس در ۲۹ ماه [۶ اهرداد؛ ۱۱ رب] حرکت کرد. پس از مراجعت اظهار داشت که صولت‌الدوله در ۱۲ میلی خارج شهر است و مایل است در اردبی خود با مستر بیل ملاقات کند. مستر بیل از صولت‌الدوله ملاقات کرد و در ۳ ماه [۱۱ اهرداد؛ ۱۶ رب] راپورت داد که صولت‌الدوله اظهار داشته که خیال حکومت ندارم. بغير از علاعالدوله که سالها است با او خصوصت دارم و شخصاً هم آدم بدی است هر کسی که حاکم بشود قبول خواهم نمود. صولت‌الدوله گفته بود همان روزی که حاکم دیگری تعیین بشود تمام قشقائیها را از شیراز رجعت خواهد داد و برای اینکه نیات خود را ثابت کند قول داد که تا سه روز دیگر بطرف شیراز حرکت نخواهد کرد مشروط بر این که نه قوام بطرف شیراز حرکت و نه علاعالدوله از طهران عزیمت نماید. صولت‌الدوله مایل بود که این مطلب به دولت ایران اشاره شود. و اظهار داشت تا جان دارد از آمدن علاعالدوله جلوگیری خواهد کرد. به موجب پیشنهاد هسته بیل صولت‌الدوله قبول کرد که مطلب فوق را به قنسول روس بنویسد. مستر بیل گمان می‌کرد که قشون صولت‌الدوله بیش از ۳ هزار نفر است و عدد زیادی نیز منتظر خبرند. صولت‌الدوله پیش از وقت اعلانی در شیراز منتشر کرده که بنا به خواهش علماء کربلاع برای اجراء نمودن قوانین مجلس و انتخابات و ترتیب انجمان و خاتمه ظلم به شیراز خواهد آمد و در آن اعلان قول داده بود که هر چه غارت بشود از عهدۀ غرامت برخواهد آمد و نظم را پایدار خواهد ساخت. در ۲ ماه اوت [۱۰ اهرداد؛ ۱۵ رب] برای قنسولخانه شیراز استعداد وارد شد ولی بدین ختنانه دو نفر از سربازان هندی از تابش آفتاب هلاک شدند.

در ۵ ماه اوت [۱۳ اهرداد؛ ۱۸ رب] پس از آنکه ۳ روز معهود به آخر رسید صولت‌الدوله اردبی خود را در بیرون شهر زده با دولت ایران مشغول مخابرات تلگرافی شد. در ۱۱ ماه اوت [۱۹ اهرداد؛ ۲۴ رب] راپورت داده شد که سهام‌الدوله به حکومت فارس معین گردید. مردم از حوادث جاریه طهران نه برای شاه تأسف خورده و نه از اوضاع جدید خوشوقت شدند. خیالات مردم تماماً بطرف اوضاع محلی مصروف است.

خليج فارس بوشهر

سيد هر تضي که از ۷ ماه ژوئيه [۱۶ تير؛ ۱۸ ج ۲] محبوس بود در يك کشتى به بصره و از آنجا به نجف فرستاده شد. سيد عبدالصاحب همراه او بود و از طرف درياابيگى و انجمن محلی کاغذى به علماء نجف نوشته شد که سيد هر تضي يكى از هفشدین درجه‌اول است و خوب است او را در تحت نظارت نگاه داشته نگذارند که به نقاط دیگر برود. در ۲۰ ژون [۳۰ خرداد؛ ۱ ج ۲] انجمن محلی انتخاب گردید. و کلاعه مرکب‌اند از شش نفر آخوند و ۵ نفر تاجر. در ۲۳ ماه ژون [۲ تير؛ ۴ ج ۲] دریا بیگى به موگام [مقام] که دهی است در مسافت ۵ ميلی بوشهر حرکت کرد تا از آنجا بطرف تگستان برود و همراه او ۳۰۰ نفر پیاده و توپخانه و سه عراده توب در تحت فرمان هیرپنجه با ۲۰۰ نفر تفنگچی در تحت ریاست احمد خان (که يكى از اقوام خان بندر ریگ است) و ۲۵۰ تفنگچی دیگر در تحت ریاست شیخ حسین چاه کوتائی بودند. راپورت رسید زائر قادر که يكى از طرفداران درياابيگى است ۲۵۰ نفر در اهرم برای خدمت حاضر کرده است.

دریابيگى بتوسط يك نفر قاصد بد رئيس على و حسن باکشو [=بخشو] که دونفر رئيس متصرف‌تگستانی هی باشند او لتیماتوم فرستاد. مضمون اولتیماتوم این بود رئيس على باید دیلوار [دلوار] را به زائر قادر تسليم نماید که در آن نقطه به ریاست گمرک منصوب و مسئول عایدات آنجا است و نیز رئيس على و حسن باکشو لازم است تمام اموال [و] وجوده اتی را که از بوشهر بغارت برده‌اند مسترد سازند.

در ۲۵ ژون [۴ تير؛ ۶ ج ۲] زائر قادر اهرم را مورد حملات خود کرده و آن نقطه را تصرف نمود و عصر همان روز دریابيگى از موکام به بوم‌گز [بنه‌گز، بنی‌گز] حرکت کرد.

در ۳۰ ماه ژون [۹ تير؛ ۱۱ ج ۲] از شمشیری ده زائر قادر که دریابيگى به آنجا رفته بود خبر رسید که رئيس على و حسن باکشو [=بخشو] شکست خورده از دهات خود «دلوار» [دلوار] و «انبارک» به کوه فرار کردند. دریابيگى دیلوار را به دست پسر زائر قادر سپرد و شخصی را نیز که موسوم به محمدباقر بود به ریاست گمرک آن نقطه منصوب کرد.

در همان روز خبر رسید که دریابيگى از حسن باکشو [=بخشو] مطالبه خسارتو چيزهای دیگر بکرده چون از او جوابی نرسیده ده او را (انبارک) به توب بسته و متصروف شده و حکم کرده است که مقدار زیادی از درختهای نخل آن را که قيمت آن تقريباً دو هزار تومان بوده است برای جريمه ببرند: و نیز راپورت داده شد که در اول ماه ژوئيه [۱۰ تير؛ ۲۱ ج ۲] دریابيگى نظر به اينکه رئيس على پولی را که دریابيگى از او مطالبه می‌نماید قبول نکرده خيال دارد دیلوار را مورد حملات خود قرار بدهد و به «پرسپولیس» فرمان داده در همان روز حرکت و از طرف دریا به او همراهی نماید. در ۵ ماه ژوئيه [۱۴ تير؛ ۲۱ ج ۲] رئيس على دو هر قبه دیلوار را متصروف شد.

بندرعباس

نظر به سرگرمی سید عبدالحسین لاری در ماه ژوئن، کاروان جرأت حرکت کرده و چند وقتی راه کاروان تا یک اندازه رو به کرمان امن بود.
مازور استوکس، آتاشه میلیتر

نمره - ۴۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

راجع است به تلگراف ۲۷ ماه اوت که در آن تلگراف استخلاص ظل‌السلطان را راپورت داده بودم:

در همان روز تلگرافی از ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت رسید که حرکت ظل‌السلطان را بطرف طهران اشعار می‌داشت.

دیروز تلگراف علیحده برای من رسید که اظهار می‌داشت درخصوص حرکت ظل‌السلطان بطرف طهران اشکال تراشی شده است. من تلگراف خواهم نمود که در این خصوص توضیحات لازمه را برای من بفرستند.

در جواب تمام مراسلات ما که در خصوص ظل‌السلطان به دولت ایران فرستاده‌ایم بغير از جواب شفاهی چیز دیگری به ماداده نشده. این جواب در ۱۸ ماه اوت [۶ امرداد؛ ۱ شعبان] به ما داده شد و مفاد آن این است به ظل‌السلطان اجازه داده می‌شود که به طرف اروپا مراجعت نماید ولی کمیته باز اصرار دارد که از مشارالیه پول بگیرد.

گمان می‌کنم حالا دیگر موقعي است که باید یک اندازه در این خصوص آینستادگی نماییم. به عقیده من یک یادداشت متحددالمآلی در این خصوص از سفارتین بهترین راه چاره این واقعه می‌باشد. گمان می‌کنم ظل‌السلطان حاضر است که یک پولی هم کارسازی دارد. این یادداشت مذکور باید از دولت ایران درخواست نماید که بدون اذیت، ظل‌السلطان را اجازه بدهند تا به اروپا مراجعت نماید.

نمره - ۴۳۳

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرون مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

ظل‌السلطان

راجع است به تلگراف ۳۰ ماه اوت [۷ شهریور؛ ۱۳ شعبان] از طهران. خوب است شما خیالات اعلیحضرتی را توضیح نموده و از دولت روسیه تقاضا نمایید که به نماینده خودشان در طهران دستور العمل بفرستند که موافق پیشنهاد سر بارکلی متحداً مذاکره نمایید.

نمره - ۴۴۳

تلگراف هستر اوپرون [اوپرون] به سر ادوارد گری مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

ظلالسلطان

(خواهش دارم که به تلگراف دیروزی خودتان رجوع فرمایید.)
امروز عصر با کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نمودم. به من اطمینان داد که مطابق پیشنهاد سر بارکلی به شایر دافر روس مقیم طهران تلگراف خواهد کرد.

نمره - ۴۴۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران یادداشت موجب خوشنودی در خصوص متحصلین وعفو عمومی به سفارتین فرستاده است.

در این یادداشت عفو عمومی را برای مقصرين سیاسی طهران اعلام می‌دارد ولی بعضی از خائین که عجالتاً متحصل و در آن یادداشت اسم آنها را ذکر کرده از این قاعده عفو عمومی مستثنی هستند. این استثناء در حق متحصلین سفارت روس و عثمانی است و دولت ایران عجالتاً محاکمه این اشخاص را به عهده تعویق انداخته تا از ایران خارج بشوند در غیاب ایشان هر جرمی که از محکمه در حق آنها ثابت گردید هرگاه دوباره به ایران مراجعت کردند، جزای آن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در ضمن همین مراسله دولت ایران درخواست می‌نماید که این اشخاص به فوریت حرکت نمایند و از سفارتهای مذکوره خواهش می‌نماید که به آن اشخاص مزبوره یادآوری نمایند که در صورت مراجعت آنها به ایران دیگر سفارت از آنها حمایت نخواهد گردد.

نمره - ۴۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۳۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز عصر در ساعت ۴ شاه سابق با اتباع خود از سفارت روس به ارزی حركت کرد. ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی در تحت فرمان یک نفر صاحب منصب روسی تا قزوین همراه او خواهند رفت و از آن نقطه قزاق روسی جای آنان را خواهد گرفت. همراه شاه سابق عده‌ای از اجزاء سفارتین با سه سوار هندی و سه نفر قزاق روسی خواهند بود.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهاک.

تلگراف ذیل مورخه ۱۱ سپتامبر [۱۹ شهریور؛ ۲۵ شعبان] از کفیل ژنرال فنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره شده است:

ستارخان مأمور اردبیل شد و از تبریز حرکت کرد. پیش ازا حرکت، ستارخان به توسط پول سعی کرده بود که اهالی نمایشی داده نگذارند مشارالیه به اردبیل فرستاده شود ولی حکومت اعتناء نکرده و در حکم خود ثابت ماند. حکومت برای موفقیت به این فقره محل تمجید است.

نمره - ۲۳۷

مراسله از اداره هندوستان به وزارت امور خارجه انگلیس مورخه ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۹ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۷]

آقا

مأمور اطلاع بدھم مراسله شما که حاوی سواد مراسله سر بارکلی مورخه [۲۳ ماه ژویه ۱۲۳؛ ۵ ربیع] مشعر به اظهار خدمات بعضی از اجزاء سفارت اعلیحضرتی طهران و آقایان دیگر که در مدت انقلاب طهران تا خلع شاه سابق به ظهور رسیده بود واصل گردید.

در جواب من باید بگویم که لورد [لرد] مورلی از حکومت هندوستان خواهش نمود که از طرف دولت اعلیحضرتی اظهار رضایت از خدمات مژور [ماژور] استوکس و ماژور او کونار [او کانر] کرده شود. بعلاوه به من گفته شده که سوادی از مراسله رئیس اداره تلگرافخانه هند و اروپ راجع به رفتار اجزاء اداره مذکوره در موقع همان انقلاب برای شما بفرستم. لورد مورلی خیلی خوشحال خواهد شد که بتصویب سر ادوارد گری به مستر گرک اجازه داده شود که از طرف دولت اعلیحضرتی به هر ترتیبی که صلاح بداند از اجزاء عتشکر بنماید. لورد مورلی نیز پیشنهاد می نماید به همان طوری که درخصوص ماژور استوکس اظهار شد از دکتر اسکات هم اظهار رضایت نمایند.

کولن گامبل

ضمیمه در نمره - ۲۳۷

کاغذ مدیر کل اداره تلگرافخانه هندو اروپ مورخه ۲۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۳ شهریور ۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷].

در ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] وزیر مختار انگلیس مقیم طهران مراسله ذیل را به عنوان مستر باکر فرستاده است:

نظر بکثرت اشتغال نتوانستم زودتر اظهار رضایت از رشادت و آرامی و معقولیتی که اتباع انگلیس در این اوضاع ناگوار هفتة گذشته نشان داده اند کرده باشم. من از شما

تمنی می‌نمایم که لطف فرموده این پیغام را به اجزاء خود برسانید و همچنین اظهار تشکرات‌ها از رفتار آنان بنمایید. مسافت مابین مرکز تلگرافخانه و اداره تلگرافخانه که در میدان توپخانه واقع است، زیاده از یک میل است.

دولتی‌ها میدان توپخانه را متصرف بودندو خیابان‌های اطراف در دست ملتیان بود. در مدت ۴ روز که از ۱۳ الی ۱۶ ماه ژویه [۲۲ تا ۲۵ ژویه ۱۹۰۹] باشد، متصل تیر زیادی مابین این دو دسته رد و بدل می‌شد. با وجود این تمام تلگراف‌چیها به سر موقع در اداره تلگرافخانه در سر کار خود حاضر می‌شدند اگرچه مخاطرات زیاد برای آنها در این تردید متصور بود. اداره تلگرافخانه نمی‌توانست که تلگرافات واصله را به محل خود برساند. ولی تلگرافاتی که از سفرای انگلیس و روس از قلهک برای سپهبدار و سردار اسعد مخبره می‌شد به مرکز تلگرافخانه تلفون می‌کردند و از آنجا به توسط اجزاء انگلیس به صاحبانش می‌رسانیدند چون که فراشتهای ایرانی جرأت بیرون رفتن را نداشتند.

در موقعی که سیم تلفون قلهک پاره شده بود هبیج ایرانی جرأت نمی‌کرد که برای تعمیر سیم بیرون برود تا اینکه یکی از اجزاء انگلیس را همراه خود می‌برد. در واقع رفتار تمام اجزاء در این اوضاع ناگوار بسیار خوب بود. من حس می‌نمایم که اگر وزیر هندوستان از رفتار اجزاء تلگرافخانه طهران اظهار تشکر نماید باعث تشویق زیادی از اجزاء طهران خصوصاً و اجزاء ایران عموماً خواهد گردید.

به همین ملاحظه من درخواست اجازه می‌نمایم که از طرف دولت به اجزاء اطلاع بدهم که از آرامی و رشادت اجزاء به طوری که راپورت داده شد دولت اظهار رضایت کرده، خصوصاً از اینکه ماه ژویه در هنگام جنگ اجزاء کار خود را بطور معمول انجام داده‌اند.

امضاء گرگ

www.adabestanekave.com

لغة - ۲۲۸

تلگراف سر بار کلی به سر اداره‌گری مورخه ۱۳ ماه سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

یک کمیسیون ۴ نفری قائم مقام کمیته‌ای که تازگی اسم «هیئت مدیره = Directeur» را به خود گذاشته بودند گردیده است. کمیسیون جدید مرکب است از همان اجزاء کمیته. از این به بعد اشخاص دیگر به کار وزراء دخالت نخواهند کرد. علت این تغییر از قراری که می‌گویند محمد علی میرزا است که اوضاع به حال طبیعی خود برگشته است.

لغة - ۲۴۹

کاغذ وزارت خارجه انگلیس به اداره هندوستان مورخه ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۷]

آقا

مأمور از طرف سر ادوارد گری رسید کاغذ مورخه ۱۱ این ماه را در خصوص خدمات بعضی از آقایان که در مدت اغتشاش طهران به موقع ظهور رسیده بود اعلام دارم و جواباً اطلاع بدhem که سر ادوارد گری با پیشنهاد ویکوونت مورلی کاملاً همراه و مدیر کل تلگرافخانه مجاز است که مطالب پیشنهادی خود را از طرف دولت اعلیحضرتی به عموم اجزاء اعلان داشته و همچنانکه اظهار تشکر از ماژور استوکس و مستر اوکونر [اوکانر] شده از دکتر اسکات هم بشود.

کامیل [گامبل؟]

نمره - ۲۳۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱ مهر ۱۲۸۸ : ۱۳۲۷] از قلهک سفیر تازه روسیه امروز صبح وارد طهران گردید. مایلم که موقع را غنیمت شمرده و یادآوری نمایم که چه اندازه خوشحال بودم که در مدت اغتشاش مثل مسیو سابلین همکاری داشتم. همراهی صادقانه و مساعدت او اسباب تشکر دائمی من خواهد بود.

نمره - ۲۳۱

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸ : ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

در این چهار هفته گذشته مرکز مهم اغتشاش فقط کرمان است و دستجات بزرگ دزدان عرب آن مملکت را غارت می‌نمایند و در اطراف سلطان‌آباد به طوری که در راپورت ماه گذشته اطلاع داده شد الوار در دزدی خود باقی هستند.

در شمال مابین قراولهای قنسولگری روس در ارومیه با عده‌ای از اکراد در قریه نزدیک ارومی جنگ شده و همچنین مابین عده‌ای از قشون روس در تبریز و دسته‌ای از فدائیهای محلی در نزدیکی مرند نزاع است. بغیر از این نقاط مذکوره در جاهای دیگر اغتشاش مهمی اتفاق نیفتاده هرچند که بی‌نظمی راههای جنوب و مخصوصاً راه بوشهر و اصفهان تا آباده و راه کرمان به یزد شیوع دارد ولی راپورت اغتشاش شهرهای عمدیه و ولایات نرسیده و در پایتخت هم نظم کامل برقرار است. دولت هنوز در دست کمیته‌ای است که اسم خود را «هیئت مدیره = Directeur» نامیده و سردار اسعد وزیر داخله و سپهبدار وزیر جنگ هم داخل هیئت مدیره شده‌اند و این هم برای این است که اتفاقی مابین کمیته که در واقع حکومت می‌کند و وزرایی که وجود آنها فقط برای اجراء نمودن احکام آن کمیته و نگاهداشتن صورت ظاهر وزارت است به عمل آید.

در یکی از نمره‌های روزنامه «تاپیم» دیدم که خبرنگار آن روزنامه در پطرزبورغ راپورت داده است که دوائر رسمی روسیه اوضاع ایران را تاریک مشاهده می‌نمایند و اظهار می‌دارند که هرج و هرج در چندین ایالت شیوع پیدا کرده است و تمام راهها بواسطهٔ دزدان و قطاع‌الطريق مسدود است و تجارت هر ماهه رو بقصان گذاشته است. من از این تلگراف چنان استنباط می‌نمایم که عقیده سن پطرزبورغ این است که اوضاع ایران در این یکماهه که در تحت حکومت تازه است بدتر از آن موقعی است که به سبک قدیم بود.

من گمان نمی‌کنم که حقیقتاً بتوانند این عقیده را ثابت نمایند. تازگی ندارد که دزدها راهها را مسدود کرده‌اند. در تمام مدت اقامت من در ایران راهها همین حال را داشته اینکه از تجارت کاسته می‌شود اوضاع سابق هم به همین منوال بوده است.

گمان نمی‌کنم که گمرکات شمال در عوض اینکه تنزل نماید رو به ترقی نهاده است و باز گمان نمی‌کنم آن طوری که گفته شده هرج و هرج زیاد است این مسئله صحبت داشته باشد. بلی در بعضی نقاط اغتشاش هست ولی این مسئله تازگی ندارد. تا اینکه به این مملکت مساعدت کافی پولی نشود سفاحت است اگر تصور شود اصلاح فوق العاده در امور ایران حاصل خواهد گردید ولو هر قسم حکومت متصدی امور باشد.

عجالتاً دولت بطور دستوردهن زندگی می‌نماید و جزئی وجهی که ممکن است تحصیل شود عبارت از همان وجوهاتی است که جبراً از مرتعین گرفته می‌شود با مقدار خیلی کم از بابت گمرکات مالیات که منبع عمدهٔ عایدات دولتی است ممتنع الوصول بود و حالا هم چیزی وصول نمی‌شود. دولت خیال دارد که یک مقدار از جواهرات دولتی را گرو بگذارد ولی با این وجوهات نمی‌شود نقاط مغشوش را منظم نمود بلی کفایت مخارج یومیه دولتی را می‌نماید.

آیا این وجوهات فوق، مخارج دولتی را تا افتتاح مجلس که در اواسط ماه آتیه واقع خواهد شد کافی خواهد بود یا خیر. هنوز معلوم نیست ولی آنچه قطعی است این است که از دولتین تقاضای استقراض نخواهند کرد به جهت اینکه معلوم است یکی از شرایط استقراض نظارت در هیچ‌جا آن خواهد بود مگر اینکه بی‌اندازه احتیاج داشته باشند. در آن موقع هم هرچه زوینتر یک وجه کافی کارسازی بشود بهتر خواهد بود.

بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۴۳

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸] ۲۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک آقا

در مراسله ۱۲ ماه اوت [۲۰ امداد؛ ۲۵ ربیع] سوادی از پروتوكل مضی به امضای مستر چرچیل و مسیو بارن او سکی مترجمین سفارتین و نمایندگان دولت ایران تقدیم

داشتم. آن پروتوكل راجع بود به تسلیم جواهرات سلطنتی و قرارداد مستمری شاه سابق به مبلغ هفتاد و پنجهزار تومان و تعیین روز حرکت شاه که در ۱۷ ماه اوت مقرر شده بود و بنا به قرارداد می‌باشد که آن پروتوكل را نمایندگان دولتين و وزراء تصویب نمایند، ولی قبل از وقتی که برای حرکت محمدعلی میرزا معین شده بود پاره‌ای مسائل پیش‌آمد که در آن پروتوكل مذکور نبود و به همین ملاحظه پروتوكل به امضای اشخاص مذبوره فرسید.

اینک سوادی از پروتوكل جدید برای شما ارسال می‌دارم. این پروتوكل متضمن غالب شروط پروتوكل سابق بعلاوه بعضی مسائل دیگر است که مذاکره در آن مسائل اسباب تعویق حرکت محمدعلی میرزا را فراهم کرد. دو فقره از این مسائل باعث مذاکرات طولانی با دولت ایران گردید. البته ملتافت خواهید شد که مسائل مذکوره در خصوص قروض شاه سابق به بانک روسی و حرکت محمدعلی میرزا با اتباع مرتجعین [مرتعج] خود از ایران به طوری که در این پروتوكل مرتب شده، موافق میل دولت روس است. دولت ایران قروض شاه سابق را در عهده گرفته و مواجب او را به صد هزار تومان اضافه کرده و در عوض محمدعلی میرزا املاک خود را به دولت ایران منتقل می‌نماید.

مذاکرات چنانی در خصوص قروض شاه سابق مابین دولت روس و بانک روس و دولت ایران در جریان است و گرو این قرض گمرکات شمالی خواهد بود با فرع صدی شیش دو صورتی که سابقًا از قرار صدی نه و صدی دوازده بود.

مرتجعینی که با محمدعلی میرزا در سفارت روس متحصن بودند مجاز خواهند بود که با محمدعلی میرزا حرکت نمایند مشروط براینکه متحصنین از طرف خود وکیلی تعیین نمایند که هر کس از ایشان ادعایی داشته باشد، در حضور نماینده سفارت روس محکمه بشوند.

در خصوص محاکمه‌ای که ممکن است در باره این اشخاص اتفاق بیفتد از قبیل گفتگوی در باب قنات و غیره در اینکه آیا حضور نماینده سفارت روس لازمت یا خیر مورد بحث و ترتیب او به عهده تعویق افتاد و قرار شد که بعدها مابین سفارت روس و دولت ایران ترتیبی داده شود.

سواد یادداشتی که در همین قضیه من و همکار روسم به دولت ایران نوشتم لفآ ارسال شد. این چهار لفظ Pour les affaires Passées (برای کارهای گذشته) که در آن مراسله مذکور یادآوری شده بود باعث مذاکرات طولانی گردید. نمایندگان دولت ایران اصرار زیاد نمودند که بعد از کلمات poursuite civile (جلب به محاکمه) آن چهار لفظ گذارده بشود و اگر این چهار لفظ گذاشته می‌شد دیگر در محاکمات برای نماینده روس در دعاوی آتیه مجال حضور باقی نمی‌ماند.

رفتار سفارت انگلیس همیشه با پناهندگان سفارت موافق بوده است با اظهارات نمایندگان ایران به این معنی که سفارت انگلیس حمایت خود را همیشه در حق متحصنین برای اعمال گذشته ایشان معمول داشته [است] نه برای امور آتیه ولی مابین اشخاصی که در سفارت روس متحصن شده‌اند، کسانی هستند که در تحت حمایت روس می‌باشند در این صورت

مسئله تفاوت پیدا می‌کند و من می‌توانم بگویم تا مدتی که اشخاص مذکوره در تحت حمایت روس هستند و همکار روس من هم مایل نیست که از آنها سلب حمایت کرده باشد سفارت روس حق دخالت در امور راجعه به آنها را دارد. و به همین دلیل من با همکار روس همراهی نمودم.

نمایندگان دولت ایران قبول نکردند که مابین این دو قسم حمایت تفاوتی بوده باشد و اظهار نمودند که درباره تمام متحصنهای به یک ترتیب رفتار خواهد شد و طوری نمایندگان دولت ایران در این مطلب جدیت و ایستادگی نمودند که اگر همکار روس این عقیده خود را پیش ببرد، گمان می‌کنم بعد از این با تمام متحصنهای به همین طور رفتار خواهد کرد به این معنی که بعد از این هم درباره آنها حمایت نموده و مابین اشخاصی که در سفارت متحصن شده‌اند و اشخاصی که در تحت حمایت هستند تفاوتی نخواهند گذاشت. چون ما نتوانستیم در این مسئله اتفاق آراء تحصیل نماییم و بملحوظه اینکه در حرکت محمدعلی میرزا تعویق حاصل نشود مصمم شدیم که به دولت ایران یادداشتی فرستاده و تقاضا نماییم که این مسئله را عجالتاً مسکوت‌عنه بگذارند.

پروتکل ملوف را دیشب نمایندگان امضاء نمودند و باید که امروز به امضای تمام وزراء ایران برسد. تمام شرایطی که حرکت محمدعلی میرزا بسته به اجراء آنها بود به موقع اجراء گذاشته شد و امید است که تا عصر محمدعلی میرزا با اتباع مرتعین [مرتع] خود از سفارت روس حرکت نمایند.

بارگذاری

ضمیمه ۱ در نفره ۳۳۲

(پروتکل^۱ که در ۲۵ ماه اوت [۲ شهریور؛ ۸ شعبان] امضاء شده است).

محض تسریع در حرکت از ایران اعلیحضرت محمدعلی میرزا شاه سابق ایران که فعلاً در تحت حمایت سفارتین روس و انگلیس است وزیر مختار انگلیس و شارژدار روس از یک طرف و وزرای دولت ایران از طرف دیگر متفقاً ترتیب پروتکل ذیل را دادند.
آرتیکل^۲ اول اعلیحضرت محمدعلی میرزا چون اظهار نمودند که تمام جواهرات و سایر اشیاء سلطنتی که در تصرف ایشان بوده است به دولت ایران تسلیم کرده‌اند. دولت ایران بعد از ترتیب‌دادن صورتی از تمام جواهرات و اشیاء دیگری که تحویل گرفته است سیاهه‌ای از آنچه کسر است و از آنچه عوض شده است به سفارتین خواهد داد و سفارتین از محمدعلی میرزا توضیحات با دقت تحقیقی و تمام شرح و تفصیلی که ممکن باشد در اینکه جواهرات و اشیاء مذکوره چه شده است تحصیل خواهند کرد و در صورتی که بعضی از آنها در

۱) پروتکل (پروتکل)، *Protocol* — مقاولة نامه سیاسی — صورت مجلسی که در—

باده امور سیاسی میان مقامات رسمی دو یا چند کشور نوشته شود. - ۳.

۲) آرتیکل، *Article* — پند، ماده، موضوع، شرط، فقره. - ۳.

نزد خود اعلیحضرت یا اشخاصی که در بست سفارت روس هستند بوده یا توضیحاتی که داده اند خلاف باشد سفارتین هرچه در امکان ایشان باشد برای استرداد آن اشیاء به عمل خواهد آورد.

(۲) هرگاه بر حضور محاکمه های سفارتین معلوم شود که از تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸ ج - ۲۷] ببعد اعلیحضرت محمدعلی میرزا جواهرات و اشیاء سلطنتی را فروخته یا گرو گذاشته یا پنهان کرده است و ممکن نشود عین آن اشیاء را مسترد دارند دولت ایران قیمت آن اشیاء را از مستمری ایشان کسر خواهد نمود.

(۳) اعلیحضرت محمدعلی میرزا تمام اسنادی که دارد متعلق به جواهرات سلطنتی که در بانکها یا صرافخانه های دیگر که قرض می دهند یا در نزد اشخاص متفرقه در رهن پولی است که به ایشان داده اند به دولت ایران تسلیم می نماید و دولت ایران می تواند بمیل خود آن جواهرات مرهونه را از گرو بیرون بیاورد.

(۴) تمام قروض شخصی اعلیحضرت محمدعلی میرزا خواه از بانک استقراضی ایران که در اول ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸ ج ۱۲ - ۲] باضافه منافع بالغ بر دو کرور و چهارصد و سیزده هزار و چهارصد و سی و چهار تومان و شش هزار و هفده شاهی بوده است و خواه از تبعه خارجه که پیش از ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۲] استقراض شده و قبل از ۱۹ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۷ امرداد ۱۲۸۸ ۲ شعبان ۱۳۲۷] به وزارت امور خارجه اطلاع داده باشند و تمام آنها به ثبوت رسیده و از روی اسناد صحیحه باشند، تبدیل به حساب دولت ایران خواهد گردید که مسؤول ادائی آن وجوه خواهد شد. تفصیل جزئیات این تبدیل معامله بوجی اسناد مخصوصهای خواهد بود که باید هنتهی مدت در ۲۹ ماه اوت ۱۹۰۹ [۶ شهریور ۱۲۸۸ ۱۲ شعبان ۱۳۲۷] به امضاء برسد.

(۵) اعلیحضرت محمدعلی میرزا تمام املاک شخصی خود را که عمدۀ آنها واقعه در آذربایجان است به دولت ایران واگذار خواهد کرد و کلیۀ قبالجات و اسناد این املاک را به دولت ایران تحويل خواهد داد و قبالت مخصوص هم در واگذاری این املاک به دولت امضاء خواهد نمود. در خصوص املاکی که در بانک استقراضی ایران رهن است بانک مزبور سندی به دولت ایران خواهد داد که تصدیق می نماید انتقال این املاک را به دولت. و اما در باب املاک اگر گفتگویی پیدا شود اساساً از روی دفتر دولت ایران استداد خواهد شد.

(۶) دولت ایران در حق محمدعلی میرزا و خانواده او به استثناء اعلیحضرت سلطان احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد حالیه مستمری سالیانه به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ تومان مقرر خواهد کرد که از زمان حرکت اعلیحضرت از ایران ببعد هر سه ماه به سه ماه پیش بتوسط بانک استقراضی ایران تأديه خواهد گرد.

(۷) در صورت فوت محمدعلی میرزا دولت ایران در حق عیال و اولاد او با استثناء اعلیحضرت سلطان احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد حالیه مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان مستمری سالیانه برقرار خواهد کرد که در بین آنها تقسیم خواهد شد. در صورت فوت

هر یک از ایشان هم (مقرری) او بخودی خود مقطوع خواهد گردید.
۸) اعلیحضرت محمدعلی میرزا بعد از اعضاء این پروتوكل به فاصله ۴۸ ساعت از طهران خارج شده و به خارجه عزیمت خواهد کرد.

۹) در خصوص اشخاصی که حالیه در بست سفارت روس هستند و برای اعمال پلتیکی گذشتہ ایشان رعایت بست منظور می‌شود و از سفارت امپراطوری روسیه سیاهه اسامی آنها در یادداشت نمره ۳۴۹ بیستم شعبان (ششم سپتامبر) [۱۴ شهریور] به دولت ایران داده شده است مسلم است بدون آنکه در طهران یک وکیلی با شرایط تعهدی بگذارند، از ایران خارج نخواهند شد و در صورت جلب به محاکمه دعاوی که ممکن است در حق یکی از این اشخاص اتفاق بیفتد وکیل متقبل خواهد بود که به محکمه ایران حاضر شده و با حضور یکی از اعضاء سفارت روس از طرف هوکل خود جواب بگوید.
این شرط که باید یکی از اعضاء سفارت در محاکمه حاضر باشد، بطور استثناء است و موجب سابقه نخواهد شد.

۱۰) هرگاه یکی از این اشخاص به ایران مراجعت نماید از حقوق رعایت بستی که سابقاً ذکر شد محروم خواهد بود و دیگر بعنوان بستی درهیچیک از دو سفارت قبول نخواهد شد.
۱۱) دو نماینده دولتین بر عهده می‌گیرند که اعلیحضرت محمدعلی میرزا را جداً متبه نمایند برای آنکه فیما بعد از تمام تحریکات پلتیکی بر ضد ایران اجتناب نماید و دولت امپراطوری روسیه همچنین از طرف خود وعده می‌دهد که تمام مراقبت‌های مؤثره را بعمل بیاورد برای اینکه امثال چنین تحریکات از طرف او واقع نشود.

هرگاه اعلیحضرت محمدعلی میرزا از روسیه خارج بشود و همچنین اگر به سفارتین معلوم و محقق گردد که او در مملکت دیگری غیر از روسیه تحریکات پلتیکی بر ضد ایران می‌نماید دولت ایران حق خواهد داشت که مستمری او را قطع نماید.

در سه نسخه تحریر شد زرگنده ۲۵ ماه اوت [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] (۷ سپتامبر ۱۹۰۹) [۱۵ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۷]^{۱۱}

بارکلی
سابلین

فرمانفرما وزیر عدلیه
سپهبدار وزیر جنگ
سردار اسعد وزیر داخله
مستوفی‌المالک وزیر مالیه
صنیع‌الدوله وزیر علوم
سردار منصور وزیر پست و تلگراف
مشار‌السلطنه کفیل امور وزارت خارجه.

۱) علت بکار گرفتن دو گونه تاریخ میلادی این بوده است که تاریخ رسمی انگلیس و روس باهم تفاوت دارد. -۲-

ضمیمه ۳ در نمره ۴۴۲

یادداشت متحدالمالی که در ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۹ [۳۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] به دولت ایران فرستاده شده است:

نظر براینکه در آرتیکل ۹ پروتوكل در خصوص حرکت اعلیحضرت محمد علی میرزا از ایران نمایندگان دولت ایران میخواستند بعد از جمله «یکی از این اشخاص» عبارت «برای کارهای گذشته» را اضافه نمایند و این فقره باعث اشکال و موجب گفتگو شده بود. لذا عبارت مذکور از پروتوكل خارج شد تا بعد قراردادی در آن مابین دولت ایران و سفارت روس داده شود.

۲۳ اوت [۳۱ امرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] (۷ سپتامبر ۱۹۰۹) [۱۵ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۷]

نمره - ۴۴۳

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک آقا

افتخار دارم که لفاظ مجملی از حوادث چهار هفته اخیر را بطور معمول ارسال دارم.
بارکلی

ضمیمه در نمره ۴۴۴

حوادث ماهانه در ایران از ۷ ماه اوت لغایت ۸ ماه سپتامبر [۱۵ امرداد تا ۱۶ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۰ ربیع تا ۲۲ شعبان ۱۳۲۷]

طهران

پروتوكلی که در ۳ ماه اوت ترتیب داده شده بود و در آن پروتوكل حرکت شاه سابق را تا ۱۷ ماه اوت معین کرده بود تصدیق نیافته و بموضع اجراء گذاشته نشد. بعد از مذاکرات طولانی در هفتم ماه سپتامبر پروتوكل دیگری ترتیب داده شد که بموجب آن پروتوكل صد هزار تومن مستمری برای محمد علی میرزا معین گردید و بعلاوه دولت ایران تمام قروض او را که یکی از آنها ۳۰۰۰۰۰ لیره به بانک روسی بود به عهده خود گرفت و در عوض محمد علی میرزا تمام املاک شخصی خود را واگذار به دولت ایران نمود. مذاکره کنندگان از طرف دولت ایران اعضای مهم کمیته ملی بودند که معروف به هیئت مدیره هستند. حسینقلی خان نواب، تقی زاده، وثوق الدوّله، مستشار الدوّله هم از هیئت مذکوره داخل مذاکره کنندگان بودند.

انتخاب پانزده نفر نمایندگان طهران برای مجلس شورای ملی در اواسط ماه اوت به انجام رسید و اشخاص ذیل منتخب گردیدند: حاجی سید نصرالله، احشام‌السلطنه، وثوق الدوّله، حکیم‌الملک، صدیق حضرت، مستشار الدوّله، تقی زاده، ذکاء‌الملک، صنبیع الدوّله. حسینقلی

خان نواب، اسدالله میرزا، شیخ محمد حسین یزدی، یحیی میرزا، مؤمن‌الملک، و حیدالملک. در اول ماه سپتامبر محمد حسن میرزا برادر کوچک شاه را رسماً ولیعهد نمودند و در همان روز عفو عمومی برای تقصیرات پلیتیکی گذشته اعلان گردید لیکن با شرایط عدیده. وزیر اکرم که در ماه اوت حاکم طهران شده بود منفصل و بجای او معتمد خاقان برادر صدیق‌السلطنه تعیین گردید.

روزنامه حبل‌المتین طهران توقيف گردید و مدیر او برای طبع بعضی مقالات تدبیه شد. فعلاً ۱۰ روزنامه در طهران طبع می‌شود و چند عدد از آنها یومیه هستند. ایران نو جدیدتر از همه است. ظاهراً دولت در دست کمیته ملی است و از قرار معلوم سپه‌دار وزیر جنگ روابط خوبی با آنها ندارد.

غلب وکلایی که از طهران انتخاب شده‌اند اعضاء کمیته ملی هستند. کمیته مزبور نظم را در طهران برقرار نموده و قشون به تبریز و شیراز فرستاده است با وجود توجیهات [وجوه - پولهای] اجباری که از طبقه عالی گرفته‌اند باز هم پول لازم دارند و برای یک مساعدۀ صد هزار تومان با بانک شاهی مذاکره کرده‌اند، ضمانت این قرض جواهراتی است که به بانک گردی لیونه پاریس فرستاده خواهد شد، و قیمت آن جواهرات پانصد هزار تومان است.

بختیاریها و مجاهدین روی هم رفتند. چند روز قبل یک مجاهد در بازار دو نفر را مقتول و یک نفر را مجروح نمود. بعد از محکمه نظامی قاتل به مجازات رسید.

آخرین کسی که علنًا اعدام شد میر‌هاشم بود که در اول ماه اوت [۹ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] واقع گردید این شخص معروف به بد اخلاقی [بود] و برای شاه سابق کار می‌کرد. این مجازات در حق او خیلی به جا بود.

چرچیل منشی اول السنّة شرقیه

تبریز

در ۲۲ ماه اوت [۲۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] مخبر‌السلطنه حاکم جدید از اروپا مراجعت و از راه جلفا به تبریز وارد شد.

تقریباً در دهم ماه اوت ۲۵ نفر قزاق روسی با فداییها که یکی از مستخدمین کمپانی راه روس را مجروح و به یک دهی مابین مرند و جلفا برده بودند جنگ گردند. یک اسب از قزاقها کشته شد و ایشان سه‌نفر از فداییها را مقتول و ۷ نفر را مجروح ساخته و مابقی فرار گردند و مستخدم کمپانی را استخلاص دادند. این واقعه اسباب هیجانی نگردید.

رشت

شهر در آرامی برقرار است. سردار معتمد به حکومت گیلان و طالش معین گردیده است. ظل‌السلطان که برخلاف نصیحت دولتین مراجعت به ایران نموده بود در منجیل توقيف و به رشت عودت داده شد. با او بدرفتاری نشده است و می‌تواند آزادانه حرکت

نماید ولی ۲۵ نفر که اسم خود را «گارد افتخار» گذارده‌اند همیشه مواطن او هستند. از قرار مذکور ظل‌السلطان قول داده است که ۶۰۰۰۰ لیره به دولت جدید داده و بعلاوه ۱۴۰۰۰ لیره را که دو سال قبل به ملتیان قرض داده بود واگذار نماید ولی هنوز چیزی نپرداخته و مشغول مذاکره با پسران خود در طهران است. ۶ نفر نماینده گیلان برای مجلس انتخاب شده‌اند و بعضی از آنها هم به طهران وارد گردیدند.

استرآباد

در اوایل ماه اوت سالار معزز حاکم کنول از مردم مطالبه مالیات می‌کرد بعد از آنکه مردم قبول نکردند مالیات را بپردازنند، سالار معزز خود را به «دقوزها» ملحق ساخته و عده‌ای از تراکمه «دی» به کنول فرستاد. آنها چندین قریه را آتش زده و مقدار زیادی گاو و گوسفند غارت نمودند. اهالی از این فقره به هیجان آمده دهات سالار معزز را چاپیدند. خود سالار معزز با عیالش به صعوبت فرار کردند و حالا در بین تراکمه مشغول جمع‌آوری استعداد است.

مذکور است که طایفهٔ جعفریای و دی خیال دارند با دولت مشروطه طرف بشوند و می‌گویند تفنگهای جدید به گمش تپه برای فروش آورده‌اند. سپهبدار سالار مکرم را به حکومت معین نموده و قول داده است که دو فوج سرباز برای او خواهد فرستاد.

مشهد

شهر و اطراف قرین آرامی است. دولت جدید رکن‌الدوله را به ابقاء حکومت تصویب نموده است ولی مشارالیه از نداشتن قوهٔ شکایت می‌کند. انجمن محلی به او اطلاع داده است که هیچ اقدامی بدون دستور العمل قطعی طهران نباید بکند.

تریت حیدری

خبر خلع محمد علی شاه از طرف اهالی تریت به خوبی پذیرفته شد. ضیافتی بافتخار جلوس سلطان احمد شاه داده قونسولهای روس و انگلیس را هم دعوت کرده حاضر شدند. رفعت‌الدوله وارد ترشیز گردیده و در ۱۱ ماه اوت [۱۹ امرداد؛ ۲۴ ربیع] مشغول حکومت شد. در اواسط ماه اوت گفتند که شجاع‌الملک با ۳۰۰ سوار در نزدیکی «زاوه» است. مأموریت او این بود که اموال شجاع‌الملک مرحوم را که اسدالله در دولت‌آباد ضبط کرده بود تصرف نماید. اسدالله تهیه دفاع می‌نمود خبر تازه که رسیده مشعر براین است که مشارالیه کشته شده است.

سیستان

حسام‌الدوله از حکومت معزول و شوکت‌الملک دومرتبه منصوب گردیده است. تجار و اهالی معتبر بیرون‌جند خیلی خوشوقت از واقعات طهران شدند و شهر را دو شب چراغانی

نمودند، در سیستان این اخبار تولید هیجانی نکرد.

اصفهان

شهر فوق العاده آرام است. رئیس جدید نظمیه لیاقت خود را ثابت می‌نماید. ولی در شهر مردم خیلی ناراضی از عدم کفایت صهیمان السلطنه هستند. از آن طرف صهیمان السلطنه روز بروز بیشتر از کار خود متصرف می‌شود و اظهار می‌دارد که چندین هرتبه استغفاء داده است. مشارالیه از تعیین نمودن سردار اسعد سردار جنگ را به حکومت یزد و سه نفر دیگر از خوانین را به ریاست افواج، اظهار نارضایی می‌کند.

سردار جنگ در ۲۲ ماه اوت [۳۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] وارد اصفهان شد و در ۲۸ ماه هزبور حرکت به طرف بختیاری نمود. رفتن او به یزد محل تردید است. راههای از طهران به یزد به امامقلی خان سپرده شده است. از قرار معلوم اغلب راهها خیلی امن تن از سابق است. راه شیراز تا آباده خوب امن است.

کاروانی که مرکب از ۷۰۰ مال بود در ۱۴ ماه اوت [۲۲ امرداد؛ ۲۷ ربیع] به اصفهان رسید. از راه سلطان آباد خیلی شکایت داشتند. فقط سرقتی که راپورت داده شده است زدن پست عازم طهران بوده است که در ۲ ماه اوت در نزدیکی مورچه‌خوار اتفاق افتاده است. بواسطه نزدی الوار، راپورتهایی که از سلطان آباد می‌رسد، هشتر بر نامنی زیاد در آن نقاط است. الوار مذکور در تحت حکومت بروجرد و عراق [=اراک] هستند. بواسطه عدم استعداد، قائم مقام قادر به جلوگیری از آنها نیست. نواحی کزاز و فراهان و سریند را الوار تاخت و تاز نموده و از قرار معلوم به کارخانجات قالیبافی هم خسارت بسیاری وارد آمده است.

در سلطان آباد عده زیادی از مردم بیرق روس خریده و خیال دارند در موقع خطر در منزلهای خود نصب نمایند. بیرق روسی را در قریه موسوم به جیل که متعلق به صارم‌الدوله است نصب کرده‌اند. معلوم نیست که بیرقها از طهران فرستاده شده است یا از اصفهان آورده‌اند. این نامنی دولت جدید را منفور خواهد کرد.

یزد

تقریباً در اواسط ماه اوت عبور و مرور از یزد به نقاط دیگر مقطوع شده است. دستجات بزرگ نزد که عده آنها از ۲۰۰ الی ۶۰۰ نفر است در راهها حرکت می‌نمایند. از قراری که راپورت رسیده است این دزدان از ایل عرب فارس که سپرده قوام‌الملک است می‌باشند چندین پست سرقت شده است.

در ۲۴ ماه اوت دو نفر خانم میسیونر انگلیسی که به یزد مراجعت می‌کردند. گرفتار نزدیان شده و تمام دارایی آنها را غارت نمودند. بطوری که می‌گویند دزدها از ایلات فارس بودند. سفیر اعلیحضرتی از دولت ایران خواهش کرده است که اقدامات فوری برای مجازات نزدیان و استرداد اموال مسروقه به عمل بیاورد.

در ۲۸ ماه اوت راپورت رسید که شهر در کمال آرامی است. انتخابات برای مجلس

شورای ملی بواسطه اقدامات بعضی ارادل شهری که مردم را تهدید به قتل نموده‌اند، اگر مداومت در انتخابات بشود در عهده تعویق افتاده است. سردار جنگ بختیاری به حکومت یزد معین گردیده است. هشارالیه در ۲۳ ماه اوت در اصفهان بود و بعد از آن به طرف بختیاری حرکت کرده است. هنوز متصدی حکومت نشده است.

کرمان

در ۱۷ ماه ژویه تلگرافی از سپهبدار رسید که جلوس شاه جدید را اعلام داشته و تمام مأمورین را به کارهای خود ابقاء کرده بود. شهر را سه شب چراغانی نمودند ولی نه به حد افراط و دیوانگی. کرمانیها دوست قاجاریه نیستند ولی گمان هم نمی‌کنند که ایلات دیگر به رؤسای بختیاری تمکین نمایند.

در اواخر ماه ژویه اغتشاش جزئی در شهر روی داد که در آن اغتشاش یک نفر مقتول و یک نفر مجروح گردید. اغتشاش بواسطه نزاع فیما بین پسر مرحوم آقا باقر و نایب‌الحکومه شروع شد. نایب‌الحکومه استعفاء نموده و نصرت‌الممالک به جای او معین گردیده است. حکومت نظام‌السلطنه موقوف شده است. در ۲۰ اوت مستر رایت [از] اجزاء بانک‌شاهنشاهی که برخلاف مصلحت قنسول اعلی‌حضرتی از کرمان حرکت نموده بود در ناصریه که ۶۰ میل شرقی کرمان است دزدان او را نگاه داشتند. عده ایشان از ۶۰۰ الى ۱۰۰۰ نفر بوده است. از قرار معلوم دزدان قصد آزار مستر رایت را نداشتند بلکه مقصود آنها این بوده است که نگذارند هشارالیه حرکت دزدان را به مأمورین دولتی اطلاع دهد ولی یکی از همراهان مستر رایت بواسطه زخمی که از دزدان خورده بود مرد.

در ۲۴ ماه اوت مستر رایت خلاص شد و به مستر جیمس از اجزا تلگرافخانه هند و اروپ که به کمال‌آباد برای جستجوی او و تعمیر سیم تلگراف که دزدان قطع کرده بودند آمده بود ملحق گردید. این دو نفر در موقعی که دزدان به رفسنجان حمله می‌آوردند به آن شهر رسیدند. هرچند به ایشان متعرض نشدند ولی خطر خوزدن تیر به آنها بود. بعد دزدان از اطراف شهر کناره گرفتند و در ۲۶ ماه اوت خبر رسید که آنها در ۱۵ میلی کمال‌آباد هستند. از قراری که مذکور است این دزدان از ایل بهارلوی فارس هستند. پس از آنکه سفیر اعلی‌حضرتی از حرکات این راهزنان به وزیر داخله شکایت کرد، وزیر داخله به قوام‌الملک حکم نمود که اقدامات فوری در جلوگیری از این دو ایل که در تحت ریاست او هستند بنماید.

از قرار راپورت قوام‌الملک با استعداد از شیراز حرکت کرده است و بعلاوه یکی از اقوام رئیس ایل را در شیراز توقیف نموده و به دزدان تلگراف کرده است که خانه‌های ایشان را خراب خواهد کرد. در اوائل ماه سپتامبر دزدان باز مشغول غارت بودند.

کرمانشاهان

ظهیرالدوله به حکومت باقی است و تا یک اندازه در مقابل ظهیرالملک بی‌قدرت است ولی دولت مرکزی به او قول همراهی داده ۳۰ نفر قزاق و ۷۰ نفر سوار دیگر برای کمک

او فرستاده شده است.

سپهبدار تلگرافی به اهالی کرمانشاه نموده که ملت روس و انگلیس خیلی مساعدت برای تحصیل مشروطیت ایران نموده‌اند و نباید ضدیتی نسبت به آنها بشود و همچنین تلگراف دیگری کرده است که مختار‌السلطنه به ریاست قشون کرمانشاه تعیین شده است و به همین زوایها با فوج خود وارد خواهد شد. این تعیین، قوهٔ ظهیرالملک را کم خواهد کرد به جهت آنکه افواج فعلای در دست او هستند. سه نفر وکیل کرمانشاه برای مجلس شورای ملی انتخاب شده‌اند.

بنابر رایپورتی که از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بغداد برای این سفارت رسیده است معلوم می‌شود که شیخ عبدالله زنجانی که یکی از علمای معروف نجف است در اوایل ماه اوت به قصر شیرین رفته و از طرف خود و ملا محمد کاظم خراسانی به ولایات تلگراف کرده است که مالیات را به شاه جدید اداء نمایند و اهتمام در آسایش مردم بجا آرند. در ۲۱ ماه اوت ملا محمد کاظم تلگرافی به یکی از علمای کرمانشاه نمود هبّنی بر آنکه علماء باید سعی در جلوگیری از فساد نموده نگذارند امثال اغتشاشی که در کرمانشاه روی داده بود پیدا شود و بعلاوه نگذارند در آتیه هم نظایر آن ظهور یابد.

دو تلگراف متحداً‌المآل به ولایات از وزیر داخله در خصوص محافظت راهها برای حکومت واصل گردید. مقصود از این تلگرافات این بود که به قراسورانها لیاس مخصوص داده و حقوق آنها پرداخته شود که دیگر مسافرین را اذیت نکنند و برای مسافرین خارجه مستحفظ خوبی تهییه شود.

شیراز

شهر آرام است و منتظر سهام‌الدوله حاکم جدید هستند که در ۲ سپتامبر با کالسکه پستی از اصفهان حرکت کرده است. لیوتان کراسویت که استعداد برای مستحفظین قنسول‌خانه آورده بود با ۵ نفر سوار به طرف بوشهر مراجعت کرد ولی بواسطه قب سختی که به او عارض شده بود مجبور گردید که از دشت ارژن به شیراز مراجعت نماید. ظاهراً ایل عرب بکلی از اطاعت خارج شده‌اند. تاخت و تاز آنها به رفسنجان و یزد هم رسیده است. از ۵ الی ۲۵ ماه اوت ۱۷ مرتبه سیم تلگراف را در نزدیکی شیراز قطع نموده‌اند.

با اینکه قوام‌الملک خودش در میان ایل است ولی ازقرار معلوم نمی‌تواند جلوگیری از آنها بنماید. از رایپورتهای اخیره مستفاد می‌شود که مشارالیه با استعداد برقراری نظام حرکت نموده است. این اقدام نتیجه احکام از طرف دولت مرکزی است. از قرار معلوم قشاییها آرام هستند و قنسول اعلیحضرتی رایپورت می‌دهد که مسئله عمدۀ همان اقتداری است که صولت‌الدوله مابین قشاییها پیدا کرده است، صولت‌الدوله در ۱۶ ماه اوت از شیراز به طرف آباده برای ملاقات حکمران جدید عزیمت کرد. راه معمولی اصفهان تا آباده بکلی بواسطه دزدان مسدود شده است و هستر هیدلیتن یکی از اجزاء بانک شاهنشاهی را در دومنزلی شیراز دزد زده است. مشارالیه بدون اطلاع قنسول اعلیحضرتی و بدون

همراه بردن مستحفظ از شیراز حرکت کرد و بود. در این موقع سال اغلب کاروانها از راه سرحد به اصفهان حرکت می‌نمایند و این راه از قرار قاعده باز است. در ۳ ماه سپتامبر ۱۵۰ نفر قزاق ایرانی و ۱۵۰ نفر سوار دیگر در معیت حاکم فارس از طهران به طرف شیراز حرکت کردند. راپورت داده شده است که سید لاری در ۳۰ ماه ژویه لار را دو مرتبه تصرف نموده است. اقدامات آتیه او اسباب اضطراب شده است ولی مستر بیل گمان می‌کند که صولت‌الدوله نخواهد گذاشت مشارالیه اغتشاشی در اطراف شیراز فراهم نماید.

بوشهر

در ۱۲ ماه ژویه [۲۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] به بوشهر تلگراف رسیده که رئیس علماء نجف خیال دارد به طرف ایران عزیمت نماید. سید اسدالله مجلسی تشکیل داده که همراهی با این مقصود بشود و اعانه پولی هم شروع شده — ۶۰۰ لیره قبول کردند بدنهن. در ۱۶ ماه ۲۴۰ لیره از آن مبلغ را به اصفهان نزد رؤسای ملتیان فرستادند، و بمحض آنکه دریابیگی از تنگستان حرکت کرد رئیس علی و حسن بکشو [بخشو] دهات خود را تصرف نمودند. خیلی جای تأسف است که از طهران به دریابیگی حکم شد با ملایمت با این اشخاص رفتار شود. در ۲۹ ماه حسن بکشو با ۲۵ نفر به نزدیکی سبزآباد که تا بوشهر ۷ میل مسافت دارد برای تظلم به انجمن محلی از دست دریابیگی آمد. دارد

در ۲۱ ماه ژویه سپهبدار تلگرافی به دریابیگی نمود که به خوانین و علماء و اشخاص دیگر فتح ملتیان را اعلام داشته و به آنها حکم نماید که دست از اغتشاش بردارند والا مسؤول عواقب آن خواهند بود. در همان روز تلگرافی به حکومت رسید که برای جلوس شاه جدید سه روز تعطیل را معمول دارند. این تلگراف در حضور تمام اشخاص مهم قرائت شد. بازارها بسته چراغانی و آتش‌بازی به عمل آمد. انجمن محلی هفت‌های چند مرتبه منعقد می‌گردد. در جلسه ۲۶ ماه ژویه مسئلهٔ حرکت استعداد برای قنسولخانه شیراز و همچنین تلگرافی که از سردار اسعد و سایر اشخاص دیگر رسیده بود محل مذاکره واقع گردید. سردار اسعد در تلگراف خود اظهار می‌داشت که احکام عدیده به صولت‌الدوله و سید عبدالحسین لاری فرستاده شده است که اغتشاش فراهم نیاورند. سید اسدالله هم تلگرافی به همین مضامین به اشخاص مذکوره مخابره کرد. در ۳ ماه اوت جلسه منعقد گردید و در آن جلسه دریابیگی دو طغرا تلگرافی که از وزیر داخله برای او رسیده بود قرائت نمود. در تلگراف اول به دریابیگی حکم شده بود که ۱۲۰۰ لیره پولی که از گمرک بندرعباس و تفنگهایی که از گمرک بوشهر به سرقت برده شده است پیدا نماید و در تلگراف دوم به مشارالیه امر شده بود سید‌شیر را از لنگه خارج سازد و این حکم بواسطهٔ شکایت اداره گمرک از او بوده است. سید اسدالله از اعضاء انجمن تقاضا نمود که با دریابیگی مساعدت و همراهی نمایند تا حکم راجع به سرقت پول و تفنگ از گمرک را بموضع اجراء بیاورند و در خصوص تلگراف ثانی قرار بر این شد که شیخ علی دشتی به لنگه فرستاده شود تا تحقیق در تفصیل مطلب بنماید شاید مراتب از طرف رئیس گمرک به وزیر داخله بد فهمانده شده باشد. سید اسدالله پیشنهاد نمود که خوب است انجمن یک محکمه کوچکی

برای ترتیب دعاوی تشکیل بدهد.
در این اوقات اوضاع راه بوشهر به شیراز خیلی بد است. در کنارتخته دائمًا دعوا برقرار
است. در این اواخر کاروان از راه فیروزآباد حرکت می‌نماید.

بندرعباس

خبر فتح ملتیان و تحصن شاه به سفارت روس در ۱۶ ماه ژویه به آنجا رسید. تلگرافی
که این خبر را اشعار می‌داشت در خانه شیخ علی در ملاء عام قرائت گردید. در ۱۸ ماه
خبر جلوس سلطان احمد شاه واصل و با کمال مسرت از طرف اهالی پذیرفته شد. به
حامل این خبر که یکی از رؤسای تلگرافخانه ایران بود، در محضر عمومی خلعت با یک
ساعت طلا داده شد. در ۱۷ ماه ژویه تمام بازارها را بسته و مجلسی از اشخاص عمدۀ شهر
تشکیل یافت.

امضاء مأذور استوکس آتاشه میلیتر

نفره - ۲۳۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ [۴ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۱
رمضان ۱۳۲۷] از قله‌ها.

ظل‌السلطان

ظل‌السلطان صدهزار تومان به اعانت بانک شاهنشاهی به دولت ایران پرداخت و باکشتنی
آینده از انزلی حرکت خواهد کرد.

نفره - ۲۳۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه اول اکتبر ۱۹۰۹ [۸ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۵
رمضان ۱۳۲۷] از طهران.
شاه سابق در ۳۰ ماه سپتامبر [۷ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۷] از انزلی به طرف
روسیه حرکت کرد.

نفره - ۲۳۶

مراسله سر ادوارد گری به سر نیکلسن مورخه ۵ اکتبر [۱۲ مهر ۱۹؛ ۱۲۸۸ رمضان
۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
آقا

کنت بنکنندورف امروز نزد من آمده و اظهار داشت که برای تعطیل می‌خواهد مسافرتی
نماید. من موقع را غنیمت شمرده و به او اهمیت تخفیف قشون روس را در ایران خاطر-

نشان نمودم. کنت بنکندرف گفت که اوضاع روی هم رفته آرام و اطمینان بخش نیست. حوادث و اتفاقات دائماً بروز و ظهور می‌نماید. مشارالیه گمان می‌کرد که مشکل است تمام قشون خارج شوند. من جواب دادم که مقصود خارج شدن کلیه قشون نیست هر چند البته من خیلی خشنود خواهم شد اگر دولت روسیه این کار را ممکن و بی‌خطر فرض نماید بلکه مقصود من از آنچه گفتم تخفیف در عده قشون است. بعلاوه اظهار نمودم که حاکم تبریز از قرار معلوم واقعاً آدم خوبی است و می‌خواهد که به اتفاق روسها کار بکند و من همیشه به دولت ایران می‌فهمام که هنفعت آنها در این است که با روسها خوب رفتار نمایند لیکن نگاه داشتن عده به این زیادی قشون روس در ایران به احساسات ایرانیان برمی‌خورد. کنت بنکندرف از من سوال کرد که آیا ایرانیان به تازگی در این خصوص شکایتی کرده‌اند، من گفتم که تازگی از آنها چیزی نشنیده‌ام و علت هم این است که جوابهایی که من سابقاً به وزیر مختار ایران در این خصوص داده‌ام طوری نبوده است که او را تشویق به تجدید این مذاکره نماید. من به او گفتم که مسئله قشون کاری است که باید مابین ایران و روسیه مذاکره و تسویه شود و روسیه به تنهایی خود می‌تواند حکم نماید که اوضاع چه قسم اقدامی را برای حفظ منافع او لازم دارد ولی باز من به کنت بنکندرف خاطرنشان نمودم که اگر دولت ایران بتواند در موقع افتتاح مجلس به مجلس نشان بدهد. که عده زیادی از قشون روس خارج شده‌اند، بدون شبه اثر خوبی به احساسات ایرانیان خواهد بخشید و این اقدام خلوص نیت روسیه را نسبت به ایران در نظر آنان ظاهر خواهد ساخت و برای آنها هم آسان خواهد نمود که حس صمیمیت و دوستی خودشان را آشکار نمایند.

من به او گفتم که این مطالب را من حالا به شما می‌گویم مخصوص اینکه وقتی در سن پطرزبورغ هستید به دولت روسیه اهمیتی که من به این مطلب می‌دهم بفهمائید. من شنیده‌ام که سفير روسیه در طهران اظهار عقیده نموده است که می‌توان تخفیف در قشون داد. ممکن است امور از حال شروع برگتن در راه راست نماید ولی هرگاه امور به هجاری اعتدال نیافتد و اگر کنت بنکندرف نتواند در پطرزبورغ آنچه را که من در این خصوص قبل از حرکت مشارالیه از لندن به او گفته‌ام بگوید، آن وقت اهمیتی که من به این مسئله می‌دهم درست فهمیده نخواهد شد.

کنت بنکندرف به من اظهار نمود که دولت متوجه او از ترتیبی که سر بارگلی با مسیو سابلین در طهران همراهی نموده است بسیار راضی است. در جواب من اظهار رضایت کامل از حرکات صادقانه مسیو سابلین نموده و گفتم که او در این موقع بسیار دشوار عقل و سیاست حقیقی را در بنای اساس اتفاق به کار بردۀ است.

ادوارد گری

نمره - ۴۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۴ مهر ۱۲۸۸؛ رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

قشون روس

من گمان می‌کنم که این موقع برای اعاده قشون روس از قزوین موقع بسیار خوبی است. راه ارزلی به طهران امن است و نظم هم کاملاً در پایتخت برقرار است. در این ایام هیجان بر ضد روسها کمتر شده است ولی استدامه قشون روس در قزوین بدون شببه تولید هیجان خواهد نمود. موقع خطرناکی که قشون برای جلوگیری از آن آمده بودند پیش نیامده است و در خصوص آینده اگرچه ممکن نیست بطور حتم گفته شود که اغتشاش روی نخواهد داد ولی موقع حالیه بقدرتی مفتتم برای اعاده قشون روس است و احتمال خطر برای خارجه به عقیده من باندازه‌ای دور است که این موقع را نباید از دست داد برای اقدامی که در صورت ظهور هیجان بر ضد روسها برای روسیه مشکل خواهد بود که آن را به صورت خوش اجراء دارند.

نمره - ۴۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۷ مهر ۱۲۸۸؛ رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

قشون روس

مسیو پاکلاؤسکی [پاکلاؤسکی] به من اطلاع می‌دهد که دولت روسیه هضم شده است که نصف قشون قزوین خود را مراجعت ندهد.

نمره - ۴۳۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۱ مهر ۱۲۸۸؛ رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

اردبیل

کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگراف ذیل را مخابره کرده است: موقع اردبیل خطرناکتر شده است. رؤسای شاهسون که به ستارخان تسلیم شده بودند با رحیم خان جنگ نخواهند کرد و از شهر خارج شده‌اند. ظاهراً یکی از رؤسای قوی قراداغ موسوم به ضرغام که گمان می‌رفت با رحیم خان ضدیت دارد حالاً با او همراهی نماید.

تلگرافی به امضا رحیم خان و چند نفر از رؤسای شاهسون به این عنوان «سفرت

روس اعیلی‌حضرت محمدعلی شاه» نزد همکار روس من فرستاده‌اند که او به محمدعلی میرزا برساند. آنها در این تلگراف اظهار می‌دارند که تمکین به اوضاع حاضر خواهند کرد و بعد از تصرف اردبیل به طرف پایتخت حرکت خواهند نمود. موعدی که برای حرکت خودشان قرار داده بودند منقضی شده و آنها فقط شمال شرقی اردبیل را تصرف کرده مشغول غارت هستند. ژنرال قنسول روس قول داده است که تلگراف مذکور را پس فرستاده و جواب بددهد که آدرس تغییر کرده است.

مخبر السلطنه مشغول تهیه برای رفع اغتشاش است و گمان می‌کند که فعلاً خطریزگی در پیش نیست. قوهای از طهران فرستاده شده است در سراب توقف خواهند نمود. عجالتآ در زنجان مستبدین به ریاست یکی از علماء معروف آنجا راهها را مسدود و اغتشاش برپا می‌نمایند.

نمره - ۳۴۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۲ مهر ۱۲۸۸ رمضان ۱۳۲۷] از طهران (راجع است به تلگراف ۱۴ اکتبر من) وزیر داخله به من اطلاع داد که اغتشاش در زنجان کمتر شده است و قشونی که از طهران اعزام گردیده از زنجان گذشته و به طرف تبریز رهسپار است.

نمره - ۳۴۱

مراسله سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۲ مهر ۱۲۸۸ رمضان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
آقا

مراسله ۹ ماه گذشته شما که در آن سوادی از پروتکل امضا شده ۷ سپتمبر درخصوص تسلیم نمودن شاه سابق جواهرات سلطنتی را و فقرات دیگر که هربوط به حرکت او از خاک ایران بود واصل گردید. من امضاء نمودن شما پروتکل را، تصویب می‌کنم و این موقع را معتبر شمرده اظهار رضایت کامل از طرزی که شما مذاکرات راجعه به این مسائل را انجام داده‌اید می‌نمایم.

ادواردگری

www.adabestanekeave.com

نمره - ۳۴۲

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۸ مهر ۱۲۸۸ رمضان ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.
آقا

مسیو سازانوف امروز به من اطلاع داد که امروز یا فردا روزنامجات خارج شدن ۹۰۰ نفر از قشون متوقف تبریز را اعلان خواهند کرد. مشارالیه مذکور داشت که به این ترتیب نصف از قشون ساخلو آنجا مراجعت می‌کنند. من به ایشان گفتم که این خبر خوشی است و امیدوارم که اثر خوب در ایران بیخشد و بعلاوه از ایشان سوال نمودم که آیا ممکن نیست یک چنین تخفیفی هم در قشون قزوین داده شود؟ مسیو سازانوف گفتند که موقع برای تخفیف در قشون قزوین هنوز نرسیده است و ممکن نیست بتوان گفت که چه اتفاقات در همین اوقات روی خواهد داد و بعلاوه قشون روس در قزوین فقط ۱۶۰۰ الی ۱۷۰۰ نفر است. مشارالیه اظهار امیدواری کرد از اینکه اقدامی را که دولت روسیه مصمم شده است در خصوص قشون تبریز خود به عمل بیاورد موجب حصول اطمینان از خلوص نیت روسیه خواهد گردید.

مسیو سازانوف گفت الان برای من خبر رسیده است که شاهسونها دوباره شروع به غارت اطراف اردبیل کرده‌اند. آنها برای خودشان کار می‌کنند و هیچ خیال سیاسی در سر ندارند و مقصود آنها غارت است. ستارخان رفته بود که انتظام را در آن نقاط برقرار سازد ولی معلوم می‌شود نتوانسته کاری صورت دهد.

نیکلسن

۱۲ اکتبر — روزنامه اخبار رسمی امروز اظهار می‌دارد که: «۴ گروهان پیاده، نصف گروهان مهندس، یک باطنی توپخانه صحرایی از تبریز اعاده خواهد شد و آن وقت در تبریز دو گروهان پیاده ۴۰۰ نفر قزاق — یک باطنی توپخانه صحرایی و نصف گروهان مهندس باقی خواهند ماند.» و بعلاوه اظهار می‌دارد که مابقی قشون هم پس از آنکه دولت روسیه مطمئن گردد که امنیت و نظم دائمی برقرار خواهد بود مراجعت داده می‌شوند.

نمره — ۴۴۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۵ مهر ۱۲۸۸ شوال ۱۳۲۷] از طهران.—
من اطلاع حاصل نمودم که دو گروهان پیاده و یک باطنی توپخانه در ۱۶ ماه اکتبر از تبریز به طرف روسیه حرکت نموده‌اند.

نمره — ۴۴۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ اکتبر ۱۹۰۹ [۳۰ مهر ۱۲۸۸ شوال ۱۳۲۷] از طهران.—

اردبیل

راجع به تلگراف ۱۴ اکتبر من: تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است: شاهسونها و قراداغها اردبیل را محاصره کرده‌اند و چند

روز است جنگ مداومت دارد. مشکل است اطلاعی از آنجا حاصل نمود به جهت اینکه سیمهای تلگراف قطع شده است ولی از قرار معلوم ستارخان سخت گرفتار است و مخبر-السلطنه حکم نموده است که هزار نفر سوار در تحت ریاست صمدخان بدون تعویق به طرف سرای حرکت نمایند. منتظرند که ۲۰۰ نفر سوار اینانلو فردا وارد شوند. ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با چهار توب امروز وارد تبریز شده‌اند بقیه قشونی که از طهران فرستاده شده است از قرار معلوم هنوز هم در زنجان هستند. حکومت زنجان مشغول قلع و قمع مستبدین آنجا است. اردویی برای خلاصی اربیل تهیه می‌شود و اردوگاه در بیرون تبریز است.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ اکتبر ۱۹۰۹ [۱ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از طهران.

اردبیل

راجع به تلگراف ۲۴ اکتبر من:

مسیو پاکلوسکی [پاکلوسکی] به من اطلاع داد که قسول روس در اردبیل از دولت متبوعه خود تقاضای استعداد برای محافظت جان و مال اتباع روسیه نموده است. دولت ایران سعی کامل می‌نماید که این اوضاع را تسویه کند. ۴۵۰ نفر با دو عراده توب از طهران فرستاده شد.

نمره - ۲۴۶

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۶ شهریور ۱۲۸۸] ۲ رمضان ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

راجع بماده ۴ پروتوكل که در مراسله ۹ این ماه خود ارسال داشتم افتخار دارم از رایپورت اینکه مابین دولت ایران و بانک روس برای عهده گرفتن دولت ایران قروضی را که شاه سابق به بانک مذکور داشت قراردادی گذاشته شده است. این قرض که تنزیل او صدی شش است در مدت ده سال پرداخته خواهد شد. ضمانت آن عایدی گمرکات شمال است.

بارکلی

نمره - ۳۴۷

مراسله سر بارکلى به سر ادوارد گرى مورخه اول اکتبر ۱۹۰۹ [۸ مهر ۱۲۸۸] رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

راجع به تلگراف ۱۸ ماه اوت گذشته شما:

آقا

افتخار دارم از اظهار اينکه مراسله ۱۸ ژوئیه مازور کاکس برای من و اصل گردید و لفأ سواد يادداشتی را که به دولت ایران ارسال داشتهام در خصوص نامنی راههای جنوب و هرگز مالیاتهای غیرقانونی بتوسط ایلات مخصوصاً در راه بوشهر به شيراز تقديم می‌نمایم:

چند روز قبل در همین خصوص من با سردار اسعد وزیر داخله مذاکره کردم ايشان به من گفتند که مشغول تهییه طرحی برای ترتیب مستحفظین راهها هستند و اظهار اطمینان نمودند که به آن ترتیب راهها امن خواهد شد و به من قول دادند که جزئیات آن طرح را به من اطلاع دهند.

(ضمیمه در نمره ۳۴۷)

مراسله سر بارکلى به سردار اسعد مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۹ [۳۱ شهریور ۱۲۸۸] رمضان ۱۳۲۷] از قلهک.

جنابا بر حسب دستور العمل وزیر خارجه اعليحضرتی من افتخار دارم که دقت جدی دولت ایران را به اوضاع ناگوار طرق و شوارع جنوب ایران عموماً و راه فیما بين بوشهر و شيراز خصوصاً جلب نمایم. اين راه اخير بواسطه اغتشاش و دزدی و مالیاتهای غیرقانونی تقریباً در این اواخر برای تجارت مسدود شده است. مراجعته به استatisitik پنجماهه اول گمرکات هذه السنة بوشهر نشان خواهد داد که اين اوضاع چه نتیجه هضري به خزانه ایران بخشیده است ولی آنچه را که به من اساساً مربوط است خسارت اين اوضاع به منافع انگلیس است و وظیفه من است به دولت ایران بفهمانم که دولت انگلیس خسارتی که [خسارتی را که] بواسطه هوفق نشدن دولت ایران در برقراری امنیت راه جنوب به تجارت انگلستان وارد می‌آيد مسئله خیلی وخیم و قابل توجه برای خود می‌داند. بر عهده من است که لزوم اقدامات لازمه را در امنیت راهها بشما اصرار نمایم و مخصوصاً تکلیف من است که در رفع مالیاتهای غیرقانونی راهها بموجب ماده چهارم عهدنامه تجارتی ۱۹۰۳ [۱۲۸۱ خ: ۱۳۲۰ ق] انگلیس و ایران ایستادگی کنم.

بعلاوه سرقتهايي که در مال التجاره راه شيراز به بوشهر می‌شود لفاً صورت مالیاتهای غیرقانونی که مابین بوشهر و کازرون گرفته می‌شود به جناب شما نشان خواهد داد که در مسافتی که زیاده از صد میل نیست مبلغ ۱۵ قران از هر بار قاطری مأخوذه می‌گردد یا بعباره اخري ۱۰۰ قران برای هر طونی [تن = ۱۰۰۰ کيلو] دریافت می‌شود. بر من

است که جد نماییم برای رفع فوری این مزاحمت زیاد برخلاف قانون که عمدۀ خسارت آن به تجارت انگلیس وارد می‌شود.

بارکلی

نمره - ۳۴۸

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۴ مهر ۱۲۸۸]؛ ۲۱ رمضان [۱۳۲۷] از طهران آقا

در این ۴ هفته اخیر ترتیب دولت بعضی تغییرات یافته است. در تلگراف ۱۳ سپتامبر [۲۱ شهریور؛ ۲۷ شعبان] انحلال هیئت مدیره را راپورت داده بودم. این اقدام بواسطه حرکت محمد علی از طهران بود که بعد از رفتن او اوضاع تا یک اندازه تسویه شده و دیگر وجود هیئت مزبور برای نظارت در امور لازم نبود. وزراء بعد از این مستقل مشاغل خود را انجام خواهند داد.

بداین هیئت که تاکنون خود را هیئت مدیره می‌خوانند چند نفر اعضای جدید الحاق شده و کار این هیئت فقط صلاح‌اندیشی خواهد بود.

بعد از آنکه هیئت مدیره منفصل گردید. اعضای مهم آن از قبیل تقی‌زاده و حسین قلیخان بکلی خود را از کارهای دولتی کنار کشیده وزراء را به حال خود گذارند. این ترتیب از پیش نرفت به جهت آنکه وزراء بواسطه ذاشتن همراهی اشخاصی که بدون شباهه قسمت متنفذ مجلس را تشکیل خواهند داد مسئولیت خود را زیاد نمی‌دهند و فوراً به آنها اصرار نمودند که کناره‌جویی را کنار گذارند.

وزراء در این اقدام خود یک اندازه موفقیت حاصل نمودند. هر چند اغلب اعضاء هیئت مدیره در مجلس وزراء حاضر می‌شوند، ولی از قراری که من استیباط کرده‌ام اعضاء مهم آن صورتاً و محض رفع تکلیف می‌روند و واضح است که ایشان با وزراء آن همراهی سابق را که وزراء با آن همراهی توانستند مسئولیت بعضی شروط مهمه قراردادی که برای حرکت محمد علی میرزا با سفارتین داده شد در عهده بگیرند ندارند.

در این اواخر هوقع کابینه به صورت ظاهر بواسطه تعیین رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه قوت یافته است. این دو شغل مدتی بود به امید آنکه ناصرالملک قبول خواهد کرد معطل مانده بود. ناصرالملک جداً قبول کاری نکرده است لهذا سپهبدار رئیس‌الوزراء و علام‌السلطنه وزیر امور خارجه منتخب شدند.

به من در این ایام اشاره نشده است که دولت از ما مساعده خواهد خواست. به طوری که اطلاع دارید ظل‌السلطان ۱۰۰۰ تومن پرداخت. این پول و مصادرات امسال آن بعلاوه وجودی که از منابع دیگر از قبیل ضرایخانه عائد می‌شود عجالتاً اداره دولت را تا افتتاح مجلس بطور دست و دهن راه خواهد برد.

از قراری که شنیده‌ام نمایندگانی که انتخاب شده و به طهران آمده‌اند عده‌شان تقریباً

۴۵ نفر است.

در این ۴ هفته اخیر اخبار ولایات به استثنای بی‌نظمی در راههای جنوب نسبتاً خوب است. خبر اغتشاش دیگر از سلطان‌آباد و کرمان که در راپورت سابق ذکر شد نرسیده است. به سلطان‌آباد قشون فرستاده شده است. قوام‌الملک به سمت حکومت به کرمان وارد گردیده [است]. کرمان مدتی بود که بواسطه نداشتن حاکم دچار صدمات شده بود. ورود قوام‌الملک از قرار معلوم مفید واقع شده است. راه از یزد به افار (=انارک؟) از قراری که راپورت رسیده خالی از دزد است. سردار جنگ یکی از خوانین بختیاری با ۴۰۰ نفر سوار بختیاری به همین زوایها به سمت حکومت وارد یزد خواهد گشت. امید است که وجود او در یزد باعث امنیت را همیزدبه اصفهان بشود. از وضع آذربایجان من از مستراسمارت کفیل ژنرال قنسولگری جز خوبی از مخبر‌السلطنه چیز دیگری نمی‌شون. از قرار معلوم او با جدیت و تدبیر رفتار می‌نماید و وقتی که دولت روسیه بر حسب پیشنهاد خودشان در طهران عده زیادی از قشون روس را از تبریز خارج نمایند کار مخبر‌السلطنه سهل‌تر خواهد گردید. همچنین راپورتهای خوب از سهام‌الدوله حاکم جدید فارس برای من می‌رسد و امیدواری می‌دهد که با اقتدار و جدیت حکومت خواهد نمود. اخبار وحشتناک از لنگه می‌رسد می‌گویند که سید لاری بستک را تصرف نموده و بندر لنگه را تهدید می‌نماید. من به دولت ایران اصرار نمدم که اقدام برای دفع او بنماید. من از جزئیات مقصود این شخص پر مزاحمت اطلاع ندارم و خود دولت هم درست از خیال او مطلع نیست ولی به عقیده مأمورین ما در جنوب ایران، شکی نیست که تا مدتی که این شخص آزاد است امنیت دائمی در آن نقاط ممکن نخواهد بود. خوشبختانه دولت اقدام برای قلع و قمع او می‌نماید. حکومت بنادر قشون برای دفاع لنگه فرستاده است و سردار اسعد به من گفت که دولت مطمئن است از اینکه او را در تحت اطاعت خود خواهد آورد. جز حرکات سید عبدالحسین لاری اغتشاش دیگری به سفارت راپورت داده نشده است. در واقع من می‌توانم بگویم که در این چند هفته اخیر از عده تلگرافات قنسولگری‌های اعلیحضرتی در ایران خیلی کاسته شده است و من می‌توانم اظهار دارم که به استثناء راههای جنوب اوضاع کلی مملکت بهتر از تمام اوقاتی است که من در طهران اقامت دارم.

بارکله،

www.adabestanekave.com

نفره - ۴۶۹

مراسله سر بارکله به سر ادوارد گری مورخه ۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۵ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۷] از طهران.
آقا

افتخار دارم که لفاظ مجملی از حوادث چهار هفته اخیر ایران را به طور مرسوم ارسال دارم.

بارکله

ضمیمه در نمره ۲۴۹
مجمل حوادث یکماهه در ایران
طهران

در اواخر ماه سپتامبر وزیر جنگ به ریاست وزراء و علاوه‌السلطنه به وزارت امور خارجه انتخاب گردیدند.

مسیو پاکلاوسکی کوزیل [پاکلوسکی کازیل] در ۲۳ سپتامبر وارد طهران شد و چند روز بعد اعتمادنامه [اعتبارنامه] خود را به سلطان احمد شاه و نایب‌السلطنه تقدیم داشت. محمدعلی‌میرزا شاه سابق در ۲۹ ماه سپتامبر از آن‌زلی به طرف روسیه حرکت کرد.

از طرف دولت ایران چندین پیشنهاد به بانک شاهنشاهی برای گرو گذاردن بعضی از جواهرات سلطنتی شده ولی تا به حال نتیجه قطعی حاصل نگردیده است. در این ضمن دولت بهمان طریق قدیم بواسطه توجیهات [پول گرفتهای] اجباری از اشخاص متمول پولی تحصیل نموده است. ظل‌السلطان را مجبور نمودند بیست هزار لیره بپردازد تا به او اجازه بدهند از رشت خارج شود.

نظام‌السلطنه - سعدالملک - معین‌السلطان هر کدام ۳۰۰۰ لیره کارسازی نمودند. عین‌الدوله ماهی دو هزار لیره می‌دهد. فرمانفرما در اوایل ماه اکتبر از وزارت عدليه استغفاء داد ولی به جای او هنوز کسی معین نشده است. نظم بواسطه اداره نظمیه در تحت ریاست مسیو بیرم بخوبی در طهران برقرار است. از ۴ هزار نفر بختیاری که به طهران آمده بودند می‌گویند چهارصد نفر باقی است. هابقی متدرجاً به بختیاری مراجعت کرده‌اند. آنهایی که در طهران هستند ظاهراً خوب در تحت اطاعتند.

عموم مردم یک اندازه ناراضی از طرز اداره کردن دولت شده‌اند. روزنامه‌جات مطلب را مطرح مذاکره قرار داده و به تازگی تقيید سختی از سپهبدار و سردار اسعد کرده‌اند و به همین جهت یک روزنامه هم توقيف گردید.

هیئت مدیره سابق که مرکب از وکلای طهران برای مجلس شورای ملی است باز هم منعقد می‌شود و مذاکرات در مسائل عمومی می‌نمایند ولی از نفوذ آنها خیلی کاسته شده است. انتخابات ولایات در جریان است و امید هست که تا پانزدهم ماه اکتبر عده کافی که عبارت از ۶۱ نفر است برای افتتاح مجلس در طهران حاضر گردد. راپورتهایی که از بغداد می‌رسد نشان می‌دهد که علماء کربلا و نجف باز هم در امور ایران توجه و مراقبت دارند و خیال دارند چهار نفر وکیل برای نمایندگی در مجلس انتخاب کنند ولی گمان نمی‌رود که به این مقصود نایل گردند زیرا که اتفاق آراء در بین علماء نیست.

تبریز

سفیر روس مقیم طهران در اوایل ماه اکتبر به سر بارکلی اطلاع داد که به دولت متبعه خود نصیحت نموده است که تخفیف فوق العاده به قشون روس در آذربایجان بدeneند. در اواسط ماه سپتامبر ستارخان برای استقرار نظم به اردبیل فرستاده شد. ورود او اثر خوبی بخشید و راپورت داده است که اردبیل و اطراف آن آرام است.

رشت

در ۲۲ ماه سپتامبر شاه سابق برای رفتن به روسیه وارد رشت گردید. روز بعد به انزلی وارد شد و در ۳۰ ماه به طرف پتروسکی حرکت نمود. در ۳۰ ماه سپتامبر ویس قنسول اعلیحضرتی اطلاع حاصل نمود که حسین خان کسمائی که با ۲۵ نفر لزگی مأمور نگاهداری ظل السلطان است خیال دارد به او اذیت کند و اگر ظل السلطان قبول ننمود، ۶۰۰۰۰ لیره که دولت از او مطالبه می‌نماید بپردازد او را به رحمت آباد [یفرستد]. در ۱۶ ماه اکتبر بالاخره ظل السلطان قبول نمود که این وجه را بپردازد و با بانک شاهنشاهی قرار آن را داد که ۲۰ هزار لیره آن را نقداً و مابقی را چهارماهه ماهی ده هزار لیره کارسازی دارد. ظل السلطان ۲۶ ماه اکتبر از رشت حرکت نمود و اظهار داشت که از راه بادکوبه به لندن مسافرت خواهد کرد و در بهار آینده به ایران مراجعت می‌نماید. سعد الدله و امام جمعه که دولت جدید حکم به تبعید آنها داده بود وقتی که به طرف اروپا عازم بودند در رشت توقيف شدند تا اینکه وکیلی برای خود معین نمایند در صورتی که ادعایی بر آنها بشود جواب دهند.

در ماه گذشته دو سرباز ملی که مرتکب قتل شده بودند در مقابل دارالحکومه بدار زده شدند.

زنجان

در ماه گذشته اوضاع باعث نگرانی شده است. بواسطه تحریک ملای مهم آخوند ملا قربانعلی، اهالی تا مدتی حاکم جدید را که دولت انتخاب نموده بود قبول نمی‌کردند. و به این جهت تصور می‌شد که اعزام قشون به آن صوب لازم خواهد شد ولی اخبار واصله جدید مشعر بر این است که اهالی تسليم شده و معین الدله حاکم که در راه است به طور مسالمت مشغول حکومت خواهد گردید.

مشهد

بنابراین رپورت حکومتی اوضاع در خراسان متدرج آ رو به بدی است. انجمن و علماء هردو از رکن الدله خسته شده‌اند و انجمن به طهران تلگراف کرده عزل حکومت را خواسته است. گویا این تقاضا نتیجه تحریکات اشخاصی است که می‌خواهند عین الدله را به حکومت آنجا انتخاب نمایند. وزیر داخله مخابرات تلگرافی با انجمن نمود و مطالبه ۲۰۰۰۰ لیره می‌کرد که چهار روزه بدهند. قرار بر این شد که این وجه در چهار ماه پرداخته شود. ماژور سایکس احتمال تحصیل این وجه را نمی‌دهد. یکی از علماء معروف موسوم به فاضل در اواخر ماه اوت تیرخورده کشته شد. می‌گویند انجمن سری رشت حکم اعدام او را داده است. در ذره‌گز شخصی معروف به نام میرزا بابا مشغول چپاول و کشtar است و بموجب قول پرنیز نابیثا هزار خانوار از سر حد فرار نموده به طرف ماوراء خزر رفته‌اند. دسته‌ای از دزدان لشی دهات اطراف طبس را تاخت و تاز می‌نمایند. به عقیده ماژور سایکس اوضاع روی هم رفته باعث امیدواری نیست. انتخابات برای مجلس شورای

ملی در ۱۲ ماه سپتامبر تمام شدو و کلاعه در راه به طرف طهرانند.

تریت حیدری

خبر مردن اسدالله صحیح است. شجاعالملک در هفدهم ماه اوت زاوه را تصرف نمود و اسدالله در بین جنگ کشته شد. بعد شجاعالملک به تربت مراجعت کرد. حکومت آنجا را در دست گرفت ولی چون مصطفی میرزا به حکومت معین گردید او به طرف کاریز حرکت کرد. سپهدار تلگرافاً [تلگرافی] مشارالیه را از این فتح تحسین نموده و به او دستور العمل داد که سالارخان را دستگیر نماید. او در جواب اظهار داشته است که این اردوکشی ۳۰۰ لیره برای او تمام شده است و از این مبلغ دیناری به او داده نشده است و تا پول به او نرسد اردوکشی مجدد نخواهد نمود. چند ماه است که طبس مرکز دزدان شده است و آنها چندین کاروان را غارت کرده‌اند. در اوایل ماه سپتامبر قوهای از تربت برای دفع آنها فرستاده شده است.

سیستان

وضعیت به طور معمول است. انجمن محلی هفتاهی سه مرتبه منعقد می‌گردد ولی خیلی کم کار از پیش می‌برند.

اصفهان

توجه عموم در انتخاب و کلاعه از قرار معلوم کم شده است و نسبتاً عدد قلیلی از مردم رأی داده‌اند. منتخبین درجهٔ دوم هنوز معلوم نشده‌اند. اگرچه یکی دومرتبه پست را دزد زده است ولی از قرار معلوم اوضاع کلی راهها بهتر شده و به ژنرال قنسول اعلیحضرتی راپورت دزدی نرسیده است. چندین مسافر اروپایی بدون هیچ حادثه وارد اصفهان شده‌اند.

کاشان

یکی از پسرهای نایب حسین در این اواخر قسمتی از اسلحه و قورخانه دولتی را تصرف کرده و به کوه برد. یک دسته بختیاری برای تعاقب او فرستاده شده است.

یزد

شهر در آرامی است. انتخابات انجمن ایالتی تمام شده است با وجود آنکه سعی کردند بواسطه انتشار راپورتهای بی‌اصل هر تجمعانه توعیق در آن حاصل شود. چندین فقره‌دزدی در راههای مختلف راپورت شده است و پست خیلی غیرمنظم است. قوام‌الملک در اوایل ماه سپتامبر وارد یزد شد و بعد از چند روز اقامت به طرف کرمان حرکت نمود. ورود او اثر خوبی برای جاوه‌گیری از دزدان محلی بخشید ولی می‌گویند همراهان او خودشان مرتکب اعمال ظالمانه شده‌اند. حرکت قوام‌الملک به طرف کرمان موقتاً راه را باز نموده است. به پارسیهایی که در دهات اطراف یزد سکنی دارند باز هم بدرفتاری می‌شود. در

اوایل ماه اکتبر جماعتی از آنها در ویس قنسولگری اعلیحضرتی هتشخص شدند ولی غیر از ۶ نفر آنها باقی خارج گردیدند.

در مدت یک هفته هفتاد و یک نفر پارسی مرد و زن و بچه از اطراف یزد از راه بوشهر به هندوستان حرکت نمودند و از ترس آنکه شاید در بندر آنها را نگاه دارند از کفیل ویس قنسولگری اعلیحضرتی خواهش کردند که نگذارد در راه به آنها صدمه بزنند. از قرار معلوم تفتیها بیش از همه به جماعات پارسی ظلم می‌نمایند. سفیر اعلیحضرتی مذاکرات سخت با وزیر داخله در خصوص بی‌نظمی اطراف یزد و ظلمی که به پارسیها می‌شود نموده است. در جواب به او اطلاع داده شده است که سردار جنگ بختیاری حاکم جدید که فعلاً در اصفهان است به همین زوایها به طرف یزد خواهد رفت و بقدر کفايت استعداد همراه خود برای برقراری نظم خواهد بود.

کرهانشاه

در ۷ ماه سپتامبر برادر معین‌الرعايا با استعداد وارد شهر شد و بعد از آنکه رفقا در شهر به او ملحق شدند مشارالیه بعضی از نقاط مهم شهر را تصرف نمود. دسته مخالف در منزل ظهیرالملک جمع شدند. بازارها بسته شد. خود معین‌الرعايا هم در بیرون شهر با استعداد حاضر بود و اغلب ایلات هم با او همراه بودند.

وزیر داخله ظهیرالملک و پسر او و معین‌الرعايا را به طهران احضار کرد آنها اعتنایی به آن احضار ننموده ولی چند روز بعد با هم صلح کردند. فعلاً خطر اغتشاش مرتفع شده است. خود شهر آرام و نظمیه ترتیب داده‌اند. در خارج شهر هنوز ناامنی زیاد است. حکومت قوه ندارد که احکام خود را به موقع اجراء بگذارد. کاروان بزرگ زوار در خارج شهر غارت شد. در میان غارت‌زدگان اتباع افغان و عثمانی و روس بودند. از قرار راپورت اموال منهوبه استرداد شده است ولی صحت این راپورت معلوم نیست.

کرمان

شهر آرام مانده است. در ۲۸ ماه سپتامبر قوام‌الملک با استعداد وارد شد و مشغول حکومت گردید. دزدانی که اطراف کرمان را غارت می‌نمودند ظاهراً قبل از ورود مشارالیه خارج شدند. در ناحیه نرماشیر چندین دزدی واقع شده است. در ۲۳ ماه سپتامبر کاروانی را که از کرمان به بم حرکت می‌نمود در سی میلی کرمان دزد زده و مال التجاره‌ای که قیمت آن ۱۲۰۰ لیره بود به سرقت برده شده است. ظاهراً ورود قوام‌الملک اثر خوبی به کلیه اوضاع بخشیده است.

شیراز

شهر قرین آرامی است هرچند که در نزدیکی شهر چندین دزدی روی داده است. صولت‌الدوله در آباده از سهام‌الدوله ملاقات نمود و حاکم با همراهی سوارهای عرب که نصر‌الدوله فرستاده بود از راه هعمول که تا قبل از ورود او بواسطه دزدان به کلی

مسدود بود، به طرف شیراز عزیمت نمود و در اوایل ماه سپتامبر وارد شیراز شد و فوراً حکم نمود که انتخابات مجلس شورای ملی هر چه زودتر شروع شود. سهام الدوله دقت نظری به اوضاع راهها نموده و قشون برای بازنمودن آنها فرستاده است. در موقع ورود او ایل عرب به کلی از اطاعت خارج شده بودند و راهها باستثناء راه سرحد به اصفهان خیلی نامن بود. نزدیان در اواخر ماه سپتامبر «ایزدخواست» را محاصره کرده بودند ولی از قرار معلوم آنها از خود مدافعت کردند. راه معمول بوشهر هم مغشوش است. کاروان از راه فیروزآباد حرکت می‌کند.

خليج فارس بوشهر

در ماه سپتامبر وزیر داخله حکمی به حاکم خلیج فارس فرستاد که برای قلع و قمع سید عبدالحسین لاری که باز هم مخل آسایش لار و نواحی خلیج است حرکت نماید. دریابیگی اقدامی ننموده و قبل از حرکت درخواست پول نمود ولی چون سید بستک را تصرف و لنگه را تهدید می‌نمود در اوایل ماه اکتبر کشتی «پرسپلیس» با قشون از بوشهر به لنگه فرستاده شد. خوب واضح است که سید به خیال نفع خود این حرکات را می‌کند به جهت اینکه هم از دولت مرکزی و هم از علماء کربلاع به او اصرار شده است که اقدام برخلاف آسایش مملکت ننماید و او ابدآ اعتناء نکرده است. وزیر مختار اعلیحضرتی اقدامات سید را به طوری که از قنسولخانه راپورت رسیده بود به دولت ایران ارسال داشته و اخطار نموده است که دولت ایران را مسؤول هر نوع خسارتی که به اتباع انگلیس وارد آید خواهد دانست. انجمن محلی باز هم منعقد می‌گردد ولیکن جلساتش قابل توجه نیست. بعد از اینکه راپورت به بوشهر رسید که به همین زوایها اجازه به سید مرتضی اهرمی داده خواهد شد که از نجف به بوشهر حرکت نماید سید اسدالله بنا بخواهش حکومت و انجمن محلی کاغذی به نجف نوشت. در آن کاغذ اظهار عدم رضایت خود را از این اقدام نمود.

امضاء مأذور استوکس آتاشه میلیتر

نمره - ۲۵۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.
(خواهش می‌کنم که مراجعه به تلگراف ۲۳ و ۲۴ این ماه از ظهران در خصوص اغتشاش اردبیل ننمایید.)

من در خصوص اردبیل با مسیو نراتوف مذاکره نمودم. ایشان به من گفتند چونکه قشون روس نمی‌تواند زودتر از دو هفته به اردبیل برسد لهذا فایده ندارد که دولت امپراطوری قشون برای حمایت اتباع خود به آن نقطه بفرستد و به این جهت او به طهران اخطار نموده است که در صورتی که قردادگیها یا شاهسونها خسارتی به روسها وارد بیاوردند

مسئلیت آن بعهدۀ دولت ایران خواهد بود. در جواب سؤال من که آیا مأمورین روس هی توانند چلوگیری از چپاول رحیم خان نمایند مسیو سازانوف گفت که طبیب روسي خیلی به او اصرار نموده است که آرام باشد ولی او قبول هیچ نصیحتی را نمی‌کند. جناب ایشان گفته خبر برای من رسیده است که نفاق مابین شاهسونها و قراداغیهای افتاده و این مطلب شاید اشکالات را آسان نماید.

نفره - ۴۵۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۶ اکتبر ۱۹۰۹ [۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از طهران.

اوپناع شیراز

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری شیراز رسیده است:

تا بحال حاکم جرئت و لیاقت و استقلال خود را ثابت نموده است. نبودن هیچ گونه معاونت جز عده قلیلی قشون که با او است موقع او را خیلی دشوار می‌نماید. از قراری که به من اطلاع رسیده است استعداد قزاق از اصفهان فرستاده شده است ولی در حدود فارس بواسطه عده زیاد ایل «کهگیلویه» از حرکت بازمانده‌اند. بواسطه همین اتفاق جزئی اعتبار حکومت که نگاهداری آن اهمیت فوق العاده دارد ممکن است همزلزل گردد به این جهت عقیده من آن است که اصرار به دولت ایران شود که بدون تعویق استعداد مهمی به آنجا فرستاده گردد.

این دو جمله را من برای وزیر داخله خوانده و لزوم فرستادن استعداد را هم توضیح دادم. مشارالیه به من اطلاع داد که یک فوج پیاده از اصفهان برای کمک سهام‌الدوله فرستاده خواهد شد.

نفره - ۴۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۲۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۵ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

عده قشون روس در قزوین چه قدر است و چه قدر قشون در تبریز باقی است.

نفره - ۴۵۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ اکتبر ۱۹۰۹ [۶ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از طهران.

(۱) اصل: کوه کیلویه

اوپاع اردبیل

خواهش می‌کنم که به تلگراف ۲۳ اکتبر من مراجعه نمایید. تلگراف ذیل که به تاریخ ۲۸ اکتبر است از کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است. ژنرال قنسول روس دستورالعمل به ویس قنسول خود در اردبیل فرستاده است که به رحیم‌خان اخطار نماید که دولت روسیه او را مسئول هر نوع خسارت مالی و جانی که به اتباع روس وارد بباید خواهد دانست. یک اخطار کتبی هم به همین مضمون به رشیدالملک که با ۱۰۰ نفر قزاق ایرانی به سراب برای مذاکره با یاغیان رفته بود از طرف ژنرال قنسولگری روس داده شد که به رحیم‌خان برساند. در این اخطار اخیر همکار روس من به رحیم‌خان اطلاع داد که بعلاوه او مسئول شرارت‌های شاهسونها هم خواهد بود چونکه واضح است او (رحیم‌خان) آنها را تحریک به یاغی‌گری نموده است این تهدیدات اثر خوبی خواهد بخشید.

تقریباً ۱۵۰۰ سواره و پیاده در تحت ریاست باقراخان از تبریز حرکت نموده‌اند ولی تا مدتی که هنوز نتیجه مذاکرات معلوم نشده است آنها در آن طرف با منع توقف خواهند نمود.

یک استعداد ۸۰۰ نفری در مراغه حاضر است که در موقع لزوم در تحت ریاست صمدخان حرکت خواهند کرد.

در اردبیل هزار نفر در تحت ریاست ستارخان هستند. عناصر مرتجلین در قشون دولتی داخل هستند. هر چند که حکومت آذربایجان اظهار اطمینان از آنها نموده است ولی اطاعت و همراهی آنها به دولت جدید خیلی غیر محتمل است در صورتی که آنها گمان کنند که روسیه همراهی با این اغتشاش دارد. به این جهات و نظر به قوّه یاغیان جنگ در این موقع خطرناک است. من از ژنرال قنسول روس مشورت نمودم که آیا ممکن است ما نفوذ خود را برای نظم و آسایش به کار ببریم؟ او قول به همراهی داد ولی ما متفق شدیم که منتظر نتیجه مذاکرات بشویم.

خشونی که از طهران فرستاده شده است تماه وارد شده‌اند. این قشون مرکب از ۲۰۰ نفر قزاق و ۲۰۰ نفر سوار اینانلوست. مابقی قشون که گمان می‌رفت در زنجان است در آن نقطه نیستند.

نفره - ۲۵۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۷ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از طهران راجع است به تلگراف ۲۸ اکتبر شما سفیر روس به من می‌گوید ۱۶۰۰ نفر قشون روس در قزوین‌اند (کوهیسرات داخل در این عده نیست).

در تبریز از قراری که مشارالیه می‌گوید ۱۰۰۰ نفر باقی است.

نمره - ۵۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی هقیم تبریز برای من رسیده است: خبر به تبریز رسیده است که ستارخان از اردبیل فرار کرده و با همراهی سوار کمی وارد سراب شده است. ۳ روز قبل از ویس قنسول روس در اردبیل تلگرافی برای ژنرال قنسول روس رسید که شهر بزودی به تصرف یاغیان خواهد افتاد و یکی از رؤسای مجاهدین استدعا از ویس قنسول روس نموده است که به نام انسانیت قشون روس به اردبیل احضار بشود و بعلاوه او به ویس قنسول روس گفته بود که قورخانه آنها تمام شده است و او مسئول نخواهد بود اگر اهالی از خوف به قنسولگری حمله بیاورند.

امروز ۴ نفر قزاق روسی با یک صاحب منصب بنا به خواهش قنسول روس به سراب فرستاده شد. مشارالیه تلگراف نموده بود که یاغیان شهر را تهدید می‌نمایند. گمان می‌رود که اردبیل تاکنون گرفته شده است. مأمورین محلی خیلی مأیوس‌اند. استعداد دولتی یا قابل جنگ نیستند یا آنکه متمایل به طرف مقابله‌اند.

اگر ممکن باشد باید دولت ایران اردوی قوی در تحت ریاست رئیس قابلی بدون تعویق به آنجا بفرستد. از قرار معلوم عده‌ای از قشون در بین راه هستند.

نمره - ۵۶

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

راجع به تلگراف امروز سر بارکلی

وضع اردبیل

در ملاقاتی که من امروز از مسیو ایزولسکی نمودم مشارالیه به من گفت بیم آن را دارم که دولت روسیه مجبور بفرستادن استعداد قوی به اردبیل بشود. بجهت نزدیک بودن آن شهر به سرحد روس برای روسیه مشکل است که در این اوضاع هرج و هرج که ممکن است به طول انجام خودداری کند. مایل نبودن ایزولسکی به اعزام چنین اردویی دلایل واضحه دارد. ولی اگر قشون فرستاده شود رحیم‌خان و اتباع او خوب قلع و قمع خواهند شد و در واقع فایده به حال ایران خواهد داشت. در صورتی هم که اندک مخالفتی بر ضد اوضاع حاضره در آن تصور شود، مسیو ایزولسکی گمان نمی‌کند که قشون ایران بتواند کاملاً از عهده این اغتشاش برآید.

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

راجع است به تلگراف امروز سر بار کلی
اوپرای اردبیل

در ملاقاتی که من امروز از مسیو ایزوولسکی نمودم مشارالیه به من گفت بیم آن را دارم که دولت روسیه مجبور برستادن استعداد قوی به اردبیل بشود. بجهت نزدیک بودن آن شهر به سرحد روس برای روسیه مشکل است که در این اوضاع هرج و مرج که ممکن است به طول انجام خودداری کند، هایل نبودن ایزوولسکی به اعزام چنین اردبیلی دلایل واضحه دارد. ولی اگر قشون فرستاده شود رحیم خان و اتباع او خوب قلع و قمع خواهند شد و در واقع فایده به حال ایران خواهد داشت. در صورتی که اندک مخالفتی بر ضد اوضاع حاضره در آن تصور شود، مسیو ایزوولسکی گمان نمی کند که قشون ایران بتواند کاملاً از عهده این اغتشاش برآید.

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از پطرزبورغ

روزنامه «روسیا» امروز اعلان رسمی ذیل را منتشر نمود:

بموجب خبر تازه‌ای که از اردبیل واصل گردیده است حکومت محلی و اعضاء انجمن و علماء به ویس قنسولگری روس متخصص شده‌اند و بعد از آن فوراً شاهسونها و قراداغیها شهر را تصرف نمودند. تمام بازارها و کاروانسراهای غالب خانه‌ها غارت شده است. شاهسونها از ویس قنسول سه نفر از اشخاصی را که در قنسولخانه متخصص شده‌اند مطالبه می‌نمایند. بیم آن است که حمله به قنسولخانه برده شود و مستحفظین قنسولخانه که هر کب از صد نفر قزاق است نمی‌توانند تحمل این حمله را بیاورند. نظر به این اتفاقات یک بatalیون پیاده و دویست نفر قزاق — دو عراده توب و دسته مهندس به اردبیل فرستاده شده است. یک اردبیل نیگر هم در شرف حرکت به آن طرف است به جهت اینکه اگر موقع پیش آمد اقدام مجددانه در دفع این عشایر بنماید.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از پطرزبورغ

اوپناع اردبیل

مسیو ایزولسکی امروز به من اطلاع داد که او بیاندازه نگران است از برای سلامتی قنسول و اتباع روس در اردبیل. شاهسونها تسلیم حاکم و علماء و اشخاص دیگر را که به قنسولخانه متحصن شده‌اند مطالبه می‌نمایند. ممکن نیست که نتیجه را پیش‌بینی نمود چون او همه‌ئن بود که قنسول تقاضای آنها را قبول نخواهد کرد. تلگراف آخری که از قنسول رسیده است به تاریخ دو روز قبل است. اگر حمله جدی به قنسولخانه بشود این صد نفر قزاق که در اردبیل هستند ابدآ نخواهند توانست قنسولگری را محافظت کنند. ۶۰ کیلومتر مسافت مابین آستانه اردبیل است. دسته اول قشونی که به طرف اردبیل عازم شده است فردا به آستانه اخواهد رسید: شاهسونها تعهداتی که در مقابل خلافهای مختلف خود از قبیل قتل یک نفر صاحب منصب روسی نموده بودند عمل نکرده‌اند. بعقیده من برای دولت روسیه فقط یک راه باقی است و آن هم فرستادن قشون کافی است که قلع و قمع از رحیم‌خان و اتباع او و شاهسونها بنماید.

مسیو ایزولسکی باز به عقیده سابق خود باقی بود که سعی دولت ایران برای جلوگیری از این اغتشاش بی‌فایده خواهد بود.

نمره - ۴۰۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی هقبیم تبریز رسیده است: شاهسونها اردبیل را تصرف و غارت نموده‌اند. یاغیان ویس قنسولگری روس را محاصره کرده و تسلیم بعضی از متحصنین را مطالبه می‌نمایند. حاکم و اعضاء انجمن و قسمتی از اهالی در آنجا متحصن شده‌اند. ویس قنسول روس استدعای کمک فوری می‌نماید. ستارخان وارد تبریز گردید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۶۰

مراسله سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۳۱ اکتبر ۱۹۰۹ [۸ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از پطرزبورغ آقا

من از مسیو ایزولسکی دیروز سؤال نمودم که آیا خبر تازه‌ای از اردبیل برای او رسیده است مشارالیه جواب داد که امور در آن نقطه خیلی خراب است ولی در آنجا صد نفر قزاق هستند و امیدوار بود از اینکه آنها فقط می‌توانند جان اتباع روس را محافظت نمایند زیرا که این عدد قلیل نخواهند توانست محافظت اموال آنها را بکنند. من اظهار نمدم که دولت ایران قشون به فوریت برای رفع غائله می‌فرستد. مسیو ایزولسکی ناامید بود از

اینکه قشون ایران بتواند کاری بکند و به من اطلاع داد که او دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت که به اتباع روس وارد بیاید خواهد دانست.

جناب ایشان اظهار نمودند کمیته‌ای که امور ایران را انجام می‌دهد اساساً مصمم شده‌اند که تقریباً تمام قشون قزوین را عودت داده فقط پنجاه الى شصت نفر قزاق به جهت قنسولخانه در آنجا بگذارد.

دستجات قزاق در رشت و انزلی گذازده خواهد شد ولی تمام اینها روی هم رفته بیش از یک فوج قزاق نخواهد بود. مابقی به روسیه مراجعت خواهند کرد. مشارالیه به مسیو پاکلاوسکی تلگراف نموده که به دولت ایران این مطلب را اطلاع داده و توضیح بدهد که این اقدام بلاشبهد خود یک نشانه از خلوص نیت دولت روسیه و آرزوی آن دولت در اینکه به هیچ وجه اشکالات برای دولت شاه فراهم نیاورد خواهد بود. در همان موقع به مسیو پاکلاوسکی گفته شد که به دولت ایران اخطار نماید که اگر در آینده اتفاقی روی دهد که دولت روسیه مجبور به فرستادن قشون شود اقداماتی که در آن وقت خواهد شد بدرجات بیشتر و جدی‌تر از این دفعه خواهد بود.

نیکلسن

امضاء

۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۷] اعلان رسمی ذیل امروز منتشر گردید:

دولت امپراتوری صلاح چنان دیده است که در این موقع غیر لازم است اردویی که در ماه زون گذشته به قزوین فرستاده شده بود بیش از این در آن نقطه توقف نمایند و مصمم شده است که قسمت بزرگتر آن قشون را به روسیه عودت دهد و فقط رژیمان^۱ قزاق لابینسکی^۲ که جزعاً همین اردو بود در ایران باقی خواهد ماند. ۵۰ نفر از این فوج در قزوین توقف خواهد نمود برای محافظت قنسولخانه روس در آن شهر و مابقی فوج در رشت و انزلی برای تقویت مستحفظین قنسولخانه ساخلو خواهند شد. اگر اتفاقات آینده معاونت این قشون را لازم داشته باشد، دولت روسیه تعویق در اقدامات لازمه نخواهد نمود.

نمره - ۳۶۱

مراسله سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸ شوال ۱۳۲۷] از پطرزبورغ آقا

من افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم امروز روزنامه اخبار رسمی اعلام ذیل را انتشار داد:

(۱) رژیمان Régiment — فوج — هنک

2) Labinsky

عناصر یاغی و طبایع سرکش ایل معروف شاهسون که در نزدیکی سرحد قفقاز سکنی دارند اغتشاش مملکت و سقوط کامل حکومت ایران را غنیمت شمرده در این اواخر چندین هرتبه نواحی اردبیل ایران را که در مقابل قفقاز واقع است تاخت و تاز کردند. در تابستان امسال تا نزدیکی شهر اردبیل پیش رفتند و تا مدتی هم عبور و مرور قوافل تجاری را در راه آستارا و اردبیل و تبریز بواسطه دزدی و غارت بکلی مقطوع نمودند. به این سبب مقدار زیادی مال التجاره روس که باستی به تجارتگاه داخله ایران حمل گردد در بندر حاجی طرخان جمع شد. بواسطه اقداماتی که قنسولگریهای ما در تبریز و اردبیل نمودند در آخر ماه «اوٹ» توانستند چندین کاروان از مال التجاره که جمع شده بود در تحت محافظت قزاق روسی از راه مذاکره عبور دهند. در همین موقع شاهسونها شروع حرکت به طرف اوبهای خود کردند. لیکن در اوایل ماه اکتبر اخبار شیوع یافت که این عشایر دوباره خیال لشکر کشی به طرف اردبیل را دارند و بعلاوه این قصد تازه آنها بواسطه اتفاق قراداغیها به ریاست رحیم خان که در محاصره تبریز معروف شده بود شکل یک نوع اقدام پلیتیکی را پیدا کرد. شاهسونها و قراداغیها مخصوصاً به هوای خواهی محمد علی شاه مخلوع و بر همزدن مشروطه ایران پیش می آمدند. نظر به اضطرابی که در اردبیل پیدا شده بود فرمانفرما آذربایجان به ستارخان معروف حکم داد تا با دستهای از مجاهدین بدانجا رفته و دستور العمل به او داده شد که نظم را برقرار ساخته و جلوگیری از اجحافات مجاهدین آن ولایت که اکثر آنها از قفقاز آمده‌اند بنماید. ستارخان وقتی که وارد اردبیل شد بدؤاً سعی کرد که قفقازیها را خلع سلاح نموده و از شهر خارج کند لکن در این فقره موفقیت حاصل نکرد و در همان وقت شاهسونها و قراداغیها نزدیک به اردبیل شده و بیرون از تمام دهات غرض راه را غارت می نمودند، اغلب مجاهدین ستارخان از او جدا شده و به تبریز مراجعت کردند. در ۱۲ اکتبر (که ۲۵ ماه فرانسه باشد) رحیم خان و شاهسونها داخل شهر اردبیل گردیده و مشغول جنگ با عدد قلیلی از مدافعين شهر شدند. ستارخان و حاکم خود را در قلعه محفوظ داشته و شهر را به تقدیر واگذار کردند.

خبر تازه که رسیده هشتر بر این است که ستارخان به سرآب فرار کرده و شاهسونها او را محاصره نموده و تسليیم او را می خواهند و چون این اتفاقات به سرعت روی داد، دولت ایران امر نمود که از تبریز قشون به اردبیل فرستاده شود و ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با یک عراوه توپ هم از بریگاد قزاق طهران اعزام گردد ولی بی پولی و عدم تکمیلات نظامی حرکت اردوی تبریز را به تعویق انداخت و اردوی طهران هم بواسطه بعد مسافت تصور نمی شود که بزودی وارد اردبیل گردد. در این موقع فقط ویس قنسول روس مقیم اردبیل صد نفر قزاق و دو عراده توپ کوچک برای محافظت خود دارد و برای آنکه این عدد کم برای محافظت اتباع روس متفرق نشوند ویس قنسول به تمام اتباع روس حکم داد که در یک نقطه در تحت حمایت قنسولگری جمع شده و اموال خود را در منازل خود بگذارند. سفیر روس به دولت ایران اطلاع داد که دولت ایران مسؤول غرامت هر نوع خسارت مالی و جانی که به اتباع روس وارد شود خواهد بود.

در همین وقت کفیل ژنرال قنسولگری روس مقیم تبریز به رحیم خان اطلاع داد که

مسئلیت اتباع روس شخصاً به عهده او است.
ویس قنسول روس نتوانست که اقدام مذکور فوق را به عمل بیاورد زیرا که اهالی از ترس جان فوراً خود را در خانه‌های اتباع روس پنهان کردند و نمی‌گذاشتند ایشان از منزلهای خود خارج بشوند.
در این هنگام شاهسونها و قردادگیها ارک را سخت بمبارده می‌نمودند و چون قنسولخانه جنب ارک واقع است لهذا آن نقطه هم در آتش بود.
نظر به این اوضاع و خطری که ویس قنسول و اتباع روس را تهدیدمی‌نماید دولت روس اقدامات برای فرستادن استعداد فوری از نقاط نظامی قفقاز برای قنسولگری نموده است، چرا که ورود قشون از تبریز یا قزوین به اردبیل زیادتر طول خواهد کشید.

نیکلسن

نمره - ۳۶۳

هراسله سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹۰۹ [۲۵ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

افتخار دارم که راپورت مستر کون کفیل ویس قنسولگری را که به سمت نمایندگی از طرف سفارت اعلیحضرتی همراه شاه سابق از طهران به اanzلی رفته بود تقدیم نمایم.
مسافرت بدون هیچ حادثه صورت انجام گرفت و من خوشوقتم از اظهار این مطلب که در مدت این مسافرت مناسبات مستر کون با همکار روس او و صاحبمنصبان روس خیلی خوب بوده است.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۳۶۴

راپورت مستر کون کفیل ویس قنسولگری.
بر حسب امر و دستور العمل وزیر مختار اعلیحضرتی من همراه شاه سابق ایران به سمت نمایندگی سفارت انگلیس از طهران تا اanzلی رفتم.
نماینده سفارت روس مسیو نیکراسو قنسول آتابه سفارت بود. محمدعلی میرزا شاه سابق در ۹ سپتامبر از زرگنده به طرف اanzلی حرکت کرد. ملکه سابق و اندرون همراه او بودند و مستحفظین او هر کب بودند از ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی بسرکردگی یک صاحبمنصب روس و سه سوار هندی از سفارت انگلیس و سه قزاق از سفارت روس. تمام این دسته در تحت فرمان کاپیتن خوبیوف آدکان^{۱)} شاه سابق بودند.

بعلاوه اتباع شخصی محمدعلی میرزا اشخاص ذیل موقع را برای خارج شدن از مملکت

۱) بهمین گونه است در اصل - شاید ادوکان = من بی باشد .

غنیمت شمردند: امیر بهادر جنگ برادر و برادرزاده او مجلل‌السلطنه، موقر‌السلطنه، ارشد—
الدوله و بارون استوواک (هصباح‌السلطان).

بواسطه بدی اسبهائی که دولت ایران برای شاه سابق تهیه نموده بود حرکت خیلی آرام بود و در ۲۸ ماه سپتامبر وارد انزلی شدیم. در مسافرت حادثه‌ای اتفاق نیفتاد و در ۳۰ سپتامبر [۷ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۷] محمد علی هیرزا در کشتی نشسته به طرف روسیه عزیمت نمود. امیر بهادر و اشخاصی که با او بودند شب قبل حرکت کردند. هرچند امیر بهادر ظاهراً خوشحال بود ولی محض بی‌میلی شاه سابق نسبت به او رنجش خاطر حاصل نموده بود. در واقع در تمام مدت مسافرت شاه ابدیاً یک کلمه با او صحبت ننمود. کون

نمره - ۳۶۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۹ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۷ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از پطرزبورغ
شوال ۱۳۲۷] استعداد عازم ارتبیل شده‌اند. من اطلاع حاصل نموده‌ام که اقدامی بر ضد شاهسونها خواهد شد برای آنکه خسارت جانی برای روسها حاصل نشده است، هرچند که در موقع خارت ضرر مالی وارد آمده است.

قشون روس نظم را در شهر برقرار خواهند کرد و اگر قشون ایران وارد گردد نخواهند گذاشت که در شهر جنگ بشود اگر چه مسیو ایزولسکی می‌گفت ممکن است در نقاط دیگر با شاهسونها جنگ نمایند. جناب وزیر به من اطلاع داد که رحیم خان به سراب وارد شده است و اظهار نموده است که با قراداغیها و شاهسونها متفقاً به طرف طهران حرکت خواهد کرد.

نمره - ۳۶۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از طهران.

غرب آذربایجان

مسیو پاکلاوسکی به من اطلاع داد که به قشون مأمور ارتبیل همان دستور العمل که به قشون تبریز داده شده بود، داده شده است که در امور اداری مداخله نکرده ولی نگذارند در راه آستارا نزدی و غارت بشود و کاروانی را که احوال غارتی حمل می‌کنند توقيف نمایند. قشون در سر حد آستارا حاضر نگاه داشته خواهد شد ولی در صورت لزوم از سرحد حرکت خواهند نمود.

نمره - ۳۶۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آبان ۱۲۸۸] ذی قعده ۱۳۲۷.
شاه امروز عصر مجلس را افتتاح نمود.

نمره - ۳۶۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۵ آبان ۱۲۸۸] ذی قعده ۱۳۲۷ [از طهران].
مسیو پاکلاوسکی تلگراف ذیل را که مفاد تلگراف ویس قنسول روس در اردبیل است برای من فرستاد:

بعد از دو روز مذاکره رحیم خان و اتباع او از شهر خارج شدند.
یک مجلس آداب مذهبی که در آن هم علماء و هم کشیشان ارامنه حضور داشتند برای شکرگذاری [= گزاری] از خلاصی شهر منعقد گردید و بعد هم از طرف قشون روس تعایشی داده شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۶۷

مراسله سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۰ آبان ۱۲۸۸] شوال ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

من از مسیو ایزولسکی سؤال نمودم که آیا خبر بیگری از اردبیل برای ایشان رسیده است؟ گفتند خبر تازه که به ایشان رسیده این است که رحیم خان حاکم برای شهر معین کرده و حاکم هم با عده در ارک منزل کرده است. قسمت مهم قشون رحیم خان در اردوگاه هست‌حکمی نزدیک شهر اقامت دارند. رحیم خان از ویس قنسول روس هلاقات نموده و تقاضای خود را برای تسلیم اشخاصی که در قنسولخانه متخصص شده‌اند پس گرفته است و اظهار صداقت و با وفا بی نسبت به روسیه نموده و پیشنهاد کرده است کله خوب است روسیه تمام نقاطی را که قشون او در آنجا توقف دارند تصرف نماید.

اهمی اردبیل از ورود قشون روس خوشحال شده و حالا تقاضای تبعیت روس را می‌نمایند. مسیو ایزولسکی گفت لازم به اظهار نیست که تمام خواهش و پیشنهادهای فوق رد شده است.

من سؤال نمودم که آیا رحیم خان بر خصوص حرکت به طرف طهران اظهاری کرده است؟ جناب وزیر جواب دادند که نمی‌دانم چنین اظهاری کرده است یا نه! من گفتم از قراری که اطلاع حاصل نمودم استعداد کافی از طهران به طرف اردبیل حرکت کرده است. گفتند محتمل است جنگی واقع بشود. اگر قشون دولتی فتح کرد آن وقت معلوم خواهد گردید که دولت ایران می‌تواند بقوه خود نظم را در آن صفحه برقرار سازد

ولی اگر برخلاف، رحیم‌خان غلبه کند آن وقت به طرف طهران یا تبریز حرکت خواهد کرد و لازم است تا وقتی نتیجه این نزاع معلوم شود قشون روس در قزوین توقف نماید. مسیو ایزولسکی اظهار نمودند بمحض اخبار واصله به ایشان اوضاع تبریز خوش نیست. ظاهراً نفاقی مابین ستارخان و فدائیهای او از یک طرف و با فرمانفرمای آذربایجان از طرف دیگر ظهور دارد و قسول روس بیم آن را دارد که ممکن است اغتشاش روی دهد.

نمره - ۳۶۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۷ آبان ۱۲۸۸؛ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

بعد از راپورت آخری که در خصوص اوضاع فرستادم اغتشاش در شرق آذربایجان بروز نموده رحیم‌خان و شاهسونها ارتباطی را تهدید می‌نمایند. از قراری که می‌گویند رحیم‌خان اظهار کرده است که برای محمد علی میرزا قیام نموده و این اقدامات را می‌نماید ولی سابقه او نشان می‌دهد که مقصود او غارت است و خیال سیاسی در سر ندارد. دولت ایران سعی کامل به عمل می‌آورد که دفع این سرdestه دزدان غارتگر را بکند.

مخبر السلطنه از تبریز ۱۵۰۰ نفر استعداد برای ستارخان فرستاده است که همراه خود او ۱۰۰۰ نفر موجود است ۱۵۰۰ نفر هم از طهران اعزام شده است. این قشون اخیر خوب جنگ خواهند کرد چون مرکب است از عده‌ای قزاق ایرانی و بختیاری و ۳۰۰ نفر مجاهد (داوطلبهای متی که در رولوسیون [= انقلاب] با سپهبدار بودند) در تحت فرمان پیرم که در واقع روح قشون سپهبدار بود و بعد از آن هم در ریاست پلیس طهران کارهای بسیار خوب کرده است.

اطلاعاتی که برای من رسیده است نشان می‌دهد که به استثنای ارتباطی با سپهبدار نظم و امنیت در سایر ایالات نسبتاً خوب است.

سید عبدالحسین لاری به طهران احضار شده است و من دیگر نشنیده‌ام که بواسطه این سید لنگه مورد خطری واقع شده باشد.

ایزدخواست که سرحد مابین فارس و اصفهان است بواسطه ایل کوه‌کیلویه [کهگیلویه] خیلی نامن است و بغیر از این نقطه اوضاع راههای جنوب بهبودی حاصل کرده است. راههای از یزد به اصفهان و کرمان برای کاروان باز شده است و قوافل شروع به حرکت در راه بوشهر و شیراز نموده‌اند. اگر چه من امروز صبح اطلاع حاصل نمودم که قشقاویها راه مابین کازرون و شیراز را بسته‌اند.

در طهران هیچ علایم اغتشاش نیست و راه رشت به طهران هم خوب است.

در اوایل بیان این وقایع تقاری مابین مجاهدین پیدا شده بود ۶۰ الی ۷۰ نفر از مجاهدین یک متنیگی ناده و شاکنی بودند که سپهبدار مواجب ایشان را به طور تناسب نمی‌دهد اخبار وحشتناک در این خصوص شیوع پیدا کرد ولی این حرکت مجاهدین بکلی از روی مسالمت بود و ابداً جای آن نبود که تصور اغتشاش بشود. سپهبدار رئیس‌الوزراء

در یکی از این متنیگها حاضر شده و ظاهراً رفع شکایت آنها را نموده است زیرا که دیگر از این قبیل نمایشها داده نشد.

اوپرای دولتی تقریباً همان طوری که چهار هفته اخیر بود باقی است ظاهراً ملتیان عمدۀ با دولت متفق هستند چنانکه وثوق‌الدوله یکی از آنها داخل کابینه شده و به وزارت عدليه بجای فرمانفرما برقرار گردیده است.

از قراری که می‌گویند فرمانفرما محض آن استعفاء داده است که در کابینه آتیه کار بهتری پیدا کند. در هر صورت عقیده عموم آن است که بعد از افتتاح مجلس کوشش زیاد خواهد شد که وزرای حالیه را به هم بزنند.

بیش از شصت نفر و کمیل می‌گویند در طهران حاضرند. عده‌ای که می‌شود با آن عده مجلس منعقد گردد ۶۱ نفر است ولی چون انتخاب بعضی از وکلاع ولایات که به طهران آمده‌اند شاید موافق قانون نشده باشد به این جهت تا دو هفته دیگر مجلس باز نخواهد شد.

همکار روس من پیشنهاد نموده است که قسمت عمدۀ قشون روس در قزوین مراجعت نمایند.

(تمام این مراسله) : ۳۱ اکتبر [۱۸ آبان؛ ۱۶ شوال] بعد از نوشتمن مطلب فوق‌همکار روس من اطلاع داد که دولت متبوغه او مصمم شده است که قسمت عمدۀ قشون قزوین را مراجعت دهد که ۶۰ نفر در قزوین و ۴۰۰ نفر الى ۵۰۰ نفر عجالتاً در رشت و انزلی باقی خواهند ماند.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۳۶۹

مراسله سر بار کلی به سر امور اداره‌گری مورخه ۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

من افتخار دارم که لفاظ مجلی از وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطور معمول برای شما بفرستم.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۳۶۹

مجلی از حوادث اخیر که انتهای آن ۴ نوامبر است

طهران

وثوق‌الدوله یکی از رؤسای ملتیان بجای فرمانفرما وزیر عدليه شده است. این تعیین کار تازه‌ای است به جهت آنکه وثوق‌الدوله تا بحال هیچ وقت داخل وزارتی نبوده است. ناصرالملک در ۳۰ اکتبر وارد طهران شد. هیئت دولت هنوز تا افتتاح مجلس به طور

وقتی است. کمیته که هرچند روز یک مرتبه برای مذاکرات در امور عمومی منعقد می‌گردد وزراء را در کارها کمال می‌کنند. صورت مذاکرات این کمیته در روزنامه‌ها درج می‌شود. از این مذاکرات همچو معلوم می‌شود که این کمیته به شکل یک پارلمان موقتی حرکت می‌نماید. پلتیک خارجی و داخلی مملکت در این مجالس گفتگو می‌شود. اعمال وزرا را تنقید می‌نماید و همچنین یک نظارت غیررسمی در امور دولتی دارد.

در طهران تقریباً ۶۴ نفر وکیل که این عده قدری بیش از عده کافی برای انعقاد مجلس است حاضر شده‌اند. از قراری که می‌گویند و کالتناهه بعضی از نمایندگان ولایات صحیح نیست به این سبب مایل‌اند که عده مکفی از وکلاء حاضر بشووند تا اینکه اطمینان از عده مقرر برای رسیدگردن مجلس حاصل گردد. بعلاوه عمارت مجلس که در بمبادرمان ۱۹۰۸ تقریباً خراب شده بود مشغول مرمت هستند و هنوز هم به هیچ وجه تمام نشده است ولی امید است که قبل از آخر ماه نوامبر مجلس منعقد گردد.

چرچیل

تبریز

۱۹ نفر از نمایندگان آذربایجان برای مجلس شوری انتخاب شده‌اند. آنها روی هم رفته اشخاص بی‌طرف هستند و اگر رئیس دسته آنها شخص کافی باشد خیلی مفید برای اجزای اصلاحات خواهند بود. ۵ نفر از آنها که تقی‌زاده و مستشارالدوله هم جزو آنها هستند اعضای مجلس سابقند. در این نوزده نفر فقط چهار نفر از ملاهای جزو هستند و این مطلب که در واقع یک اثر مهم انتخابات است کاسته شدن نفوذ علماء را نشان می‌دهد ۱۷ نفر از این ۱۹ نفر وکیل متعلق به شهر تبریز است. جای تأسف است که نمایندگان کافی از طرف سایر شهرها و نواحی دوردست انتخاب نشده‌اند ولی این مسئله تا یک اندازه راجع بخود قانون انتخابات است. به عقیده فرهانفرمای آذربایجان طریق انتخاب مستقیم حق انتخاب را در کلیه توابع ایالت بهتر و معتلتر به موقع اجراء می‌گذاشت. باستانی اردبیل سایر نقاط آذربایجان خاموش است. اغتشاش اردبیل بواسطه رحیم‌خان است که بعد از آنکه قشون روس اهر را تخلیه نمودند او جمعیتی فراهم کرده و شاهسونها را که بعضی از رؤسای ایشان در تحت اطاعت دولت آمده بودند تحریک به یاغیگری نمود. این دو قوه متفقاً در ۲۲ اکتبر تقریباً اردبیل را محاصره نموده و جنگ زیادی هم واقع شد.

بواسطه قطع سیمهای تلگراف و صول اخبار خیلی به تعویق افتاد.

ایالت اقدامات فوری برای تهیه استعداد و فرستادن به استخلاص ستارخان که با هزار نفر در اردبیل محصور است بعمل آورد تا در ۲۸ اکتبر با قرخان با هزار و پانصد نفرسواره و پیاده از تبریز حرکت نمود. صمدخان هم ۸۰۰ نفر در مراغه حاضر کرده است که بهم‌مض امر حرکت نماید. ضمناً ایالت رشید‌الملک را با صد نفر قزاق ایرانی برای مذاکره با یاغیان به سرآب فرستاد. ژنرال قسول روس کاغذی به رشید‌الملک داد که به رحیم‌خان ارائه بدهد. مدلول آن نوشه این بود که او شخصاً مسئول خسارت واردیه بر جان و مال تبعه روس

خواهد بود.

مسیو میلن یک چنین دستورالعملی به ویس اقنسول روس مقیم اردبیل فرستاد که به رحیم‌خان پیغام بدهد امید است که این مذاکرات نتیجه خوبی بیخشد.

از طهران قشونی که مرکب از ۱۶۰۰ نفر به انضمام سه عزادم توب است به ریاست مسیو بیرم رئیس پلیس بصوب اردبیل فرستاده شد.

۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با ۴ عزادم توب از طهران و ۲۰۰ نفر سوار اینانلو از زنجان که برای فرماننفرمای آذربایجان اعزام شده بود در ۲۲ ماه اکتبر وارد تبریز شدند.

تحفیف در قشون روس متوقف در آذربایجان در ۱۷ اکتبر شروع نمود و یک باطری توب صحرایی و ۲ گروهان پیاده از تبریز به طرف روسيه حرکت کردند.

در ۱۹ همین ماه دو گروهان پیاده و نیم گروهان ساپور^۱ و عده‌ای اسب و آدم از باطری توپهای کوهستانی مراجعت کردند. در ۲۱ ماه اکتبر ژنرال اسنارسکی و اجزاء او عزیمت کردند. در ۲۳ اکتبر ژنرال اقنسول روس اظهار داشت که هزار نفر در تبریز و صد نفر پیاده در ارومیه و صد قزاق در اردبیل باقی است.

قزوین

۱۶۰۰ نفر از قشون روس هنوز در قزوین است و در این ماه اخیر دستجات قشون در منازل بین راه رشت گذاشته شده است. دولت روسيه مصمم گردیده است که تمام قشون خود را غیر از ۶۰ نفر در قزوین و ۴۰ نفر در رشت و ارزلی بقیه را خارج نماید.

رشت

آرامی برقرار است. از قراری که می‌گویند حکومت با انجمن محلی ضدیت دارند ولی ضدیت هنوز علی نشده است چون عده‌ای قزاق ایرانی از طهران به رشت وارد شد بیشتر از مجاهدین قفقازی را هر خص نمودند.

زنگان

مذاکرات هایین دولت و ملا قربان علی تا آخر ماه اکتبر در جریان بود. بعد ترتیب خوبی داده شده و حکومت وارد زنجان گردیده و به کار خودش مشغول شد.

مشهد

این نقطه آرام مانده است. هرچند که ایالت و انجمن محلی دارای هیچ گونه اقتداری نیستند.

به وجہ رایورت فقدان پول و نبودن کار در تزايد است.

نظر به حکم اکیدی که از طرف وزیر داخله شده است مجاهدین محلی اسلحه خود را تسليم و در یک مکان جمع کرده‌اند ولی باز هم از آنها مسلح در معاشر دیده هی شوند.

اصفهان

شهر و اطراف منظم است. صهصام‌السلطنه اظهار میل به دادن استعفاء نموده است. به استثنای راه شیراز در نزدیکی ایزد خواست که کوه‌گیلویه [که‌گیلویه]‌ها چندین کاروان و دهات را غارت کرده‌اند سایر راهها امن است. کوه‌گیلویه‌ها قزاقان ایرانی را که در ۱۱ ماه اکتبر از اصفهان به طرف شیراز حرکت می‌کردند در شمال ایزد خواست نگاه داشته‌اند. استعداد بختیاری برای بازنمودن راه فرستاده شده است.

کاشان

نایب حسین هنوز آزاد است ولی استعداد برای گرفتاری او فرستاده شده است. مأمورین ایرانی در اصفهان از ژنرال قسولها خواهش نموده‌اند که اگر نایب حسین خواست به قسول‌گریها متحصن شود به او اجازه ندهند.

سلطان‌آباد

هستر استروس کفیل ویس قسول‌گری خبر می‌دهد که اهالی عراق [اراک] از دست بختیاریها به کلی بجان رسیده‌اند. بعد از آنکه واقعه غارت کردن حسین خان ضرغام بختیاری بلوک کراز را به طهران خبر رسید وزیر داخله به برادر خود حاجی خسروخان حکم نمود که از بختیاری به عراق [=اراک] رفته مرتكبین را تبیه و اموال مسروقه را به صاحبان آن مسترد سازد. حاجی خسروخان به طرف عراق [=اراک] حرکت کرد و در پانزدهم ماه اکتبر به طهران تلگراف نمود که دستور العمل را به موقع اجراء گذاشته است. هستر استروس می‌گوید که مطلب از این قرار نیست و اظهار می‌دارد که حاجی خسروخان با حسین خان ضرغام متحد شده چند پارچه ده و ۵ ایل لور را غارت کرده و گله و گوسفند زیادی به سمت بختیاری برده‌اند.

سفیر اعلیحضرتی دقت نظر وزیر داخله را به این رایپورت هستر استروس جلب نموده وزیر داخله قول داد که در این خصوص رسیدگی خواهد نمود. در سلطان‌آباد یک ملای مهمی است که موافق رایپورت هستر استروس بختیاریها با او خیلی همراه هستند و اهالی را خیلی اذیت می‌کنند از قرار معلوم حاکم حالیه بدتر از بی‌فائیده است.

یزد

در بیست و هشتم ماه سپتامبر تفتیها یک ده پارسی موسوم به قاسم‌آباد را غارت نموده مرد و زن را کتکزده و بعلاوه غارت زیاد سه نفر هر دو هم با خود برند. محبوسین را پس از صده زدن و پول گرفتن رها کردند.

در بیست و نهم ماه اهالی قاسم‌آباد و عده‌ای از پارسیها و تجار و غیره شهری محض شرارت تفتیها که در این موقع دزدی و غارت و کارهای دیگر در اطراف یزد می‌کردند به ویس قسول‌گری انگلیس متحصن شدند. آنها تا نوزدهم ماه اکتبر در تحصن باقی بودند تا اینکه حاکم جدید سردار جنگ بختیاری وارد شده و به آنها اطمینان داد که از ایشان

حمایت کرده و تفتیها را تتبیه خواهد نمود. ورود حاکم جدید اثر خوبی به اوضاع بخشیده است. راهها باز و امن است.

کرمانشاهان

صلاح مابین دو دسته بتوسط داودخان رئیس ایل کلهر داده شده است. امنیت خارج شهر را به او سپرده‌اند و کمیته از اعیان ولایت نظم داخل شهر را به عهده گرفته‌اند. چون از طهران قشون برای حکومت نرسیده است حاکم هم به دولت اطلاع داده که مسئولیت را بر عهده نخواهد گرفت. اخبار نفاق در پایتخت لطفه به امور وارد آورده است و تا مدتی که کارها در مرکز به یک اساس میکمی پایدار نشود هیچ انتظار اصلاح در امور ولایتی نباید داشت.

دولت مرکزی داودخان را به ریاست ایل کلهر منصوب نموده است. مشارالیه تمام رؤسای ایل را جمع نموده و آنها را قسم داده است که همیشه با او همراه باشند. می‌گویند داودخان به آنها گفته است مالیات را ندهید و غارت هم بکنید ولی حمله به زوار و اموال تجار نیاورید.

اگر اوضاع جدید به همین حال باقی بماند و از داودخان بخواهند که امنیت را برقرار سازد مشارالیه خواهد گفت که این کار ممکن نیست مگر آنکه به رؤسا پول داده شود تا آنها پلیس مخصوص تشکیل بدهند.

غلب از اموالی که به سرقت رفته بود و در راپورت‌ها گذشته درج شده بود به صاحبان آنها مسترد ساختند.

کرمان

شهر و اطراف آرام مانده‌اند. رفعت نظام را از بم به طهران احضار نمودند ولی اهالی دکاکین را بسته و به تلگرافخانه بست رفته‌اند که نمی‌گذاریم مشارالیه حرکت کند، چونکه او آنها را از حمله بلوچ حفظ می‌نماید. رفعت نظام در ۲۸ ماه سپتامبر به طرف طهران عزیمت نمود می‌گویند که تمام رؤسای بلوچ مابین خود صلاح نموده و هر یک از آنها نقاط و قلعه‌های خود را در دست دارد.

شیراز

حکمران جدید سهام‌الدوله جدیت فوق العاده برای ترتیب اداره ایالت نموده است و چندین اداره با مشاغل معلومه را تشکیل داده است از قبیل عدله نظمه.

خشون مالیه و امور ایلاتی مشارالیه اصرار دارد که ادارات مذکوره وظایف خود را انجام دهند. نصرالدوله را تمکین حض کرده است و او را مجبور می‌نماید که در تمام کارهای رسمی با حکومت همراه باشد. نشانه اول ورود او به دار زدن یک نفر لوطنی معروف نوکر نصرالدوله بود. این کار و سیاستهای دیگر اقتداری برای او حاصل نموده است.

عجالتاً تمام مخالفین او بی حرکت شده‌اند ولی حکمران دشمن زیاد مخصوصاً مابین علماء پیدا کرده است و قنسول اعلیٰ حضرتی گمان می‌کند که اگر او بتواند خود را نگاه دارد در واقع معجزه کرده است.

حکمران جدید هبلغی از دعاوی اتباع انگلیس را تأديه نموده و برای مابقی هم مشغول قرار و مدار است.

او ضاع عمومی را اجمالاً می‌توان این طور بیان کرد که حکمران جدید بواسطه اطمینانی که به شخص خود دارد و با جدیتی که هیچ‌امر مشکلی را صعب نمی‌شمارد تمام اشخاص را که با او طرف شده‌اند ترسانده است ولی احتمال نمی‌رود که نایب‌های او در ولایات جزو همین اثر را بیخشنده هنوز معلوم نیست که اگر ضدیتی با او بکنند بتوانند مقاومت نماید مگر آنکه قوه از مراکز برای او برسد.

چیزی که معلوم نیست عقیده ایلات در حکومت جدید است.

سید عبدالحسین لاری که به طهران احضار شده است ورود او به شیراز ممکن است اسباب اغتشاش بشود.

مستر بیل گمان می‌کند که بهتر آن است که مستحفظین قنسولگری توقف خود را مداومت بدهند تا اینکه یا قشون از طهران برسد و یا فارس از خطر سید ایمن شود.

حیدرخان کمارجی از زخمی که یکی از نوکرهای او به او زده وفات یافت و اتابع او از کازرون حرکت کردند.

راه مابین کازرون و کنارتخته از قراری که راپورت رسیده خیلی نامن است. می‌گویند این راه در دست ایل قشقابی است و آنها مشغول چیاول هستند. خیلی جای تأسف است که اغتشاش در این راه دو مرتبه شیوع پیدا کرده است زیرا که کاروان به تازگی شروع به حرکت از این راه به بوشهر کرده بود.

خلیج فارس

بوشهر

انجمن محلی هفت‌های دو سه هر تبه منعقد می‌گردد ولی ظاهراً کار مهمی از پیش نمی‌برد. به تحریک عامل سید عبدالحسین لاری انجمن به طهران تلگراف نموده و سید را مشروطه خواه و بی‌تقصیر از یغما و سایر کارهایی که درباره او گفته شده معرفی کرده است. از مرکز جواب داده‌اند که انجمن در این خصوص مداخله نکند.

لنگه

در ۳۰ سپتامبر قنسول اعلیٰ حضرتی هقیم بندرعباس به بوشهر تلگراف کرده است که از آژان ززیدانس لنگه برای او راپورت رسیده که سید عبدالحسین لاری بستک را تصرف نموده و اهالی لنگه خیلی در اضطرابند و عده زیادی هم از آنجا خارج شده‌اند. حکومت که در بندرعباس است به کاپیتان ری اطمینان داد که شهر محفوظ خواهد بود چون او کشتی پرسپلیس را با قشون برای حفظ شهر فرستاده است.

مهمره

فخرالملک حاکم جدید عربستان [خوزستان] در اواخر ماه سپتامبر مشغول کار خود گردید. ورود او مقارن شد با تجدید دزدی در راه شوستر و دزفول. در این راه ایل سگوند ۷۰۰ مال بارکش و بارهای آن را غارت کرده. حاکم از قرار معلوم بدون قدرت است. دولت مرکزی از سردار ارفع خواهش نموده است که مثل سابق که حاجی سیف الدوله حاکم بود باز هم در معنی حکومت عربستان [خوزستان] را بعهده بگیرد.

سردار ارفع اظهار کرده است که این تعهد را نخواهد کرد زیرا که فخرالملک بدون مشورت او به حکومت تعین شده مسؤولیت حکومت عربستان هم باید به عهده او تتها باشد. سردار ارفع نماینده خود را از شوستر و دزفول احضار کرده است. شروع اغتشاش را مترصد باید بود.

ماژور استوکس آتاشه میلیتر

نمره - ۳۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۲ آذر ۱۲۸۸ ذی قعده ۱۳۲۷] از طهران

وضعیت شرق آذربایجان

راجع به تلگراف ۱۱ نوامبر من:
کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز به من اطلاع می‌دهد که ۳۲۰۰ نفر فشون روس اردبیل را تصرف نموده و فوجی را که من راپورت داده بودم در آستارا حاضر خواهند بود، یقیناً داخل در عده مذکور فوق هستند.

نمره - ۳۷۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۳ آذر ۱۲۸۸ ذی قعده ۱۳۲۷] از طهران.

مسیو پاسک ژنرال قنسول روس مقیم بوشهر و مسیو کاولوبوسکی کفیل ژنرال قنسولگری بوشهر از شیراز به بوشهر عزیمت می‌کردند. در دومنزلی خارج شیراز نزدیک دشت ارژن بویراحمدی که طایفه‌ای از ایل کوه‌کیلویه [کهگیلویه] هستند به آنها حمله برده چندین نفر از همراهان ایشان مجروح و یک نفر قزاق روسی مقتول شده است. مسیو پاسک با همراهان خود به خان زنیان^۱ مراجعت نمودند. مستر ولات طبیب تلگرافخانه به اتفاق قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز با عده‌ای سوار هندی و ایرانی به کمک آنها رفت. من این اقدام مستر بیل را که همراه مستر ولات رفته است تصویب نمودم زیرا که رفتن طبیب تنها با ایرانیها برای طبیب خطر داشت.

(۱) اصل: خان زنیان

نمره - ۳۷۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۳ آذر ۱۲۸۸؛ ذی قعده ۱۳۲۷] از طهران.
راجع به تلگراف ۲۵ نوامبر:

مسيو پاکلاوسکى به من اطلاع داد که چندين کاروان که بلاشك محض امنيت با مسيو پاسک همراه شده بودند ديروز صبح ۲۵۰ نفر از ايلات به آنها تاخت آورده و مقتولين علاوه بر اشخاصى که در تلگراف سابق خود ذكر كردم عبارت است از ۱۲ نفر ايراني که يك نفر آنها رئيس مستحفظين کاروان بوده است. جنگ يك ساعت و نيم طول كشيد. ايلات کاروان را غارت كردند.

نمره - ۳۷۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ نوامبر ۱۹۰۹ [۵ آذر ۱۲۸۸؛ ذی قعده ۱۳۲۷] از طهران.

(خواهش مى كنم رجوع به تلگراف ۱۸ ماه ژوئيه من نمایید)
دولت ايران به من اطلاع داد که مجلس تعیین عضدالملك را به نیابت سلطنت تصویب نمود.

نمره - ۳۷۵

تلگراف سر نيكلسن به سر ادواردگری مورخه ۲۸ نوامبر ۱۹۰۹ [۶ آذر ۱۲۸۸؛ ذی قعده ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

ديروز در ضمن ملاقات، مسيو ايزلوسکى در خصوص اتفاق تأسفانگيزی که در جنوب ايران روی داده است با من مذاكره نمود.

جنات وزير اظهار داشته که در يك موقع ديگر هم همین ايلات حمله به كفيل ويس قنسول روس بريداند و هيچ اقدامی از طرف دولت ايران به عمل نیامد. اين دفعه دولت روسیه تبيه مرتکبين و تأديه خسارات را حتماً مطالبه خواهد کرد و در اين باب پيشنهاد به دولت ايران خواهد شد. جناب ايشان گفتند که اين نوع حوادث است که مراجعت قشون روس را به تعويق مى اندازد.

نمره - ۳۷۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ نوامبر ۱۹۰۹ [۶ آذر ۱۲۸۸؛ ذی قعده ۱۳۲۷] از طهران.

كفيل ژنرال قنسولگری اعليحضرتی مقيم تبريز به من اطلاع مى دهد که شاهسونها به

قشلاق خود در مغان و رحیم‌خان به قردادغ مراجعت نمود.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۹ نوامبر از طهران.

تلگرافی از کفیل قسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز برای من رسیده است که مشعر است براغتشاش دیروز شهر.

اشارار عمارت حکومتی را چاپیده‌اند و حاکم مجبور شده است از دارالحکومه فرار نماید.

اغتشاش موقتاً تخفیف یافته است، ولی مستر بیل بیم از آن دارد که مجدداً شروع بشود و گمان نمی‌کند که حکومت بتواند اقتدار خود را پایدار نماید. در این دو هفتة اخیر هیجانی در شیراز بود ولی هن از جزئیات آن اطلاعی ندارم. حاکم مکرر اظهار داشته است که اگر قشون برای کمک او فرستاده نشود استعفاء خواهد داد و من نمی‌دانم اگر او استعفاء کند کی بجای او منصوب خواهد شد.

من به دولت ایران فشار آورده‌ام که استعدادی به آن صوب بفرستد. می‌گویند که یک فوج از اصفهان به طرف شیراز حرکت کرده.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸] ذی‌قعده ۱۳۲۷] از طهران

مسیو پاکلاوسکی به من اطلاع می‌دهد که دولت روسیه هصمم شده که اکثر قشون خود را از اربیل خارج نماید.

تمام شد ترجمه ایران نمره (۱) سال ۱۹۱۰ که متمم وقایع ایران نمره ۲ (۱۹۰۹) است و مشهور به کتاب آبی است. بتاریخ:

دهم شهر شعبان ۱۳۳۰ هجری مطابق ۲۶ ماه ژویه
۱۹۱۲ میلادی